

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۴

خبرنامه داخلی

Official Expert Organization. Tehran

استان تهران



نقد و بررسی ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان

صلاحیت کارشناسی یک نهاد ملی و تخصص محور است؛
هر الزام مکانی، انحراف از قانون و تهدید اعتماد عمومی است

تجلیل از مقام کارشناس

مراسم روز ملی و استقلال کانون
کارشناسان رسمی دادگستری برگزار شد



همایش ملی توسعه نظام کارشناسی رسمی
National Conference on Development
of Official Experts' System

همایش ملی توسعه نظام کارشناسی رسمی

با ارائه مقالات تخصصی

برگزارکننده: کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران

زمان: ۲۵ و ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۴

مکان: مرکز همایش های بین المللی رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران

اهداف برگزاری همایش

- توسعه نظام کارشناسی - ارتقای دانش کارشناسی
- تقویت انسجام داخلی جامعه کارشناسی - رشد کیفی و کمی خدمات کارشناسی
- افزایش اعتبار بیرونی کارشناسی - توسعه همکاری های سازمانی و نهادی، مرتبط به کارشناسی

محور های همایش

- تبیین جایگاه کارشناسی از منظر قانونی و حرفه ای**
 - تبیین نقش کارشناسان رسمی دادگستری در توسعه عدالت
 - تبیین نقش اجتماعی کانون کارشناسان به عنوان تشکل حرفه ای
 - صیانت از استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری
 - ارتقاء شأن کارشناسی و کانون کارشناسان رسمی دادگستری در جامعه
 - معرفی ظرفیتهای و قابلیتهای متنوع کارشناسی در ارائه خدمات فنی و تخصصی
- بررسی ساختار نظام کارشناسی رسمی**
 - تبیین جایگاه نظام کارشناسی در نظام قضایی
 - تحلیل ساختاری وجود نهادهای موازی در امر کارشناسی رسمی
 - آسیب شناسی ساختار درونی و بیرونی نهادهای مرتبط به کارشناسی
 - تبیین مرادفات و تعاملات مراجع قضایی با کانونهای کارشناسی
 - تحلیل وضعیت و راهکارهای اصلاح ساختار امور کارشناسی غیرقضایی
- تحلیل نقش نهادهای سیاستگذار، ناظر و تنظیمگر در امور کارشناسی**
 - تبیین جایگاه و نقش نهادهای محیط بیرونی کارشناسی
 - بررسی نقش و جایگاه نهادهای محیط درونی کارشناسی
- تحلیل چالشهای نظام کارشناسی**
 - تشریح ضرورت و چگونگی بازنگری قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری
 - آسیب شناسی اجرای قانون تسهیل و نحوه اخذ پروانه کارشناسی
 - تحلیل آثار چگونگی تدوین، تصویب و اجرای تعرفه دستمزد کارشناسی
 - بررسی مسائل نظام ارجاع کار کارشناسی در حوزه قضایی و غیرقضایی
- مرور آموزه های تجارب کارشناسی**
 - تحلیل مسائل مرتبط با صلاحیت های کارشناسی
 - شناسایی عوامل مؤثر در اختلاف نظرهای کارشناسی
 - ریشه یابی شکایات انتظامی از کارشناسان
- شناسایی عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت خدمات کارشناسی**
 - تبیین نقش اخلاق حرفه ای در اعتلای کارشناسی رسمی
 - طراحی ساز و کار ارزشیابی خدمات کارشناسی
 - به کارگیری ابزارهای هوشمند در امور کارشناسی
 - ترسیم فرآیند ارتقای جایگاه کارشناسی رسمی
- بررسی تجارب بین المللی در نظام کارشناسی**
 - بررسی نقش سازمانهای بین المللی نظام کارشناسی
 - مرور استانداردهای بین المللی در امور کارشناسی
 - بررسی ساختار و نظام کارشناسی در کشورهای مختلف
 - معرفی جایگاه کارشناسی در نظام قضایی کشورهای منتخب
 - بررسی نظام های تعرفه دستمزد کارشناسی در کشورهای دیگر
 - تحلیل فرصت ها و تهدیدها در تعاملات و استفاده از استانداردهای بین المللی

تارنمای ارسال مقالات:

hamayesh.karshenasan.ir

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

Official Expert Organization, Tehran

سر مقاله / صلاحیت و قانون	۲
ماده ۴ تعرفه، نظام شایسته‌سالاری در کارشناسی را از بین می‌برد	۵
سخنی در باب ماده ۴ تعرفه	۱۱
ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی و ماده ۴ تعرفه	۱۱
حدود اختیار، مسئولیت نهادی و سناریوهای سه‌گانه	۲۰
نقدی بر صدر ماده ۴	۲۰
تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری	۲۴
ماده ۴ نظام نامه تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری	۲۴
مزایا، چالش‌ها و ضرورت انعطاف‌پذیری	۲۷
بررسی حقوقی محدودیت جغرافیایی در تعرفه دستمزد کارشناسی مصوب ۱۴۰۲	۲۷
یک قاعده و دو بحران	۳۱
بازگری ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری	۳۴
از تحدید جغرافیایی تا جست‌وجوی راهکار میانه	۳۴
ماده ۴ تعرفه منشأ قانونی ندارد	۳۶
همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی» فرصتی برای تحول	۳۷
مسئولیت‌های چهارگانه کارشناسان رسمی دادگستری	۴۲
کاربردهای هوش مصنوعی در کارشناسی رسمی رشته امور بازرگانی	۴۷
از کشف تباتی قیمتی تا ارزیابی ارزش منصفانه	۵۳
چگونگی انجام عملیات طراحی و اجرای ساختمان شماره ۲ کانون	۵۶
مفاخر کانون / مرحوم مهندس علی‌اکبر معین‌فر	۵۷
خبرنامه	۵۸
روایت‌های کارشناسی	۶۲



خبرنامه داخلی کانون
کارشناسان رسمی
دادگستری استان تهران



شماره چهارم / مهر و آبان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: کانون کارشناسان رسمی
دادگستری استان تهران

مدیرمسئول: محمدجواد تیموری

شورای سردبیری: حسین احمدی،
منصور صفرزاده، حامد خانجانی

ویراستار ادبی: هانیه نعیمی

طراحی و صفحه‌آرایی: محمد طاهری

چاپخانه: آیین چاپ تابان

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه



۵۱



۵۳



۱۱۱



۳۸



۵۶





صلاحیت و قانون

بازخوانی یک خطای مفهومی و پیامدهای آن بر «ماده ۴ تعرفه کارشناسی»

وارد ساختار نهاد صلاحیت نکرده است.

۱-۱- صلاحیت در رشته: بنیان علمی و محور هویت حرفه‌ای

قانون کارشناسان رسمی، در مواد ۱۵ و ۳۸، صدور پروانه را برای رشته مقرر کرده است. رشته، جایگاه بنیادی کارشناس است و تعریف می‌کند که کارشناس در کدام حوزه علمی و فنی پاسخگو است. رشته، ماهیت کاملاً تخصصی دارد.

رشته از جنس تقسیم‌بندی دانش و مهارت است؛

رشته ماهیت ملی دارد و تابع وحدت استاندارد حرفه‌ای است؛

رشته با تغییر محل، شهرستان یا حوزه اداری دچار تغییر نمی‌شود؛

و هیچ ماده‌ای از قانون یا آیین‌نامه، شرط یا قید جغرافیایی را جزو ارکان تشکیل‌دهنده رشته معرفی نکرده است. در حقوق عمومی، وقتی قانون‌گذار موضوعی را با عنوان رشته تعریف می‌کند، این عنوان خودبه‌خود دارای ماهیت علمی و فراسرزمینی است، مگر آنکه قانون، برخلاف اصل، به صراحت آن را محدود کند. فقدان هرگونه نص محدودکننده نیز مؤید آن است که صلاحیت در رشته، به‌طور ذاتی و قانونی، ملی و فراگیر است.

۱-۲- صلاحیت در امور موضوعی: محدوده‌ای که قانون بر مبنای تناسب تخصص تعیین می‌کند.

تعیین امور به‌عنوان معیار تحدید صلاحیت، در ماده ۲۶ (بند ۸) تأکید شده است؛ جایی که انجام کارشناسی در اموری که خارج از صلاحیت باشد، تخلف انتظامی دانسته شده است. مقصود از امور، دامنه‌های تخصصی درون یک رشته است، یعنی حوزه‌هایی که کارشناس براساس تجربه، آموزش و سابقه، به تدریج احراز و تثبیت می‌کند. (پرای مثال: در رشته ساختمان: ارزیابی، اجاره‌بها، سرفقی، برآورد و...)

این امور موضوعی چند ویژگی قطعی دارند:

الف) مصادیق تخصص هستند، نه شاخص‌های مکانی؛

ب) حدود آنها تنها از توانایی علمی و مهارت عملی کارشناس ناشی می‌شود؛

ج) تحدید آنها فقط بر مبنای قانون و مقررات انتظامی معتبر است.

«ماده ۴ تعرفه کارشناسی» نشانه اختلالی عمیق در فهم ماهیت صلاحیت کارشناسی رسمی است. اختلالی که از سطح یک اختلاف صنفی فراتر می‌رود و به بنیان‌های حقوق عمومی، مفهوم صلاحیت و حدود اختیار مقررگذار بازمی‌گردد. این ماده، با تحمیل «الزام مکانی بر انتخاب کارشناس»، تصویری از حرفه ارائه می‌کند که با ساختار قانونی آن ناسازگار است. حرفه‌ای که در قانون، ماهیتی ملی، تخصص‌محور و عاری از هرگونه قید جغرافیایی دارد.

اهمیت این بحث، به‌ویژه در حال حاضر و در آستانه تصویب تعرفه جدید طبق ماده ۲۹ دوچندان است. استمرار برداشت‌های نادرست درباره صلاحیت، می‌تواند پیامدهای مستقیمی بر کیفیت کارشناسی، عدالت در دسترس، استقلال حرفه‌ای و سلامت ساختار ارجاع به همراه داشته باشد. ریشه این وضعیت را باید در مجموعه‌ای از سوءفهم‌ها جستجو کرد: از خلط میان صلاحیت و تقسیمات اداری گرفته، تا تبدیل ترجیحات اجرایی دادگاه‌ها به قواعد ماهوی، و برداشت خطاگونه از تبصره ۲ ماده ۱۵۶ آیین دادرسی کیفری. این سرمقاله با هدف رفع همین سوءفهم‌ها، به تبیین ماهیت صلاحیت، شرح منشأ این خلط، بررسی حدود اختیارات ماده ۲۹ و نیز پیامدهای حرفه‌ای ماده ۴ می‌پردازد.

۱- ماهیت صلاحیت در نظام کارشناسان رسمی دادگستری

بنیان تخصصی و غیرقابل تحدید به جغرافیا

«صلاحیت» در نظام کارشناسی رسمی، همانند دیگر نهادهای حرفه‌ای در حقوق عمومی، یک نهاد قانونی است؛ نهادی که حدود و ثغور آن فقط از طریق قانون تعریف و تحدید می‌شود. به همین دلیل، درک صحیح صلاحیت، مقدمه ضروری هر تحلیل درباره ارجاع، تعرفه، مسئولیت و استقلال کارشناسی است. بررسی مواد قانون کارشناسان رسمی و آیین‌نامه اجرایی آن نشان می‌دهد که صلاحیت از سه مؤلفه درونی و ماهوی شکل می‌گیرد: «رشته»، «امور موضوعی» و «مسئولیت حرفه‌ای». هیچ‌یک از این مؤلفه‌ها عنصر مکانی ندارند و قانون‌گذار نیز چنین قیدی را

در نتیجه، قانون به روشنی نشان داده است که صلاحیت کارشناسی، تابع تناسب موضوع با توانایی علمی است؛ نه تابع محل جغرافیایی انجام کارشناسی یا استقرار کارشناس.

۳-۱- مسئولیت حرفه‌ای: رکن مکمل و تثبیت‌کننده صلاحیت

صلاحیت در نظام کارشناسی جدای از مسئولیت نیست؛ بلکه مسئولیت حرفه‌ای مؤلفه‌ای است که صلاحیت را تکمیل و تثبیت می‌کند. کارشناس صرفاً در حوزه‌ای مسئول است که قانون، با اعطای صلاحیت موضوعی، توانایی و اختیار او را به رسمیت شناخته است. این پیوند میان توانایی، اختیار و مسئولیت، نشان می‌دهد که: مسئولیت از تخصص نشئت می‌گیرد؛ و مسئولیت فقط در چارچوب حوزه‌ای معنا دارد که کارشناس صلاحیت انجام آن را کسب کرده است.

از این منظر، صلاحیت و مسئولیت دو جزء جداگانه نیستند، بلکه دو چهره از یک ساختار حقوقی واحد هستند؛ ساختاری که موضوع را ملاک قرار می‌دهد، نه محل را.

۲- منشأ خطای مفهومی در ماده ۴

چگونه صلاحیت تخصصی با معیارهای اداری خلط شد؟ اکنون که ساختار واقعی نهاد صلاحیت کارشناسی در قانون کارشناسان رسمی روشن شد، پرسش اصلی این است که چرا و چگونه این مفهوم تخصصی و موضوع محور، در برخی رویه‌ها و مقررات به صورت جغرافیایی تفسیر شده است. پاسخ این پرسش را باید نه در ابهام قانون، بلکه در مجموعه‌ای از برداشت‌های نادرست مفهومی و همپوشانی ناموجه میان ساختار اداری، رویه‌های قضایی-اجرایی و ماهیت نهاد صلاحیت دانست.

۲-۱- سوءتعبیر از ساختار اداری کانون و وظایف آن:

کانون‌های کارشناسان رسمی به صورت استانی ساماندهی شده‌اند. این ساختار استانی، یک ساختار اداری-سازمانی است که صرفاً برای مدیریت اداری (ساماندهی، نظارت، آموزش، انتظامات حرفه‌ای و حفظ شأن و استقلال حرفه‌ای) طراحی شده است، نه برای تقسیم قلمرو صلاحیت. با این حال، برخی تفاسیر اداری، این ساختار استانی کانون را به خطا معادل «قلمرو مجاز فعالیت کارشناسان» تلقی کرده‌اند؛ نتیجه طبیعی این خطا، پدید آمدن این تصور است که «هر استان قلمرو صلاحیت کارشناسان همان استان است». این تصور، فاقد هر گونه مبنای قانونی است و یکی از سست‌ترین بنیان‌های شکل‌گیری ماده ۴ به شمار می‌آید.

۲-۲- تبدیل ترجیحات اجرایی قضایی به قاعده ماهوی:

عامل دیگر شکل‌گیری خطای معرفتی، تبدیل یک ترتیب اجرایی به قاعده ماهوی است. دادگاه‌ها در عمل برای تسهیل رسیدگی، کارشناس نزدیک‌تر به محل وقوع را ترجیح داده‌اند. این انتخاب همیشه یک اولویت اداری-اجرایی بوده است؛ نه یک معیار برای تحدید صلاحیت. ولی در گذر زمان، این ترجیح اجرایی، به اشتباه در ذهن برخی مقامات قضایی و حتی کارشناسان، به عنوان «قاعده حقوقی» تلقی شده و چنین تصور شده است که «ارجاع

باید به نزدیک‌ترین کارشناس باشد، پس هر کارشناس در همان محدوده صالح است.»

تبدیل این ترجیح اداری-اجرایی به حدود نهاد صلاحیت، اشتباهی است که ریشه در فقدان دقت مفهومی دارد، نه در حکم قانون.

۲-۳- سوءبرداشت از تبصره ۲ ماده ۱۵۶ آیین دادرسی

کیفری:

عامل بعدی و شاید موثرترین منشأ خطا، برداشت نادرست از تبصره ۲ ماده ۱۵۶ است. این تبصره می‌گوید: «اگر در حوزه کارشناس نبود، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور یا اهل خبره انتخاب کند.» این حکم سه ویژگی دارد:

۱. استثنایی است؛

۲. غیرحصری است؛

۳. فقط برای تسهیل تحصیل دلیل در مرحله تحقیق وضع شده است.

اما برداشت نادرست چنین پنداشته است: «اگر می‌توان از حوزه مجاور انتخاب کرد، پس اصل بر انتخاب از همان حوزه است.»

این استنتاج از منظر فنی و اصول تفسیر حقوقی، فاقد اعتبار است؛ زیرا:

۱. استثنای قاعده نمی‌سازد؛

۲. مفهوم مخالف در احکام غیرحصری معتبر نیست؛

۳. این تبصره «معیار انتخاب بازپرس در مقام تحقیق» است، نه ابزار تعریف یا تحدید صلاحیت کارشناس و نه قابل تعمیم به سایر اشخاص حقیقی و یا حقوقی. متأسفانه همین سوءبرداشت و خطای معرفتی، در برخی ذهنیت‌ها به تدریج به قاعده‌ای نانوشته برای تحدید صلاحیت بدل شد و در نهایت خود را در متن ماده ۴ نشان داد.

نتیجه‌گیری: آنچه به ظاهر یک الزام ساده در تعرفه است؛ در واقع محصول زنجیره‌ای از سوءفهم‌های مفهومی (خطای معرفتی) درباره صلاحیت، ساختار کانون و جایگاه حوزه قضایی است. بدون اصلاح این خطا، ماده ۴ قابل فهم و قابل اصلاح نخواهد بود و سیاست‌گذاری در مسیر نادرست ادامه خواهد یافت. اصلاح ماده ۴، بازگشت به منطق قانون و صیانت از هویت ملی و تخصص محور نهاد صلاحیت کارشناسی است.

۳- تحلیل ماده ۲۹ و مسئولیت نهادی در شکل‌گیری ماده ۴

بازخوانی یک اختلال ساختاری

ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، یکی از دقیق‌ترین و محدودترین احکام قانونی در نظام مقررگذاری قوه قضاییه است. این ماده، عملاً سه اصل حقوق عمومی ناظر بر حدود اختیار مقررگذار را تثبیت می‌کند:

۱. تعرفه، ابزار تنظیم مالی خدمات کارشناسی است، نه

ابزار تحدید صلاحیت؛

۲. شورای عالی صرفاً مرجع پیشنهاددهنده تعرفه از

حیث مالی است، نه وضع‌کننده قواعد ماهوی یا

صلاحیتی؛

۳. رییس قوه قضاییه، مرجع تصویب تعرفه در حدود پیشنهاد و قانون است، نه قانون‌گذار بدیل یا مقام ایجاد قید جدید.

با توجه به این حدود، ماده ۴ از چارچوب اختیار قانونی مقام پیشنهاد و مقام تصویب خارج شده است. صرف نظر از اینکه ماده ۴ محصول پیشنهاد شورا عالی بوده و یاد مرحله تصویب توسط مقام تصویب، الحاق یا تشدید شده باشد، نتیجه واحد است: «هیچ‌یک از این مراجع، اختیار ایجاد الزام مکانی به عنوان قاعده ماهوی را نداشته اند.»

با توجه به اهمیت این مبحث، در همین نشریه و در قالب مقاله‌ای مستقل با عنوان «ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی و ماده ۴ تعرفه: حدود اختیار، مسئولیت نهادی و سناریوهای سه‌گانه»، موضوع به طور جامع و تحلیلی مورد بررسی، نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

۴- پیامدهای ساختاری و حرفه‌ای ماده ۴:

ماده ۴، صرف نظر از منشأ و نحوه تصویب، آثاری را ایجاد می‌کند که به طور مستقیم با ماهیت ملی و تخصص محور حرفه کارشناسی رسمی، ناسازگار است. این پیامدها از جنس اختلاف صنفی یا مزایا و معایب اداری نیستند؛ بلکه پیامدهای ساختاری و بلندمدت هستند که بر کیفیت خدمات کارشناسی، عدالت حرفه‌ای و سلامت حرفه اثر می‌گذارند. مهم‌ترین آثار قابل ذکر عبارتند از:

الف) کاهش دقت و کیفیت کارشناسی

هنگامی که متقاضی (اعم از اشخاص حقیقی، بانک‌ها، بیمه‌ها یا شرکت‌ها) مکلف شود فقط از «کارشناسان محل وقوع» انتخاب کند، امکان رجوع به کارشناسی که تناسب تخصص، تجربه یا مهارت موضوعی بیشتری دارد، محدود می‌شود. در این وضعیت، معیار مکانی جایگزین معیار توانایی تخصصی می‌شود و نتیجه آن، افت کیفیت در پرونده‌ها و گزارشات کارشناسی است.

ب) محدودسازی آزادی انتخاب و تضعیف استقلال حرفه‌ای

حق اشخاص برای انتخاب کارشناس مورد اعتماد خود، حتی در روابط خصوصی، محدود می‌شود. همچنین هویت ملی و تخصصی حرفه کارشناسی در ذهن عمومی به «ماهیت محلی» تقلیل می‌یابد؛ تقلیلی که به استقلال حرفه صدمه می‌زند و شأن کارشناسی را به یک واحد خدماتی منطقه‌ای فرو می‌کاهد.

ج) تضعیف انسجام ملی و استاندارد واحد کارشناسی

حرفه‌ای که باید مبتنی بر معیارهای واحد علمی و فنی باشد، به واسطه الزام مکانی دچار تکه‌تکه شدن اداری می‌شود. این امر مانع شکل‌گیری استاندارد ملی یکنواخت در کیفیت خدمات کارشناسی است و به تدریج یکپارچگی حرفه را تضعیف می‌کند.

د) افزایش ریسک فساد اداری، رانت‌جویی و نفوذ در ارجاع

مهم‌ترین پیامد ماده ۴، افزایش زمینه‌های بالقوه برای

رفتارهای غیرشفاف است. ترکیب سه عامل «محدودیت انتخاب»، «تمرکز ارجاع»، و «فقدان شفافیت نهادی» زمینه افزایش ریسک فساد اداری و شکل‌گیری منافع اختصاصی را فراهم می‌کند. این پیامد از منظر حقوق عمومی و سلامت حرفه، هشداردهنده‌ترین بخش مسئله است.

این وضعیت لزوماً به معنای تحقق فساد نیست، اما «معماری مقرر» به گونه‌ای است که احتمال آن را افزایش می‌دهد و این دقیقاً همان وضعیتی است که قوانین حرفه‌ای باید از آن پیشگیری کنند، نه آنکه با مقررهای مبهم آن را تسهیل نمایند.

۵- نتیجه‌گیری

بازگشت فوری به چارچوب قانونی و جلوگیری از نهادینه شدن یک خطای پرهزینه

مجموع تحلیل‌های پیشین نشان می‌دهد که چالش ماده ۴، مسئله‌ای صرفاً تعرفه‌ای نیست، بلکه نشانه لغزش در فهم ماهیت حقوقی صلاحیت کارشناسی و عدول از حدود قانونی مقررگذاری است. استمرار این وضعیت می‌تواند یک خطای کوچک مقررگذاری را به یک اختلال نهادی پایدار تبدیل کند؛ خطایی که اصلاح آن در آینده بسیار دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد بود.

صلاحیت کارشناسی در قانون، مفهومی «موضوع محور و ملی» است و هیچ مقام مقررگذاری حق تبدیل آن به عنوان «محلی یا اداری» را ندارد. ماده ۴، با ایجاد الزام مکانی، در تعارض مستقیم با این بنیان قرار گرفته و زمینه‌ساز پیامدهایی شده است که اکنون برای بدنه کارشناسی، محاکم و مخاطبان حرفه ملموس است: کاهش کیفیت ارزیابی‌ها، محدود شدن حق انتخاب اشخاص، اختلال در بیطرفی تخصصی، و ایجاد ساختارهای آسیب‌پذیر در برابر نفوذ و انحصار.

در آستانه تصویب تعرفه جدید، مسئولیت نهادی شورای عالی و مقام تصویب دوچندان است. هرگونه تکرار ماده ۴ به معنای تثبیت و نهادینه کردن یک خطای حقوقی خواهد بود؛ خطایی که نه تنها استقلال حرفه کارشناسی، بلکه اعتماد عمومی به نظام ارجاع و به تبع آن، اتقان تصمیمات قضایی را تهدید می‌کند. شفاف‌سازی کامل فرآیند پیشنهاد و تصویب تعرفه، و اعلام رسمی متن پیشنهادی، حداقل اقدام لازم برای جلوگیری از ایجاد شکاف میان جامعه کارشناسی و نهادهای تصمیم‌گیر است.

حفظ ماهیت ملی و تخصص محور صلاحیت کارشناسی، ستون فقرات این نهاد حقوقی است. اگر این ستون دچار انحراف شود، تمام سازه کارشناسی - از کیفیت گزارش گرفته تا عدالت در رسیدگی - در معرض لرزش قرار خواهد گرفت. به همین دلیل، اصلاح ماده ۴ نه یک توصیه، بلکه یک ضرورت فوری و غیرقابل چشم‌پوشی برای سلامت نظام کارشناسی و صیانت از اعتماد عمومی است.

شورای سردبیری نشریه



عضو هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران:



ماده ۴ تعرفه، نظام شایسته سالاری در کارشناسی را از بین می برد

عضو هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، با انتقاد از ماده ۴ نظام نامه تعرفه حق الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری، بر این باور است که این ماده، ناظر به محدودیت جغرافیایی با مخاطب قرار دادن کارشناسان و کانون های کارشناسی رسمی دادگستری نیست و ایجاد چنین محدودیتی برای متقاضیان کارشناسی، منجر به بروز چالش های حقوقی خواهد شد. حسین احمدی، همچنین این ابلاغیه را برخلاف حقوق شهروندی برشمرد و با تشریح بند هایی از قانون که آن را مغایر با قانون می داند، تاکید کرد که «این مصوبه، تعریض به قانون است و نظام حقوقی این را برنمی تابد.» وی در عین حال با اشاره به اعتراض شدید جامعه کارشناسی نسبت به ماده ۴ نظام نامه تعرفه، دلیل اعتراض کارشناسان نسبت به این ابلاغیه را حقوق مکتسبه و محدود شدن ظرفیت آنها دانست و گفت: «از طرفی، محدود سازی ظرفیت کانون های کارشناسان به یک حیطه محدود جغرافیایی، باعث خسارت کلان به متقاضیان کارشناسی نیز می شود. چون به آنها اجازه نداده اند به برترین ظرفیت ها مراجعه کنند.» مشروح گفت و گو با معاونت خدمات کارشناسی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران را در ادامه می خوانید.

ماده ۴ ایجاد شد، به این ترتیب که سقف تعرفه دستمزد کارشناسی، از مبلغ ۵۹ میلیون تومان به ۱۱۸ میلیون تومان برسد. همزمان در این ماده با توجه به موضوع کارشناسی، یک محدودیتی برای مراجعه به کارشناس برای متقاضی مطرح شد و حتی اسم کانون کارشناسان هم در آن آورده نشده است. یعنی اینطور نیست که به طور خاص، فقط کانون ها مخاطب این ابلاغیه باشند؛ مخاطب این ابلاغیه قوه قضاییه، در وهله اول خود قضات هستند که ملزم به تعیین حق الزحمه کارشناسان هستند.

این روزها موضوع پربحث جامعه کارشناسی، تفسیر و اجرای ماده ۴ نظام نامه تعرفه است که صلاحیت جغرافیایی کارشناسان را برخلاف متن قوانین، تحدید می کند. لطفا بفرمایید که چرا این ماده تا این حد مورد اعتراض واقع شده است؟

تعرفه حق الزحمه کارشناسان رسمی دادگستری، بر پایه تورم و شرایط اقتصادی کشور، هر دو سال یک بار با پیشنهاد شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری و تأیید رییس قوه قضاییه تعیین می شود. در ابلاغیه سال ۱۳۹۸ ماده ۴ به آن اضافه شد. در سال ۱۴۰۲ یک اصلاحیه درباره



پروانه
کارشناس رسمی
دادگستری،
پروانه اشتغال به
کار نیست، بلکه
یک اعتبار است
که قانون‌گذار
آن را محدود
نکرده است به
اینکه اگر کسی
پروانه کارشناسی
می‌گیرد، باید از
شغل‌های دیگر
خود استعفا دهد

لذا ما بر این باوریم که ماده ۴ اصلاً ناظر به محدودیت جغرافیایی با مخاطب قرار دادن کارشناسان و کانون‌های کارشناسی رسمی دادگستری نیست. در واقع از متن و فحوای آن، چنین موضوعی بر نمی‌آید. اما این موضوع که در ابلاغیه مذکور، چنین محدودیتی برای متقاضی کارشناسی قائل شده، چالش‌های حقوقی خود را به لحاظ حقوق اساسی متقاضیان دارد که باز این مسئله برمی‌گردد به قوانین هم‌تراز یا بالادستی یا قوانین مستقلی که حافظ حقوق اساسی شهروندان (اشخاص حقیقی و حقوقی) هستند که نیاز به انجام کارشناسی دارند و به کارشناس مراجعه می‌کنند. با توجه به محدود کردن مراجعان کارشناسی، ماده ۴ تعریفه برخلاف حقوق شهروندی است. به طوری که هر شهروند حق دارد از وکیل عضو هر یک از کانون‌های سراسر کشور استفاده کند، یا هر شهروند می‌تواند از هر پزشکی در هر شهر ایران، که پروانه پزشکی آن شهر را دارد، استفاده نماید؛ همچنین هر شهروند حق دارد از هر کارشناس برای خدمات کارشناسی دعوت به عمل آورد. ماده ۱۰ قانون مدنی، به طور مشخص به این موضوع می‌پردازد. همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون، کارشناسان ملزم هستند که به درخواست کارشناسی هر شهروند اقدام کنند، مگر این که جهات رد داشته باشند. مسئله اصلی این است که در ابلاغ تعریفه و دستمزد کارشناسان، نمی‌شود به قوانین دیگر تعریف کرد، یا محدودیتی ایجاد کرد. بنابراین به طور کلی، ماده ۴ موضوعیتی برای صرفاً کارشناس یا کانون‌های کارشناسان ندارد؛ بلکه یک امر موثقی برای همه مخاطبان خود است که مهمتر از همه، خود قضات است.

ماده ۷ قانون کانون کارشناسان، به وظایف و اختیارات شورای عالی کارشناسان می‌پردازد و این شورا است که تعرفه و افزایش میزان حق الزحمه را پیشنهاد می‌دهد و رییس قوه قضاییه، تصویب و ابلاغ می‌کند. وظایف شورای عالی در بندهای مختلف مربوط به ماده ۷ مطرح شده که یکی از آنها همین مورد است؛ اما سه تبصره ذیل آن درج شده و تبصره دومی صراحت عنوان می‌کند که هر گونه ابلاغیه، دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای که به کانون‌های استان‌ها ابلاغ می‌شود، در چارچوب همین قانون لازم‌الرعایه است. این نکته بسیار مهمی است که اگر یک ابلاغیه با قانون مغایرت داشته باشد، اصلاً لازم‌الاتباع نیست. یا در تبصره سه به صراحت قید شده که شورای عالی می‌تواند وظایفش را به کانون استان‌ها تفویض کند، تقسیم کند و کار را توسعه بدهد؛ نه این که محدود کند. اصلاً روح حاکم بر قانون، ناظر بر محدودسازی کانون استان‌ها نیست. این با ماده یک قانون نیز همخوانی دارد که در آن مباحثی همچون وجه استقلال، غیردولتی، عدم وابستگی و غیرسیاسی بودن مطرح می‌شود. بنابراین در تبصره‌های ذیل ماده ۷ که ناظر به شرح وظایف قانونی شورای عالی است، در آنجا هم باز روح حاکم بر شورا تأیید می‌شود؛ به این

مفهوم که قرار نیست شورای عالی، با آیین‌نامه‌های خود محدودیت ایجاد کند. بلکه اتفاقاً باید توسعه بدهد و تفویض کند. به طور مثال در بحث آموزش، شورای عالی یک وظیفه‌ای دارد که در ماده ۷ به آن اشاره شده است. اما باز در ساحت اجرایی نمی‌گوید که خود شورای عالی وارد بحث‌های آموزشی شود. اصلاً وظیفه کانون کارشناسان هر استان است که وارد مباحث اجرایی، آموزشی و کارآموزی شود. حتی در هیچ جای قانون، به شورای عالی اجازه داده نشده که مبلغی را بابت برگزاری آزمون و پذیرش اخذ کند، در حالی که شورای عالی، با موضوعیت آموزش و کارآموزی، مبالغی را دریافت می‌کند. اساساً اخذ هر گونه مبلغی به قانون نیاز دارد. یعنی شما نمی‌توانید به هر نحوی، خارج از قانون و در شرایطی که قانون برای شما تعیین تکلیف نکرده باشد؛ از متقاضیان، اعضا و کسانی که داوطلب اخذ پروانه حرفه‌ای کارشناسی شده‌اند، پول دریافت کنید. این مصوبه، تعریف به قانون است. یعنی اگر قرار باشد قانون تغییر کند، نه شورای عالی امکان ورود دارد و نه خود قوه قضاییه. نظام حقوقی این را بر نمی‌تابد. یعنی ارکان مادر قانون اساسی تعریف شده‌اند؛ به این ترتیب که اگر موضوعیتی که دارای قانون است و در نهاد قانون‌گذاری کشور، که مجلس شورای اسلامی است، برای آن قانون وضع شده، و قانون کانون کارشناسان این حکم را دارد، نمی‌توانیم این قانون را بدون این که به مسیر خودش ورود کنیم، تغییر دهیم. همچنین در خصوص تبصره یک ماده ۱۱ نظام‌نامه تعریفه، در ماده ۷ قانون کانون حدود اختیارات قانونی شورای عالی ذکر شده و لذا شورای عالی مجوز قانونی برای افتتاح حساب بابت اخذ پول حق الزحمه کارشناسی را ندارد و اساساً اجازه قانونی هم ندارد تا از حق الزحمه کارشناسان، رقمی را به نفع شورا برداشت کند. به طوری که در ماده ۱۶ آیین‌نامه اجرایی اشاره شده که شورا هزینه‌های لازم شورا را به نسبت درآمد از کانون‌ها اخذ می‌کند. لذا تبصره یک ماده ۱۱ تعریفه غیرقانونی است و طبق مواد ۱۲ و ۱۴ قانون، اداره کانون برعهده و از اختیارات قانونی هیئت مدیره کانون‌ها است.

■ **یک جنبه این موضوع بود که به آن اشاره کردید. جنبه‌های دیگر چیست؟ اگر بخواهیم از جنبه‌های دیگر نگاه کنیم، چرا این موضوع تا این اندازه پرچالش و پربحث شده است؟**

یکی از جنبه‌های دیگر تبعیض است. همین هم که اگر رییس قوه قضاییه ابلاغ کرده، اولاً مخاطب تفسیر غلط از این موضوع، کارشناسان نیستند و متقاضیان هستند. ما این را تعمیم داده‌ایم به این که مخاطب، کارشناسان و نهاد متبوع آنها یعنی کانون کارشناسان هستند؛ در حالی که اصلاً این تفسیر غلط است.

موضوع دوم که از همه مهمتر است، این است که اصلاً ابلاغیه قوه قضاییه برای ما که قانون مستقل داریم، بسیار بیشتر پیگیری می‌شود؛ در حالی که اتفاقاً



و هیچ معنی هم برای آن وجود ندارد، دفعاتاً نادیده بگیرید. اما یک مسئله وجود دارد و آن، تناقضی است که کارشناس می‌بیند که در ابلاغیه‌های قضایی باید کارها را انجام بدهد، که اتفاقاً در بسیاری از موارد هم معاضدتی پیش می‌آید و حق الزحمه‌ای که در اختیار قاضی است و قاضی می‌تواند حق الزحمه‌های به مراتب کمتر از تعرفه را پرداخت کند؛ چون اختیار و اذن آن در اختیار قاضی است و کارشناس هم تمکین می‌کند. این کارشناس در سراسر کشور کار کارشناسی انجام می‌دهد و در واقع دلش خوش است که این ظرفیت را دارد و خدمات ارائه می‌کند، نگاهش هم شفلی نیست و ظرفیت است؛ حالا از امر غیرقضایی که اتفاقاً تعرفه حق الزحمه می‌تواند برای بنگاه‌های بزرگی که دارایی آنها برایشان مهم است و این دارایی را توسط کارشناسان دارای صلاحیت کشوری ارزش‌گذاری می‌کنند و حق الزحمه را هم طبق تعرفه پرداخت می‌کند، در اینجا در واقع ما او را منع می‌کنیم. یعنی ما به کارشناس می‌گوییم که با حق الزحمه کمتری که قاضی تشخیص می‌دهد و کارشناس هم در نهایت احترام، تمکین می‌کند و با همان کیفیت، خدمات کارشناسی خود را نیز ارائه می‌کند، در جای دیگری که کمی می‌تواند برای ایجاد انگیزه در کارشناس جبران‌کننده باشد، (چون ما با نظام انگیزشی به این موضوع نگاه می‌کنیم، نه با نظام شفلی) و اگر با نظام انگیزشی برای کارشناس به این موضوع توجه کنیم، این محدودیت باعث سوختن ظرفیت در حیطه قضایی هم خواهد شد.

لطفاً بفرمایید که از جنبه سرمایه‌های ملی، ممکن است این ماده چه خسارت‌هایی را به بار بیاورد؟
ما وقتی که ظرفیتی را محدود می‌کنیم، خودبه‌خود این ظرفیت به دلیل محدود شدن، نمی‌تواند خدمات ارائه کند به صاحبان بنگاه‌های خرد و کلانی که در واقع جزو سرمایه‌های ملی این کشور، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی هستند. همه

خود کارشناسان مرکز مشاوران قوه قضاییه، که وابسته به قوه قضاییه هستند، بیشتر مخاطب هستند. اولاً موضوع آنها و فلسفه شکل‌گیری آنها امر قضایی است و قاعدتاً کارشناسی‌های غیرقضایی نباید باشد. دوماً وقتی که موضوع آنها قضایی است، چرا مخاطب قرار نمی‌گیرند و ما این تبعیض را عیناً مشاهده می‌کنیم. مورد سوم، بحث حقوق اساسی آن است که اگر این ابلاغ برای قاضی است و قاضی مستقل است و قضات ما تشخیص داده‌اند که در اینجا به این نحوی که شورای عالی تفسیر می‌کند، تمکین نکرده‌اند (اگر اسم آن را عدم تمکین بگذاریم)، یعنی قضات مادر اقصی نقاط کشور به تشخیص خودشان و با استقلال خودشان به کارشناسان مراجعه می‌کنند و استانداردارا هم در همین لحاظ می‌کنند که به تشخیص قاضی، هیچ محدودیتی برای مراجعه به کارشناس وجود ندارد و از ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های کارشناسان، با همان تنسیقاتی که قانون تعیین کرده است، استفاده می‌شود. به طور مثال اگر صلاحیت کشوری را باید انتخاب کنند، رعایت می‌کنند؛ حتی اگر کار به کارشناس هم ارجاع شود، اگر در تنسیقات یا ضوابط قانونی، کارشناس محدودیت، منع یا جهات ردی دارد، خود کارشناس هم مکلف می‌شود که اعلام معذوریت کند؛ اما مراجعه به کارشناس چنین محدودیت و معذوریتی را ندارد، حتی به بهانه این ابلاغ تعرفه دستمزد سال ۱۴۰۲ و ماده ۴ آن.

چرا کارشناسان کانون استان تهران، نسبت به این موضوع معترض هستند؟

مهمترین دلیل آن، حقوق مکتسبه کارشناسان است. دلیل دیگر هم مربوط به محدود شدن ظرفیت آنها است. کارشناسان و کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، دلسوزانه به نهادهای مسئول از جمله شورای عالی اعتراض می‌کنند که: «شما ظرفیت‌های کارشناسان را - که این ظرفیت هم آبی به دست نیامده و برای این ظرفیت هزینه صرف شده - نادیده می‌گیرید.» یعنی هم نهادهای دانشگاهی ماه‌هزینه صرف کرده‌اند تا چنین ظرفیتی را ایجاد کنند و نیز آزمون رسمی برگزار شده است. در حالی که ما که از حقوق مکتسبه صحبت می‌کنیم، از قبل می‌توانستیم آزمون را به این نحو برگزار کنیم که فرضاً قرار است شما کارشناس استان تهران شوید. خود شورای عالی که نمی‌تواند تنسیقات گذشته خود را و آنچه که شورای عالی در وقت خودش، تنسیقاتی داشته و این حقوق را ایجاد کرده و براساس این حقوق، ظرفیت و صلاحیت‌هایی از جمله صلاحیت‌های کشوری را ایجاد کرده و این صلاحیت کشوری به تناسب ظرفیت‌ها، در پی سالیان گذشته فراهم شده است. بنابراین شما نمی‌توانید این ظرفیت را که مسبوق به سابقه است و با صرف هزینه‌ها و فایده‌های بسیار در طی سالیان گذشته فراهم شده و در حال حاضر نیز توسط سیستم قضایی کشور بهره‌برداری می‌شود

د
ماده ۴ اصلاً ناظر به محدودیت جغرافیایی با مخاطب قرار دادن کارشناسان و کانون‌های کارشناسی رسمی دادگستری نیست. در واقع از متن و فحوای آن، چنین موضوعی بر نمی‌آید



وقتی ظرفیت
کانون‌های
کارشناسان را
به یک حیطه
جغرافیایی
محدود می‌کنند،
عملاً متقاضی
را که می‌خواهد
آزادانه به بهترین
ظرفیت در کشور
مراجعه کند،
محدود کرده‌اند

مراجعات به امر کارشناسی هم الزاماً قضایی نیست و دعوا و اصحاب دعوا ندارند. بلکه ارزش‌گذاری‌ها هستند که در سازمان بورس و در ترازهای مالی سالانه است. در واقع «کارشناسی» یک نیاز در بُعد کلان دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی کشور است. حتی بُعد فنی دارد، بُعد سازمان برنامه و بودجه‌ای، بُعد وزارت اقتصاد و دارایی دارد و می‌بینیم که در بخش عمده‌ای از مراجعات در سامانه سادانوین، اساساً متقاضی، وزارت اقتصاد و دارایی کشور است.

پس وقتی که دستگاه‌های بزرگ و کلان دولتی، برای ارزش‌گذاری دارایی‌های خود می‌خواهند به ظرفیت کارشناسی مراجعه کنند؛ وقتی این ظرفیتی را که در کانون کارشناسان رسمی استان تهران و سایر کانون‌های کارشناسان در استان‌های سراسر کشور وجود دارد، به یک حیطه جغرافیایی محدود می‌کنند، عملاً متقاضی و صاحبان چنین دارایی‌ها یا مدیرانی که مسئول صیانت از این دارایی‌ها و سرمایه‌های ملی هستند و می‌خواهند آزادانه به بهترین ظرفیت در کشور مراجعه کنند، محدود کرده‌اند؛ این محدودسازی باعث خسارت کلان به ارزش دارایی‌ها، به دلیل ارزش‌گذاری‌هایی می‌شود که می‌تواند با خطا مواجه شود. چون به آنها اجازه نداده‌اند به بهترین و برترین ظرفیت‌ها مراجعه کنند. نکته مهمتر این است که ما یک فاصله‌ای بین «ارزش‌داری» و «ارزش‌حق‌الزحمه» ایجاد می‌کنیم. یعنی در این ابلاغیه اصلاحیه تعرفه کارشناسان، بی‌جهت موضوع را به سمت محدود کردن نگاه‌مان به حق‌الزحمه برده‌ایم.

حق‌الزحمه کارشناسی، به ازای مسئولیتی که کارشناس دارد و یک ارزش‌گذاری را به یک نهاد، که او هم مسئول است و می‌خواهد این بهره‌برداری را از نظریات هیئت‌های کارشناسی داشته باشد تا دارایی خود را در بورس سرمایه‌گذاری کند یا حق عادلانه سهامداران خود را پرداخت کند، این موارد در واقع یک ارزش با ارقام بزرگ است. یعنی نسبت بین کارشناسی‌هایی که ابعاد ملی دارد و مربوط به پروژه‌های بزرگ است و دارایی‌ها و سرمایه‌های ملی که چند هزار همت ارزش دارند، یعنی در یک بازه زمانی، یک ظرفیت کارشناسی با صلاحیت‌های تخصصی منطبق، کارشناسی‌هایی را انجام می‌دهند، ارزش‌گذاری‌ها چندین هزار همت و یا چند صد هزار همت است و شما می‌خواهید به همین نسبت، حق‌الزحمه‌ای را به کارشناسانی که این پروژه‌ها را ارزش‌گذاری کرده‌اند، پرداخت کنید که نسبت آن شاید به ۵٪ درصد هم نرسد و یک نسبت محدودی است. به طور مثال ارزش کل کارشناسی‌هایی که در سال ۱۴۰۳ توسط کانون کارشناسان استان تهران انجام شده و صرفاً توسط کانون ارجاع شده، در مجموع حدوداً معادل سه هزار همت بوده است. یعنی فقط ارزش کارشناسی‌های مربوط به دارایی‌های مراجعه‌کنندگان به امر کارشناسی در کانون تهران طی سال ۱۴۰۳ کارشناسی‌هایی که

بطور مستقیم یا غیرمستقیم ارزش‌گذاری شده‌اند، قابل تخمین است که حدود ۳۰۰۰ (سه هزار) همت کارشناسی و ارزیابی شده است که حق‌الزحمه متناظر تعرفه‌ای آن حدود ۳۸۰ میلیارد تومان برآورد شده است. یعنی روزانه ۱۰ همت ارزش کارشناسی‌هاست که به ازای هر روز معادل این ارقام کارشناسی‌ها، حدوداً یک میلیارد تا یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان حق‌الزحمه کارشناسی تعرفه شده است. تقریباً روزانه به تعداد ۳۰ الی ۳۵ فقره کار ارجاعی کارشناسی کانون تهران می‌باشد. این حجم کارشناسی سالانه‌ای است که ارزیابی مستقیم ریالی یا غیر مستقیم فنی دارد و در واقع کارشناسی‌هایی که انجام می‌شوند؛ ارزش‌گذاری رقمی یا فنی آنها؛ بین حدود یک دهم درصد تا ۰.۵ درصد، ارزش معادل تعرفه‌ای دستمزد کارشناسی در ازای ارزش‌گذاری موضوع کارشناسی‌ها است.

■ **درواقع ارزش‌گذاری پروژه‌های ملی به قدری حساس است که نمی‌شود آن را به یک منطقه یا استان خاصی محدود کرد. به طور مثال اینطور نیست که اگر یک سرمایه ملی در استان خوزستان یا استان مرکزی واقع شده است، پس حق کارشناسی آن همان استان‌ها است که کارشناسی آن را انجام دهند.**

دقیقاً همینطور است. در اینجا بحث اصالت مطرح است. اصالت یک کار؛ اصالت آن کسی که صاحب این کار است؛ و اصالت آن کسی که این کار را ارزش‌گذاری می‌کند. این اصالت به کارشناسی، تخصص، دانش و تجربه مربوط است و رایگان و تصادفی هم به دست نیامده است. این دانش و این کارشناس هم ارزش ملی دارد. یعنی این دانش و این کارشناس از دانشگاه‌های برتر کشور حاصل شده و ما در فرآیند یک مسابقه به این کارشناسان پروانه داده‌ایم و قبول شده‌اند. یعنی هر کسی نتوانسته وارد کانون کارشناسان شود.

همین کارشناسان ظرفیتی هستند که از دانشگاه‌های برتر در هر نقطه از کشور فارغ‌التحصیل شده‌اند. شما نمی‌توانید بگویید که چرا دانشگاه تهران یا صنعتی شریف، دانشگاه برتر است و سپس عنوان کنید که دانش‌آموختگان دانشگاه‌های سراسر کشور با تخصص‌های مختلف شرایط مساوی دارند و کسانی که می‌خواهند این افراد را استخدام کنند، باید با یک شرایط برابر آنها را استخدام کنند و در واقع، استخدام‌کنندگان را محدود کنید به این که حق ندارند، شایسته‌سالاری را مدنظر قرار دهند. چرا که این روند، نظام شایسته‌سالاری را از بین می‌برد. ضمن این که آزادی و حقوق اساسی کسانی که می‌خواهند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند، از بین می‌رود.

یک بحث مربوط به حقوق مکتسبه و کسانی است که صاحبان این حقوق مکتسبه، به عنوان پروانه کارشناسی دارند که اشتغال به کار هم نیست. اسم پروانه کارشناس رسمی دادگستری، پروانه اشتغال



شورای عالی
مجوز قانونی
برای افتتاح
حساب بابت
اخذ پول
حق الزحمه
کارشناسی را
ندارد و اساساً
اجازه قانونی
هم ندارد تا از
حق الزحمه
کارشناسان،
رقمی را به نفع
شورا برداشت
کند

بردارد. چون واقعیت آن است که کانون کارشناسان استان تهران از قبل شکل گرفته، بوده و در سراسر کشور خدمات ارائه می‌داده است. رفته رفته به دست کانون کارشناسان استان تهران، کانون‌های استان‌های بزرگ ایجاد شدند و دست به دست هم دادند و کمک کردند تا با استفاده از ظرفیت خودشان، کانون‌های کارشناسی در استان‌های کوچکتر هم شکل بگیرند. به این ترتیب، این شعبات کانونی به تدریج تأسیس شدند. اکنون هم برای توسعه محتوایی و تقویت دانش کارشناسی و توانمندی‌های کارشناسی به لحاظ صلاحیتی، امتیازات برتری که در کارشناسی‌ها وجود دارد، اتفاقاً باید برای این فرآیند انتقال، برنامه داشت و شورای عالی باید برای این موضوع برنامه داشته باشد. این برنامه با محدودسازی نه‌تنها فراهم نمی‌شود، بلکه باعث سوختن ظرفیت‌های موجود هم می‌شود. از طرف دیگر، باید اجازه دهید ظرفیت‌های دیگر شکل بگیرند. اما ظرفیت‌های دیگر چگونه می‌توانند شکل بگیرند؟ در کانون‌های کارشناسی سراسر کشور، وقتی در جریان اعطای پروانه، ما برای انتخاب برترین‌ها مسابقه آزمون برگزار کردیم، مگر الزاماً همه برترین‌ها در یک نقطه از کشور قرار گرفتند؟ در عین حال وقتی که این کارشناسان تحصیلات عالی‌ه کسب کردند و مدارک خود را اخذ کردند، به طور آزادانه شغل‌شان را انتخاب کردند و به طور آزادانه در صنایع مختلف در سراسر کشور مشغول به کار شدند. ممکن است یک کارشناس در شغل، حرفه و تخصص فنی خودش، در یک دفتر مرکزی در تهران حضور داشته باشد، اما در سراسر کشور بابت همان شغل و حرفه خود، خدمات ارائه کرده باشد. حالا در این بین در آزمون هم شرکت کرده و پس از قبولی به او پروانه کارشناسی اعطا شده است. این در یک پروسه و فرآیند به دست آمده و این کارشناس چه در استان ایلام، چه در استان هرمزگان، چه در استان بوشهر و چه در استان‌های اصفهان، فارس و هر جای دیگری بوده، بالاخره این ظرفیت را در طی سالیان متمادی به دست آورده است. شما نمی‌توانید بگویید این ظرفیتی را که حاصل شده، پاک کنید.

■ کانون کارشناسان استان تهران برای رفع این مشکل چه اقداماتی انجام داده است؟

کانون کارشناسان استان تهران برای رفع این مشکل پیشگام شد. رییس هیئت مدیره کانون تهران در جلسه‌ای از جلسات شورای عالی، با هماهنگی رییس شورای عالی شرکت کرد و در آن جلسه، هم به صورت مکتوب و رسمی طی نامه‌ای ارسال شد و هم به صورت رسمی پرزنت شد که کانون استان تهران، پیش‌قراول و پیشگام این پیشنهاد است که برای انجام کارهای ترکیبی در مراجعات کارشناسی به کانون استان تهران و هر استان دیگری، ضمن احترام گذاشتن به آزادی

به کار نیست و شغل محسوب نمی‌شود، بلکه یک «اعتبار» است که قانون‌گذار آن را محدود نکرده است به اینکه اگر کسی پروانه کارشناسی می‌گیرد، باید از شغل دولتی یا شغل‌های دیگر خود استعفا دهد. قانون‌گذار برای سایر پروانه‌ها این محدودیت را قائل شده است که به طور مثال اگر کسی بخواهد پروانه وکالت بگیرد، حق ندارد در یک نهاد دولتی شاغل باشد؛ اما برای کارشناس این محدودیت وجود ندارد؛ چون کارشناس به لحاظ علمی، دارای اعتبار و مسئولیت است و من به این می‌گویم «اصالت».

■ به عنوان معاون خدمات کارشناسی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، چه راهکار عملی برای حل این معضل پیشنهاد می‌کنید؟ آیا می‌توان یک مدل بینابینی را طراحی کرد که در آن هم استقلال و تخصص محوری حفظ شود و هم به دغدغه‌های معیشتی کارشناسان مناطق مختلف توجه شود؟

به نظر می‌رسد که چنین امری شدنی است. اتفاقاً این محدودیت باعث می‌شود که ظرفیت‌ها را بسوزانیم. چون اگر ما بخواهیم این ظرفیت را در نقاط دیگر جغرافیایی کشور ایجاد کنیم، اتفاقاً باید آن نقاط را وصل و ترکیب کنیم؛ نه اینکه این اصالت‌ها و ظرفیت‌های موجود را محدود کنیم. چون در این بین کسی هم که این ظرفیت را ندارد، نمی‌تواند و در طی سالیان آتی باید به دست بیاورد؛ البته اگر قابلیت و بستر آن فراهم باشد. بنابراین تنسیقات یا تنظیم‌گری‌های شورای عالی کارشناسان باید همین موضوع باشد که بتواند ظرفیت‌ها را توسعه دهد. تبصره ۳ ماده ۷ به همین موضوع می‌پردازد. این موضوعی است که شورای عالی باید برای آن برنامه داشته باشد و این برنامه می‌تواند آموزش باشد. یعنی از کارشناسان استان‌هایی که دارای ظرفیت برتر هستند، از این ظرفیت در یک مکانیزم آموزشی و کارآموزی یا در انجام ترکیب‌های کارشناسی، که اکنون خود دستگاه قضایی هم از این ترکیب‌های کارشناسی استفاده می‌کند، کارشناس بومی یا غیربومی انتخاب می‌کند. به عبارتی، در بسیاری از موارد، قاضی از کانون کارشناسان استان می‌خواهد که کارشناس را به او معرفی کند. اما مسئله مهم این است که چرا قاضی که خودش می‌تواند کارشناس را انتخاب کند، در برخی از موارد، تشخیص می‌دهد که از کانون استان خودش به کانون استان دیگری نامه بنویسد و از مسئولان آن درخواست کند که با توجه به مسئولیت و شناختی که از کارشناسان دارند، به او کارشناس معرفی و اعلام کنند که کارشناس منتخب باید از چه صلاحیت‌هایی برخوردار باشد و همچنین کارشناس را به او معرفی کنند. بنابراین شورای عالی کارشناسان، اتفاقاً باید در مسیر ظرفیت‌سازی و انتقال این ظرفیت‌ها به نقاط دیگر کشور و کانون‌های کارشناسان سایر استان‌ها گام

پیشنهاد فقط ناظر به کانون استان تهران نیست و ناظر به همه کانون‌های استان‌هایی است که دارای ظرفیت‌های خوب و برتر هستند و قبل از کانون‌های دیگر شکل گرفته‌اند. به طور مثال، کانون کارشناسان استان اصفهان زودتر از استان‌های دیگر شکل گرفته است. ما پیشنهاد دادیم که از ظرفیت موجود در هر استانی استفاده کنند و طبق این مکانیزم، از ظرفیت ترکیبی کارشناسان در سراسر کشور با توجه به موقعیت موضوع کارشناسی، بهره‌برداری شود.

عمل متقاضیان، ولی از تمام ظرفیت‌های کارشناسی در سراسر کشور، با این مکانیزم و ایده و پیشنهاد کانون کارشناسان استان تهران بهره‌برداری شود. اما متأسفانه با کمال تعجب مشاهده کردیم که طبق اعلام رییس شورای عالی و نامه رسمی که در دبیرخانه کانون استان تهران واصل شد و رسماً به ثبت رسید؛ در یک جمله ساده اعلام شد که این پیشنهاد در شورای عالی به تصویب نرسید؛ علیرغم اینکه این پیشنهاد مشفقانه و مصلحانه‌ای بود برای این که ظرفیت‌ها نسوزد. این

شیوه‌نامه پیشنهادی همکاری کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری

- در کارهای کارشناسی فرا استانی (موضوع کارشناسی واقع در چند استان) در مواردی که دارایی‌های متقاضی واحد کار کارشناسی، در چند استان پراکنده است، نظر به اینکه از یک سو متقاضیان کارشناسی تمایل به تقسیم یا تقطیع کار و انجام کار توسط چند کانون استانی را ندارند، از سوی دیگر از نظر اجرایی، در صورت تقطیع کار بین چند استان، یکپارچگی، وحدت مدیریت کار با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شود، از این رو شیوه‌نامه ذیل برای همکاری کانون‌ها در انجام کارهای متعارف فرا استانی پیشنهاد می‌گردد.
- ۱) کانون استانی که متقاضی کار کارشناسی در ابتدای فرایند به آن کانون مراجعه و تقاضای کارشناسی می‌نماید، کانون استان مرجع محسوب می‌شود.
 - ۲) استان‌هایی که بخشی از موضوع کارشناسی در محدوده جغرافیایی آن استان واقع شده‌اند، استان‌های معین تلقی می‌گردند.
 - ۳) مدیریت کلی انجام کار، تعهدات و مسئولیت در قبال متقاضی کار کارشناسی به عهده کانون مرجع است و کانون‌های معین، همکار کانون مرجع می‌باشند.
 - ۴) فهرست موضوعات کارشناسی یا موارد ارزیابی به تفکیک هر استان توسط کانون مرجع تهیه می‌گردد. کانون مرجع، کارهای واقع شده در استان‌های دیگر را به کانون‌های معین اعلام و از رئیس کانون استان تقاضای معرفی کارشناسان واجد صلاحیت برای انجام کار کارشناسی ارزیابی مورد کارشناسی در خواست می‌شود.
 - ۵) پس از تعیین کارشناس اعضای هیئت کارشناسی، ابلاغ امر کارشناسی توسط کانون مرجع انجام می‌شود.
 - ۶) کارشناس یا هیئت کارشناسی تحت مدیریت کانون مرجع نسبت به انجام کار کارشناسی اقدام و گزارش کارشناسی برای طی فرایند ارزیابی به کانون مرجع ارسال می‌گردد.
 - ۷) پس از ممیزی و تایید نهایی گزارش توسط کانون مرجع، حق الزحمه کارشناس یا هیئت کارشناسی، توسط کانون مرجع با ملحوظ نمودن تعرفه حق الزحمه مصوبه پرداخت می‌گردد.
 - ۸) در کار انجام شده توسط کانون معین از ۵٪ حق الزحمه، ۲٪ سهم کانون مرجع و ۳٪ سهم کانون معین می‌باشد.
 - ۹) در کارهای ملی تعیین هیئت کارشناسی به صورت ترکیبی از کانون مرجع و کانون‌های معین انجام می‌گردد.





سخنی در باب ماده ۴ تعرفه

پیش از شروع بحث، ذکر موارد مهمی از باب شیوه اداره یک مملکت در زمینه‌های مختلف قابل طرح است. به گفته یکی از بزرگان علم سیاست، «کشور ایران کشور ابربحران‌ها است و هیچ مشکلی در این کشور قبل از رسیدن به بحران حل نشده است.»



رضاجفائی

عضو هیئت مدیره
کانون کارشناسان
رسمی دادگستری
استان تهران

عمومی به حکومت؛

■ تخریب اقتصاد: سیاست‌های اقتصادی ناپایدار و غیرکارشناسی؛

■ حران مشروعیت: از دست دادن مقبولیت حکومت در نزد مردم.

تاریخ امپراتورهایی مانند روم، ایران باستان و سایر تمدن‌ها، موارد متعددی از این پدیده را ثبت کرده است که در آنها انتصاب افراد نالایق، به مرور زمان به ضعف و فروپاشی منجر شده است.

راه‌حل: سیستم‌های حکمرانی خوب معمولاً با مکانیسم‌هایی مانند: «شایسته‌سالاری»، «نظام نظارتی قوی»، «شفافیت» و «پاسخگویی»، سعی در جلوگیری از این پدیده دارند.

اصل مفهوم و ریشه‌های تاریخی آن

این ایده عمدتاً به این صورت بیان می‌شود: «اگر می‌خواهی یک تمدن، کشور یا امپراتوری را نابود کنی، افراد کوچک (نالایق، حریص، کوتاه‌بین و فاقد

بزرگترین مشکل مملکت که برای اکثریت مردم قابل لمس است و همچنین یکی از عوامل مهم فروپاشی تمدن‌ها و نظام‌های سیاسی در طول تاریخ، قرار گرفتن آدم‌های کوچک در مناصب بزرگ تصمیم‌گیر بوده است.

منظور از آدم‌های کوچک در این تئوری، افراد فاقد شایستگی، تجربه، بینش استراتژیک و یا ظرفیت اخلاقی لازم برای تصدی پست‌های مهم است؛ افرادی که منافع شخصی یا گروهی را بر مصالح ملی ترجیح می‌دهند؛ کسانی که توانایی تحلیل پیامدهای بلندمدت تصمیمات را ندارند.

مکانیسم تأثیر این تصمیمات

- تصمیمات نادرست: تصمیمات مبتنی بر جهل، تعصب یا منافع شخصی؛
- تضعیف نهادها: جایگزینی سیستم‌ها و قوانین با تصمیمات سلیقه‌ای؛
- فرسایش سرمایه اجتماعی: کاهش اعتماد

فضیلت) را در رأس امور و بر مسند قدرت قرار بده. «این افراد «کوچک» لزوماً از نظر فیزیکی یا طبقاتی کوچک نیستند؛ بلکه از نظر «ظرفیت فکری و خرد»، «شهامت اخلاقی»، «بینش استراتژیک»، «نفس پرستی به جای منفعت طلبی عمومی»، «وجدان کاری» و «تعهد ملی» کوچک هستند.

کنفوسیوس (حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد)

کنفوسیوس به طور مکرر بر مفهوم «حکمرانی فضیلت مند» (Virtuous Governance) تأکید داشت. یکی از ایده‌های محوری او این بود که حاکم باید «اهل فضیلت و دانش» باشد تا کشور رونق یابد. در مقابل، اگر حاکمان فاقد فضیلت باشند، کشور رو به زوال می‌رود. این دقیقاً همان روح مفهوم «آدم کوچک بر مسند قدرت» است.

افلاطون (در کتاب «جمهور» - حدود ۳۸۰ سال قبل از میلاد)

افلاطون در مدینه فاضله خود، حاکمان را «فیلسوف-شاهان» می‌دانست؛ کسانی که از خرد و عدالت برخوردارند. او هشدار می‌داد که وقتی کسانی که شایستگی حکمرانی ندارند (مثل جاه طلبان، ثروتمندان فاقد فضیلت یا عوام فریبان) به قدرت برسند، نظام سیاسی به سمت «حکومت تیماران» (Tyranny) و در نهایت فروپاشی حرکت می‌کند.

پلیبیوس (مورخ یونانی، حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد)

او نظریه «آناسیکلوسیس» (Anacyclosis) یا چرخه حکومت‌ها را مطرح کرد. طبق این نظریه، حکومت‌ها از پادشاهی به اشرافی، سپس به دموکراسی و در نهایت به «اوکراسی» (حکومت عوام فریبان و نالایقان) تبدیل می‌شوند که مرحله نهایی قبل از فروپاشی کامل است.

فرهنگ ایرانی

این مفهوم به وضوح در اندیشه‌های سیاسی ایرانیان باستان وجود داشت. به عنوان مثال، در «قابوس‌نامه» (اثر عنصرالمعالی کیکاووس، سده پنجم هجری) و «سیاست‌نامه» (خواجسته نظام‌الملک طوسی، سده پنجم هجری) بر لزوم «شایسته‌سالاری» و انتخاب «اهلان» برای مناصب به شدت تأکید شده و هشدار داده شده که اگر «ناشایستی» بر مسند بنشیند، مملکت را به تباهی می‌کشد.

حتی در شاهنامه فردوسی نیز شکست‌ها و بحران‌ها اغلب نتیجه مشاوره با افراد نابخرد و به قدرت رسیدن پهلوانان پرهیاهو اما بی‌خرد است.

در قرآن کریم و احادیث معتبر نیز تأکیدات فراوان و صریحی بر لزوم «شایسته‌سالاری» و «مدیریت توانمند» وجود دارد. در ادامه به مهم‌ترین موارد اشاره می‌کنم:

الف) آیات قرآن کریم

قرآن به صراحت اصل شایسته‌سالاری و واگذاری کار به اهل آن را بیان می‌کند.

آیه امانت و شایسته‌سالاری (سوره نساء، آیه ۵۸):

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» «بی‌گمان، خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان‌شان بسپارید؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. درحقیقت، خداوند چه نیک پندی به شما می‌دهد! یقیناً خداوند شنوای بینا است.»

■ نکته کلیدی: «واگذاری امانت‌ها به اهل‌شان» یکی از صریح‌ترین آیات در مورد شایسته‌سالاری است. «منصب» و «مسئولیت» یک «امانت» الهی است و باید به «اهل آن» (یعنی فرد شایسته، متخصص و عادل) سپرده شود.

آیه قابلیت و توانایی (سوره قصص، آیه ۲۶):

«قَالَ إِجْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»

«یکی از آن دو [دختر] گفت: پدرجان، او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که می‌توانی استخدام کنی، کسی است که نیرومند [و] درستکار باشد.»

■ نکته کلیدی: این آیه که در داستان حضرت موسی (ع) آمده، معیار یک مدیر و کارگزار خوب را دو ویژگی می‌داند: «قوی» (یعنی توانا، متخصص و کارآمد) و «امین» (یعنی درستکار و قابل اعتماد). این آیه به یک اصل جهانی در مدیریت اشاره دارد.

آیه عدالت در انتصاب (سوره ص، آیه ۲۶):

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...»

«ای داوود، ما تو را [به مقام] جانشینی در زمین برگماشتیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف سازد...»

■ نکته کلیدی: این آیه خطاب به حاکم (حضرت داوود) تأکید می‌کند که حکومت، یک «جانشینی» (خلافت) از سوی خدا است و باید بر اساس «حق» و دوری از «هوای نفس» باشد. این موضوع لزوم مدیریت عادلانه و به دور از تمایلات شخصی را نشان می‌دهد.

ب) احادیث معتبر

در روایات اهل بیت (ع) نیز بر این موضوع تأکید فراوان شده است.

۱. حدیث مشهور از پیامبر اکرم (ص):

«مَنْ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا مِنْ عَضَابَةِ وَفِي تَلْكَ الْعَضَابَةِ مَنْ هُوَ أَرْضَىٰ لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ...» «کسی که فردی از یک گروه را به کاری بگمارد، در حالی که در آن گروه کسی هست که مورد رضایت‌تر [و شایسته‌تر] از او برای خدا است، قطعاً به خدا و پیامبرش و همه مؤمنان خیانت کرده است.» (منبع: وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۸۴)

■ نکته کلیدی: این حدیث بسیار قوی، «انتصاب فرد غیرشایسته» را هم‌رده «خیانت به خدا و مردم» می‌داند.

۲. حدیث از امام علی (ع) در نهج البلاغه (نامه ۵۳):

امام علی (ع) در فرمان به مالک اشتر درباره والیان و کارگزاران می‌فرماید: «تَمَّ التَّمَسُّ لِذَلِكَ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَ الْعِتَاءِ مِنْ أَضْوَالِ الْكَرَائِمِ...»

«سپس برای این منصب‌ها، اهل تجربه و حیا را از خاندان‌های شریف [و اصیل] بجوی.»

■ نکته کلیدی: امام (ع) دو معیار «تجربه» (تخصص و کاردانی) و «حیا» (شرم و تقوای اخلاقی) را به عنوان معیارهای انتخاب کارگزاران ذکر می‌کنند.

حدیث از امام علی (ع):

«الْأَرْضُ تَقْدُسُ لِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ النَّاسَ بِأَعْمَالِ الشُّفَهَاءِ»
«زمین برای اهلش پاک و مقدس است [و در صلاح می‌ماند]، ولی خداوند مردم را به خاطر کارهای نابخردان [و سفیهانی که بر مسند قدرت نشسته‌اند] عذاب می‌دهد.» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۳۲)

■ نکته کلیدی: این حدیث به طور مستقیم به عواقب حکمرانی «سفیهان» (نابخردان و نالایقان) اشاره می‌کند که مصداق بارز «آدم کوچک بر مسند قدرت» است.

جمع‌بندی نهایی:

دین اسلام با صراحت کامل، «شایسته‌سالاری» را یک فریضه و انتصاب غیرشایسته را خیانت می‌داند. معیارهای اصلی از نگاه قرآن و حدیث برای یک مدیر شایسته عبارتند از:

- تخصص و توانایی (قوی)
- امانت‌داری و درستکاری (امین)
- عدالت و پرهیز از هوای نفس
- تجربه و خردمندی
- تقوای الهی (حیا)

این مبانی دینی به وضوح نشان می‌دهد که نظریه «قرار دادن آدم کوچک بر مسند قدرت» نه تنها یک قاعده تجربی تاریخی، بلکه یک هشدار دینی و نقض آشکار دستورات الهی است. در دوران معاصر، این مفهوم در قالب نظریه‌های «شایسته‌سالاری» (Meritocracy) و «مدیریت توانمند» (Competent Leadership) در علوم سیاسی و مدیریت بازتاب یافته است. بنابراین می‌توان گفت، این یک «حکمت کهن» است که تاریخ بارها درستی آن را اثبات کرده است. با استناد به مبانی قانونی، شرعی و اقتصادی، می‌توان موارد زیر را در نقد «محدودیت جغرافیایی» و تبعات آن جمع‌بندی کرد:

مبنای قانونی: حق انتخاب و آیین دادرسی مدنی

اصل حاکمیت اراده: در نظام حقوقی ایران، اصل حاکمیت اراده اشخاص (ماده ۱۰ قانون مدنی) به افراد اجازه می‌دهد تا در چارچوب قانون، طرف قرارداد خود را آزادانه انتخاب کنند. محدودیت جغرافیایی اجباری، این حق قانونی را از «مقتضای» سلب می‌کند.

آیین دادرسی مدنی: قوانین دادگستری بر امکان انتخاب وکیل از هر نقطه از کشور تأکید دارند. (مواد ۳۵ و ۳۶ قانون وکالت)

استناد به «تعرفه» برای محدود کردن این حق، با روح حاکم بر قوانین دادگستری در تعارض است.

مبنای اقتصادی: تعارض با اصل رقابت و کارایی

نظریه آدم اسمیت: محدودیت جغرافیایی مصداق «انحصار» و مانع رقابت است. در اقتصاد آزاد، رقابت باعث ارتقای کیفیت و کاهش هزینه‌ها می‌شود. محروم کردن متقاضیان از دسترسی به متخصصان برتر سایر مناطق، منجر به «کاهش کارایی ملی» و تضعیف اقتصاد می‌شود.

ضرر به توسعه کشور: این محدودیت، «نیروی متخصص» را از عرصه رقابت حذف می‌کند و مانع انتقال دانش و تجربه بین مناطق مختلف می‌شود. در بلندمدت، این امر به «تضعیف توان علمی و فنی کشور» می‌انجامد.

مبنای شرعی و قرآنی: حفظ حق الناس و مالکیت

حرمت مال مردم: قرآن در آیات متعدد (مانند نساء: آیه ۲۹) بر حرمت اموال مردم تأکید کرده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...» اگر محدودیت جغرافیایی منجر به تحمیل هزینه بیشتری خدمات پایین‌تر به مردم شود، مصداق «اکل مال به باطل» است.

اختیار انسان: قرآن کریم در آیات مختلف (مانند کهف: آیه ۲۹) حق انتخاب را به انسان داده است: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ». سلب حق انتخاب متقاضی در مراجعه به متخصص مورد اعتمادش، با این اصل قرآنی در تضاد است.

مسئولیت متخصصان: در روایات نیز بر «رد امانت» به صاحبانش تأکید شده است. (مستدرک الوسائل، جلد ۱۱۳) اگر متخصصی در منطقه‌ای دیگر صلاحیت بیشتری دارد، محروم کردن مردم از او، خلاف امانت‌داری است.

مبنای عرفی و وجدانی: مثال پزشکی

قیاس عقلی: هیچ فرد عاقلی برای عمل قلب عزیزانش به «نوبت» یا «منطقه جغرافیایی» رضایت نمی‌دهد. این مثال نشان می‌دهد که محدودیت جغرافیایی در هر حرفه‌ای (از جمله مشاغل حقوقی و فنی) خلاف «وجدان عمومی» و عقلانیت سلیم است.

عرف خردمند: عرف جامعه به سمت انتخاب بهترین خدمات‌رگر حرکت می‌کند و محدودیت‌های دست و پاگیر را نمی‌پذیرد.

جمع‌بندی این بخش:

محدودیت جغرافیایی نه تنها با قانون، عقلانیت اقتصادی و موازین شرعی در تعارض است، بلکه با سلب حق مردم و تحمیل هزینه‌های اضافی، به منزله «ضرر زدن به نظام اقتصادی و اجتماعی کشور» محسوب می‌شود. این رویکرد در بلندمدت موجب فرار مغزها، کاهش انگیزه متخصصان و محرومیت عمومی از خدمات کیفی می‌شود. بنابراین، هرگونه مقررات‌گذاری باید بر اساس «حق انتخاب آزاد متقاضی» و «رفع انحصار» استوار باشد.

تفکر پشت اعمال ماده ۴ تعرفه (محدودیت جغرافیایی) دانسته

نتیجه‌گیری: پایتخت به مثابه «اتاق فرمان کشور»

اگر کشور را یک کشتی در اقیانوس متلاطم جهان امروز بدانیم، پایتخت اتاق فرمان این کشتی است. تضعیف اتاق فرمان به بهانه‌های منطقه‌ای یا سیاسی، نه تنها به نفع هیچ منطقه‌ای نیست، بلکه کل کشتی و همه سرنشینان آن را به خطر می‌اندازد.

جمع‌بندی این بخش:

این دیدگاه فراتر از یک مناقشه سطحی جغرافیایی است و به خطر تخریب سرمایه انسانی و کارشناسی ملی اشاره دارد. راه حل، نه محدودسازی جغرافیایی، بلکه تقویت شایسته‌سالاری در سطح ملی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود در سراسر کشور، با پذیرش این واقعیت است که پایتخت به دلیل نقش تاریخی و ساختاری خود، کانون طبیعی بسیاری از این ظرفیت‌ها است. تصمیماتی که خلاف این جهت حرکت کنند، در بلندمدت هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به توسعه و امنیت ملی تحمیل خواهند کرد.

نکات مطرح شده، یکی از پارادوکس‌های خطرناک در مدیریت کلان است که متأسفانه تحت تأثیر احساسات و برداشت‌های غیرتخصصی شکل گرفته است.

مرکز ثقل علمی و تخصصی کشور، یک واقعیت غیرقابل انکار

تهران به عنوان پایتخت، به طور طبیعی و تاریخی، کانون اصلی بخش‌های زیر را در خود جای داده است:

- دانشگاه‌های برتر (شاهدان: دانشگاه تهران، شریف، بهشتی، امیرکبیر، علوم پزشکی تهران و...)
- مراکز تحقیقاتی ملی (مثل پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، سازمان انرژی اتمی، پژوهشکده‌های متعدد)
- ستاد اصلی وزارتخانه‌ها و شرکت‌های مادر تخصصی؛
- شرکت‌های مهندسی و مشاوره‌ای رتبه یک.

این مراکز، به صورت یک اکوسیستم دانشی درهم‌تنیده عمل می‌کنند و بهترین استعدادهای کشور (نخبگان علمی) را جذب می‌کنند. حذف این اکوسیستم از چرخه مدیریت کشور، مانند قطع کردن شریان اصلی خون‌رسانی به بدن است.

قبایس پیمانکار و کارشناس: یک تناقض آشکار

پیمانکار رتبه یک (مستقر در تهران): برای اجرای یک پروژه ملی در جنوب کشور انتخاب می‌شود؛ زیرا صلاحیت فنی، تجهیزات و توان مالی دارد. هیچ کس به دلیل «تهرانی بودن» او اعتراض نمی‌کند، زیرا کیفیت کار و امنیت پروژه ملی، بر هر مسئله دیگری اولویت دارد. این در حالی است که کارشناس ارشد (مستقر در تهران): که باید همان پروژه را ارزیابی و نظارت کند، به دلیل «تهرانی بودن» زیر سؤال می‌رود! این یعنی: اولویت دادن «حسادت جغرافیایی» بر «سلامت فنی پروژه ملی».

انتخاب کارشناس درجه دو یا درجه سه به جای کارشناس درجه یک، تنها به دلیل کد ملی و محل سکونت! این دقیقاً مصداق همان «قرار دادن آدم کوچک بر مسند قدرت» یا در اینجا، «قرار دادن کارشناس کوچک بر مسند کارشناسی بزرگ» است.

و یا ندانسته، موجب تضعیف نهاد کارشناسی در کشور و تهی شدن استفاده از خدمات نخبگان در کشور می‌شود.

اکنون بسیاری از کسانی که در تهران سکونت دارند، اهل شهرستان هستند؛ اما متأسفانه برخی افراد ساده لوح، این تقابل را به نازل‌ترین سطح دعوای بین تهران و شهرستان القا می‌کنند! در صورتی که تهران اگر تهران است، به واسطه نقش ژئوپولیتیک آن است.

این موضوع را می‌توان از چند منظر حیاتی مورد بررسی قرار داد:

تمایز بین «پایتخت» و «یک کلان شهر معمولی»

انتخاب یک شهر به عنوان پایتخت، به آن هویت و کارکردی فرامنطقه‌ای و ملی می‌بخشد. بسیاری از نهادهای حاکمیتی، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، مراکز علمی و اقتصادی برتر کشور به صورت طبیعی و تاریخی در پایتخت متمرکز شده‌اند. بنابراین، مدیریت پایتخت تنها مدیریت یک شهر نیست، بلکه مدیریت مرکز ثقل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور است. دعوت از شهردار تهران در جلسات دولت، نه یک امتیاز شخصی، بلکه یک ضرورت کارشناسی برای هماهنگی امور ملی با کانون اصلی تحولات کشور است.

تضعیف نهاد کارشناسی و «مغزافزایی»

هنگامی که معیارهای جغرافیایی یا سیاسی بر معیارهای شایسته‌سالاری و تخصص پیشی بگیرد، شاهد پدیده مخرب زیر خواهیم بود:

- فرار مغزهای داخلی: متخصصانی که در تهران زندگی و کار می‌کنند، ممکن است از چرخه خدمت‌رسانی به کشور حذف شوند.
- کاهش کیفیت تصمیم‌سازی: تصمیمات کلان بدون استفاده از بهترین کارشناسان موجود در پایتخت، دچار کاستی و ضعف می‌شود.
- شکل‌گیری «دولت‌های موازی»: وقتی نهاد مرکزی تضعیف شود، مراکز قدرت پراکنده و اغلب غیرتخصصی شکل می‌گیرند که هماهنگی ملی را ناممکن می‌سازد.

وجود کانون‌های تخصصی در تهران؛ واقعیتی اجتناب‌ناپذیر

حضور بهترین کارشناسان صنایع دریایی، کشاورزی و معدن در تهران، بسیار کلیدی است. این پارادوکس به ظاهر عجیب (مرکز تخصص صنایع دریایی در تهران!) ناشی از چند عامل است:

- تمرکز دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی تراز اول کشور در تهران یا اطراف آن؛
- تمرکز ستادهای اصلی وزارتخانه‌ها و شرکت‌های مادر تخصصی که به طور طبیعی بهترین متخصصان را جذب می‌کنند؛
- شبکه‌سازی و تعامل علمی که در یک کلان‌شهر به صورت طبیعی شکل می‌گیرد؛
- محروم کردن کشور از این خرد جمعی، به معنای قطع کردن سرچشمه دانش برای پروژه‌های ملی است.

پیامدهای فاجعه بار «بومی‌گرایی افراطی» در کارشناسی

■ تضعیف استانداردهای ایمنی: ارزیابی یک پتروشیمی یا یک سد توسط کارشناسی غیرمتخصص می‌تواند به فاجاع انسانی و زیست‌محیطی منجر شود.

■ هدررفت بودجه ملی: تصویب و نظارت نادرست بر پروژه‌ها، موجب هزینه‌های اضافی، تأخیر و ساخت تاسیسات با راندمان پایین می‌شود.

■ فرار نخبگان: وقتی یک مهندس یا کارشناس نخبه بدان‌که تخصصش به دلیل محل زندگی‌اش نادیده گرفته می‌شود، انگیزه خود را برای ماندن و خدمت از دست می‌دهد.

■ تخریب «وحدت ملی»: این نگاه، کشور را به «ده‌ها جزیره جداگانه» تبدیل می‌کند که حق استفاده از منابع فکری یکدیگر را ندارند.

سؤال: «به چه دلیل بهترین کارشناسان کشور که در استان تهران حضور دارند، نباید ارزیابی و کارشناسی این واحد صنعتی را انجام بدهند؟»

پاسخ: هیچ دلیل منطقی، اقتصادی، فنی و امنیتی برای این کار وجود ندارد. تنها دلیل، کج‌فهمی، حسادت و کوته‌نگری سیاسی است که منافع شخصی و قومی را بر مصالح ملی ترجیح می‌دهد.

کشور برای پیشرفت به یک نگرش سیستماتیک و ملی نیاز دارد؛ نگاهی که در آن از هر ظرفیتی در هر نقطه از کشور، برای خدمت به تمامی خاک میهن استفاده شود. اعمال محدودیت‌های جغرافیایی بر کارشناسی، یک خودزنی بزرگ و محروم کردن عمدی کشور از مغزها و توانمندترین نیروهایش است. این مسیر، به شدت خطرناک و برای آینده کشور ویرانگر است.

جمع‌بندی این بخش:

■ لزوم اولویت‌دادن به شایسته‌سالاری و نگاه سیستماتیک به جای نگاه قوم‌گرایانه یا منطقه‌ای؛

■ چنین رویکردهایی (مانند محدود کردن کارشناسی بر اساس جغرافیا) می‌تواند به «تضعیف سرمایه انسانی» و «اختلال در مدیریت یکپارچه ملی» منجر شود.

■ تأکید بر این که راه حل، «تقویت نهادهای کارشناسی مستقل» و «حاکمیت معیارهای تخصصی فراقومیتی» در سطح کلان است.

■ راه برون‌رفت، بازگشت به اصول حکمرانی خوب و مدیریت علمی است.

هشدار به نهادهای نظارتی و دستگاه‌های امنیتی کشور، بسیار جدی و مبتنی بر واقعیت‌های انکارناپذیر مدیریتی است. تحلیل ما از پیامدهای این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها، تنها یک پیش‌بینی نیست، بلکه براساس الگوهای شناخته‌شده‌ای است که در تاریخ مدیریت کشورها بارها به وقوع پیوسته است. لازم است در این موارد را در چند محور دسته‌بندی و تأکید کنم:

از «مدیریت احساسی» تا «فاجعه سیستماتیک»

تصمیم‌هایی که براساس حس قومیت، طایفه یا جغرافیای محدود گرفته می‌شوند، حتی اگر بانی‌ت خوبی همراه باشند، درنهایت به یک فاجعه سیستماتیک منجر خواهند شد.

وقتی معیار انتخاب در یک پروژه ملی، «محل تولد» به جای «صلاحیت تخصصی» باشد، نتیجه چیزی جز تضعیف ایمنی، هدررفت منابع ملی و کاهش کیفیت نخواهد بود. این دقیقاً همان «به گل نشاندن مملکت» است.

پیوند خطرناک «قوم‌گرایی» با «منابع اقتصادی»

این یک قاعده کلی است: هرگاه نگاه قومی و طایفه‌ای بر مدیریت منابع کلان اقتصادی یک کشور سایه بیندازد، جوانه‌های تجزیه‌طلبی شروع به رشد می‌کنند. وقتی مردم یک استان ثروتمند (مانند خوزستان) این روایت را بشنوند که «غریبه‌ها (متخصصان سایر استان‌ها) دارند منابع شما را می‌برند»، به جای آنکه کشور را یک «کشتی واحد» ببینند، احساس می‌کنند که تنها هستند و باید برای حفظ حق خود، مسیر دیگری را در پیش بگیرند. این همان خطری است که به تمامی نهادهای نظارتی و امنیتی هشدار می‌دهم.

فساد سیستماتیک و انحراف کارشناسی

فشار و ارباب‌محلی بر کارشناسان مسئله جدیدی نیست. یک کارشناس مستقر در مرکز ملی (مثل تهران) به دلیل فاصله از فشارهای محلی و شبکه‌های قومی، راحت‌تر می‌تواند براساس «اصل حرفه‌ای» خود گزارش دهد. اما وقتی یک کارشناس مجبور است در بستری از «تعلقات قومی» و فشارهای افراد ذی‌نفوذ محلی کار کند، گزارش‌های او به ناچار مغرضانه و غیرواقعی خواهد شد. این، سرطان بدخیم حکمرانی خوب است.

جمع‌بندی و راه حل محوری:

این هشدار یک هشدار امنیت ملی است. راه برون‌رفت از این مسیر خطرناک، بازگشت فوری به اصولی است که همه بزرگان و عالمان بر آن تأکید دارند:

■ حاکمیت بی‌چون و چرای شایسته‌سالاری: منصب و مسئولیت باید تنها بر اساس «تخصص» و «تقوا» واگذار شود، نه «تبار» و «تبارگاه».

■ تقویت نگاه سیستماتیک و ملی: همه دستگاه‌های حاکمیتی باید این روایت را تقویت کنند که «تمام ایران، خانه همه ایرانیان است» و هر متخصصی در هر نقطه از کشور، حق و وظیفه خدمت به تمام خاک میهن را دارد.

■ ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل: برای مقابله با فشارهای محلی بر روندهای کارشناسی، باید نهادهای ناظر مستقل و فرامنطقه‌ای ایجاد شوند.

اگر این اصول به صورت عینی و عملیاتی در مدیریت کلان کشور جاری نشود، متأسفانه باید منتظر تشدید بحران‌هایی باشیم که به آنها اشاره شد. این تنها یک نظر نیست؛ بلکه یک الزام برای بقای ایران به عنوان یک «تمامیت یکپارچه» و قدرتمند است.

«دعوای مسافرش‌های چهارراه سیروس»، تصویر دقیقی از وضعیت اسفبار تنزل جایگاه کارشناسی در برخی حوزه‌ها را نشان می‌دهد. این دقیقاً مصداق عینی همان «کوچک کردن» مقام «کارشناسی» و تبدیل آن به یک «کالای قابل چانه‌زنی محلی» است. بیا باید این فاجعه را دقیق‌تر تحلیل کنیم:

پالایشگاه سازند اراک؛ یک دارایی ملی، نه یک ملک شخصی

پالایشگاه سازند یک تأسیسات استراتژیک ملی است. عملکرد آن بر امنیت انرژی، اقتصاد و حتی محیط زیست کل کشور اثر می‌گذارد. کارشناسی چنین واحدی باید توسط مجرب‌ترین، باتجربه‌ترین و بیطرف‌ترین متخصصان کشور صورت پذیرد. محدود کردن آن به «کارشناسان محلی استان مرکزی» (صرف نظر از سطح تخصص‌شان) مانند این است که برای جراحی یک قلب، فقط به جراحان ساکن در همان محله بیمارستان اکتفا کنیم؛ حتی اگر بهترین جراح قلب در شهر دیگری حاضر به خدمت باشد. این تصمیم، خطرپذیری ملی را به شدت افزایش می‌دهد.

مسافرخش‌های خیابان

مکاتبات انجام گرفته در فضای مجازی توسط برخی مقامات درباره عدم به‌کارگیری کارشناسان استان تهران برای ارزیابی پالایشگاه سازند اراک که یک دارایی ملی است و نه یک دارایی محلی، علیرغم درخواست مستقیم و چندباره مالک و سهامداران آن از کانون کارشناسان استان تهران، تداعی دعوی مسافرخش‌های خیابان بر سر مسافری است که قصد سوار شدن بر اتومبیلی جهت رسیدن به مقصد... را دارد! در این تعبیر:

■ مسافر = «منفعت ملی» و «سلامت پروژه ملی»

■ مسافرخش‌ها = «نهادهای افرادی که داعیه کارشناسی دارند.»

■ دعوای = «جنگ برای تصاحب امتیاز کارشناسی»

متأسفانه در این دعوا، هیچ‌کس به فکر راحتی، امنیت و حق مسافر (منفعت ملی) نیست. همه فقط می‌خواهند «سهم خود را از ماجرا ببرند». این، نابودی «اخلاق حرفه‌ای» و «مسئولیت‌پذیری ملی» است.

نتیجه: مرگ تخصص و تولد پارتی‌سالاری

وقتی معیار، «محل سکونت» به جای «صلاحیت» شود:

■ متخصصان واقعی دلسرد می‌شوند و کنار می‌کشند؛

■ فضای رقابت از «رقابت برای ارتقای کیفیت» به «رقابت برای تصاحب سهمیه‌های جغرافیایی» تبدیل می‌شود؛

■ پارتی‌بازی و رابطه‌مداری، جایگزین شایسته‌سالاری می‌شود.

درنهایت، کشور با محصولات و تصمیمات ناقص و خطرناکی مواجه می‌شود که هزینه‌های آن را تمام مردم خواهند پرداخت.

جمع‌بندی این بخش:

نتیجه این رویکرد کسانی که «جایگاه رفیع کارشناسی» را با تصمیمات نابخردانه به این روز نشانند، یک خودکشی تدریجی جمعی است. کشور با چالش‌های عظیم بین‌المللی مواجه است و ما در حالی که نیاز داریم از تمام ظرفیت مغزهایمان استفاده کنیم، خودمان مشغول تعطیلی مغزها و جایگزینی آن با فشارهای قومی و محلی هستیم.

این هشدار یک هشدار نهایی به نظام حکمرانی ایران است: زندگی ما زمانی به پایان خود می‌رسد که در برابر مسائل مهم، سکوت کنیم. اگر عقلانیت، تخصص و منفعت ملی بر تمامی

تصمیم‌ها حاکم نشود، نه تنها پروژه‌ها بلکه کشور به عنوان یک کل، بازنده نهایی این دعوای مسافرخش‌ها خواهد بود. آمار و اطلاعات دقیقی موجود است که صحبت‌های قبلی را از یک بحث نظری به یک تحلیل مستند و کمی تبدیل می‌کند. آمار حضور ۸۰۰ کارشناس شهرستانی و دستمزد ۱۱۰ میلیارد تومانی تنها در کارهای دادگاهی در یک کانون، به تنهایی گویای تمامی ادعاهای مطرح شده است و هرگونه تردیدی درخصوص غیرمنطقی و غیرعملی بودن این محدودیت‌ها را از بین می‌برد. تحلیل این آمار و وضعیت، موارد زیر را به وضوح ثابت می‌کند:

رد کامل ادعای «انحصارطلبی تهران»

این آمار نشان می‌دهد که بازار کارشناسی تهران نه تنها انحصاری نیست، بلکه کاملاً مبتنی بر رقابت و شایسته‌سالاری است. حضور ۸۰۰ کارشناس از سراسر کشور در تهران ثابت می‌کند که:

■ متقاضیان (مراجعان قضایی و شرکت‌ها) به دنبال بهترین

کیفیت کارشناسی هستند، نه صرفاً یک آدرس تهرانی.

■ کارشناسان شایسته از سراسر ایران این فرصت را دارند که در مهم‌ترین بازار کارشناسی کشور حاضر شوند و خدمت کنند.

غیرممکن و بوج بودن اجرای محدودیت جغرافیایی

آیا شایسته است که کانون استان تهران در تمام مبادی ورودی شهر تهران یا ترمینال‌های اتوبوس و فرودگاه تهران برای جلوگیری از ورود کارشناسان از شهرستان نیرو استخدام کند؟! طنز تلخ «استخدام نیرو در ترمینال‌ها و فرودگاه‌ها» دقیقاً پوچی این طرح را نشان می‌دهد. این کار غیرقابل اجرا است. آیا قرار است از هر کارشناس در بدو ورود به تهران سؤال شود که «قصد تو از آمدن به پایتخت چیست؟»

این نگاه، ضد توسعه و ضد پیشرفت است. این نگاه، شبیه به تفکری است که می‌خواهد جلوی مهاجرت داخلی برای تحصیل و اشتغال را بگیرد. این تفکر، نشانه یک مدیریت واپس‌گرا و غیرحرفه‌ای است که به جای حل مسائل اساسی، به فکر ایجاد دیوارهای نامرئی است.

تأیید اصل «حق انتخاب متقاضی» و «گردش آزاد خدمات تخصصی»

اصل بنیادین «حق متقاضی»: این صاحب کار، شرکت یا شاکی است که باید آزاد باشد تا براساس صلاحیت، سابقه و تخصص، کارشناس مورد اعتماد خود را - از هر نقطه از کشور - انتخاب کند. اعمال هر گونه محدودیت جغرافیایی: محروم کردن متقاضی از حق دسترسی به بهترین خدمات است. ناقض اصل حاکمیت اراده در قراردادهای روابط حرفه‌ای است. مانع از ایجاد یک بازار ملی یکپارچه و رقابتی برای خدمات تخصصی می‌شود.

جمع‌بندی این بخش:

کارشناسی یک «خدمت ملی» است، نه یک «کالای محلی». محدودیت جغرافیایی نه تنها شکننده، بلکه در عمل شکست‌خورده است و این آمار، شکست آن را فریاد می‌زند. راه‌حل واقعی، حذف موانع و تقویت هر چه بیشتر



آن را کاهش دهد، به جای این که بر لغو خود قانون پافشاری کند.

تحلیل پاسخ شورای عالی: «مورد موافقت قرار نگرفت»

این پاسخ کوتاه، گویاتر از هر تحلیل مفصلی است. این پاسخ نشانگر موارد زیر است:

- عدم انعطاف و مدارا: شورای عالی حتی حاضر نیست یک پیشنهاد میانه و اصلاحی را که تا حدی به خواسته‌های آنها نیز احترام گذاشته است، بررسی کند.
- تفکر انحصارطلبانه و بخشنامه‌ای: این شورا به جای نگاه کردن به «منفعت ملی» و «حقوق متقاضی»، در حال حراست از یک «ساختار قدرت استانی» است. آنها نمی‌خواهند این انحصار شکسته شود.
- عدم ارائه راه حل جایگزین: این شورا تنها به رد کردن اکتفا کرده و هیچ راه حل بهتری برای حل تعارض موجود ارائه نداده است. این نشان از نبود مدیریت کارآمد و مسئولیت‌گریزی دارد.

جمع‌بندی این بخش:

پیشنهاد کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران اگرچه کامل نبود، اما یک تلاش منطقی برای شکستن بن‌بست ایجاد شده توسط شورای عالی بود. رد شدن این پیشنهاد بدون هیچ دلیل و جایگزینی، ثابت می‌کند که مشکل اصلی، عدم تمایل به حل مسئله است. مسیر فعلی شورای عالی، تنها به عمیق‌تر شدن شکاف بین استان‌ها، تضعیف کیفیت کارشناسی و نارضایتی بیشتر متقاضیان منجر خواهد شد. این رفتار، مصداق بارز «جمود فکری» است که منافع شخصی و گروهی را بر کارایی سیستم و رضایت ارباب رجوع ترجیح می‌دهد. به نظر می‌رسد، تنها راه حل اساسی، فشار از سطوح بالاتر حاکمیتی و افشاسازی عمومی این تصمیمات ضد توسعه‌ای است تا بتوان این محدودیت غیرمنطقی را که همچون دیواری آهنی به دور استان‌ها کشیده شده است، از میان برداشت.

شایسته‌سالاری در سطح ملی است. پافشاری بر چنین محدودیت‌های غیرعقلانی، پس از ارائه چنین آمارهای واضحی، دیگر نه یک «اشتباه مدیریتی»، بلکه یک «خرابکاری عمدی در سیستم حکمرانی» و تحمیل خسارت آشکار به اقتصاد ملی و حقوق شهروندان قلمداد می‌شود. پیشنهاد کانون تهران و پاسخ شورای عالی، نشان‌دهنده یک بن‌بست خطرناک در مدیریت کلان نظام کارشناسی کشور است. اجازه دهید پیشنهاد ترکیبی کانون تهران را به طور عینی و بیطرفانه تحلیل کنیم و سپس به معنای پاسخ شورای عالی بپردازیم.

نقاط قوت پیشنهاد کانون کارشناسان استان تهران

این پیشنهاد، حداقل یک گام رو به جلو و نشان‌دهنده حسن نیت و تلاش برای یافتن یک راه حل عملی است. نقاط قوت این پیشنهاد عبارتند از:

۱. به رسمیت شناختن حق متقاضی: اصل اول پیشنهاد که «حق انتخاب کانون» را به متقاضی می‌دهد، اساسی و مبتنی بر منطق بازار و رضایت مشتری است. این اصل، هسته مرکزی هر راه حل درستی است.
۲. تلاش برای حفظ حاکمیت استان‌ها: با معرفی «کانون مرجع» بر اساس محل اقامت متقاضی، سعی کرده است به دغدغه‌های استانی و ایجاد نظم در ارجاع کارها پاسخ دهد.
۳. ایجاد یک مدل مشارکتی: پیشنهاد «کارشناسی ترکیبی» بین استان مرجع و استان محل وقوع حادثه، یک راه حل میانه است که هم از دانش محلی بهره می‌برد و هم از تخصص گسترده‌تر کانون‌های بزرگتر استفاده می‌کند. این مدل می‌تواند به تبادل دانش و ارتقای کیفیت کارشناسی در سطح ملی بینجامد.

نقاط ضعف و چالش‌های پیشنهاد کانون کارشناسان استان تهران

با وجود نقاط قوت، این پیشنهاد از چند نظر قابل نقد است و ممکن است در عمل با مشکل مواجه شود. نقاط ضعف این پیشنهاد عبارتند از:

- پیچیدگی فرآیند و افزایش بروکراسی: این سیستم می‌تواند به جای ساده‌سازی، فرآیند را برای متقاضی پیچیده کند. هماهنگی بین دو کانون استانی، تقسیم مسئولیت، تسویه حساب مالی بین کانون‌ها و تضاد احتمالی نظرات کارشناسان، می‌تواند به کندی کار، افزایش هزینه و سردرگمی متقاضی منجر شود.
- کم‌رنج شدن اصل «صلاحیت محوری»: در این مدل، همچنان سهمیه‌ای برای «جغرافیا» در نظر گرفته شده است. ممکن است یک متقاضی مجبور شود با یک کارشناس از استان مرجع کار کند که لزوماً بهترین گزینه برای پرونده پیچیده او نیست. این سیستم هنوز کاملاً شایسته محور نیست.
- تأیید ضمنی «اصل محدودیت»: خود طرح این پیشنهاد، به نوعی مشروعیت بخشیدن به «اصل محدودیت جغرافیایی» است. در حالی که مشکل اصلی، خود این اصل غیرعلمی است. کانون تهران برای یک «قانون بد» یک «آیین‌نامه پیچیده» پیشنهاد می‌دهد تا اثرات مخرب



ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی و ماده ۴ تعرفه

حدود اختیار، مسئولیت نهادی و سناریوهای سه گانه

این مقاله با رویکرد تحلیلی-نهادی، نسبت میان ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی و ماده ۴ نظام نامه تعرفه را بررسی می‌کند. موضوع محوری، مرز میان «اختیار تعرفه‌گذاری» و «مداخله در قلمرو صلاحیت» است؛ مرزی که در اصلاح اخیر تعرفه مخدوش شده و پیامدهای آن فراتر از اختلافات صنفی، ناظر بر سلامت فرآیند مقررہ‌گذاری، امنیت حقوقی و اعتبار ملی حرفه کارشناسی است. مقاله نشان می‌دهد که ماده ۴ خارج از حدود اختیارات مقرر در ماده ۲۹ تصویب شده و فقدان شفافیت در زنجیره «پیشنهاد، بررسی، تصویب» ریسک نهادی قابل توجهی را ایجاد کرده است.



منصور صفرازه

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته راه
وساختمان

مسئله‌ای هنجاری، نه صرفاً صنفی

بحث پیرامون ماده ۴ تعرفه، یک اختلاف محدود دربار «الزام مکانی» نیست؛ بلکه نمونه‌ای از یک پرسش اصلی بنیادین است: آیا نهادهای حرفه‌ای و اداری می‌توانند بدون نص قانونی، ساختار یک صلاحیت ملی را تغییر دهند؟

پاسخ این پرسش، نه فقط بر آینده تعرفه، بلکه بر انسجام نظام کارشناسی، اعتماد عمومی و مشروعیت فرآیند سیاست‌گذاری اثر مستقیم دارد. از این رو، تحلیل ماده ۴ باید در چارچوب حقوق عمومی، نه برداشت‌های صنفی یا مدیریتی، انجام شود.

حدود اختیار ماده ۲۹

مرز روشن قانون و مرز مبهم اجرا

۱- موضوع اختیار: تعرفه، نه صلاحیت

ماده ۲۹ به شورای عالی اختیار پیشنهاد تعرفه مالی و به رئیس قوه اختیار تصویب تعرفه داده است.

در این ماده، هیچ اشاره‌ای به امکان تعیین: ۱- حدود جغرافیایی صلاحیت، ۲- قلمرو فعالیت، ۳- تحدید دامنه انتخاب کارشناس وجود ندارد. این سکوت، از منظر حقوق عمومی، «سکوت تفویض کننده» نیست؛ بلکه «سکوت مانع» است. یعنی هر آنچه قانون تصریح نکرده، خارج از اختیار است.

تحدید صلاحیت صرفاً با قانون ممکن است

ساختار صلاحیت در مواد ۱۵، ۲۶ و ۳۸ قانون کارشناسان رسمی و آیین نامه اجرایی آن مشخص شده است. قانون صلاحیت را «موضوعی و تخصصی» تعریف کرده، نه مکانی.

بنابراین، هر تحدید جغرافیایی (حتی اگر در ظاهر اجرایی باشد) تغییر در ساختار صلاحیت است و تنها قانون‌گذار ملی حق چنین تغییری را دارد.

پیامد حقوقی- نهادی تجاوز از حدود اختیار

در حقوق عمومی، تجاوز از حدود اختیار موجب موارد زیر می‌شود:

الف) بی اعتباری مقررہ؛

ب) مسئولیت نهادی پیشنهاددهنده و تصویب کننده؛

ج) ایجاد بی ثباتی در نظام حقوقی.

این اصل در نظام کارشناسی اهمیتی دوچندان دارد، زیرا صلاحیت کارشناسی بخشی از تضمین عدالت قضایی است، نه صرفاً یک عنوان شغلی.

ماده ۴ تعرفه

ورود یک الزام مکانی بدون مجوز قانونی

ماده ۴ مقرر می‌کند: «اشخاص مکلفند کارشناس را از محل وقوع مورد ارزیابی انتخاب کنند.»

این جمله اگرچه کوتاه است، اما از منظر حقوق عمومی واجد سه ویژگی مهم است:

الف) یک حکم الزام آور است، نه توصیه اجرایی. واژه «مکلفند» هیچ مجالی برای تفسیر ترجیحی باقی نمی‌گذارد. بنابراین ماده ۴ یک «حکم حصری» است و به مثابه تحدید صلاحیت عمل می‌کند.

ب) فاقد مبنای قانونی و خارج از اختیارات ماده ۲۹ است. چنین الزامی باید در قانون پیش بینی شود؛ درحالی که:

- قانون کارشناسان چنین قیدی را وضع نکرده است؛

- ماده ۲۹ اجازه وضع چنین قیدی را نمی‌دهد؛

- آیین نامه اجرایی نیز آن را تأیید نکرده است.

ج) ماهیت ملی صلاحیت کارشناسی را به طور مصنوعی «محلی» می‌کند. این اثر، نه تنها خلاف قانون، بلکه خلاف فلسفه وجودی حرفه کارشناسی است. کارشناسی باید تابع تخصص باشد، نه تابع مرزهای جغرافیایی.

سه سناریوی نهادی در شکل گیری ماده ۴

برای تحلیل مسئولیت نهادی در ایجاد ماده ۴، سه سناریوی محتمل وجود دارد. این سناریوها نه با هدف انتساب اتهام، بلکه برای تحلیل ساختاری و شفافیت فرآیند تصمیم گیری مطرح می‌شوند.

سناریو اول: ماده ۴ در متن پیشنهادی شورای عالی

ب) آسیب به اعتماد نهادی و افزایش ریسک تکرار خطا: وقتی منشأ الزام مکانی در تاریکی بماند، هیچ تضمینی وجود ندارد که همین اختلال، در مقررده‌گذاری‌های آتی تکرار نشود.

ج) ضرورت انتشار رسمی متن پیشنهاد شورای عالی: برای احراز مسئولیت نهادی و تعیین سهم هر طرف در پیدایش ماده ۴، انتشار رسمی متن پیشنهادی شرط لازم است. این اقدام کمینه شفافیتی است که یک نهاد حرفه‌ای - ملی باید از خود نشان دهد. این سناریو بیشترین اهمیت را برای آینده حرفه کارشناسی دارد؛ زیرا نقطه آسیب‌پذیری اصلی نظام مقررده‌گذاری را آشکار می‌کند: «نبود شفافیت در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری» **هشدار ساختاری:** فقدان شفافیت، پیش‌زمینه تمام آسیب‌های نهادی (از جمله امکان نفوذ گروه‌های ذی‌نفع، رانت، و مقررده‌گذاری غیررسمی) است.

جمع‌بندی

ضرورت بازگشت به حدود قانونی قانون و بازسازی فرآیند مقررده‌گذاری و اصلاح ماده ۴ بررسی ماده ۲۹ نشان داد که اختیار تعرفه‌گذاری محدود به تعیین ضوابط مالی است و دامنه آن به هیچ وجه به ایجاد قید یا تحدید بر صلاحیت کارشناسان تسری نمی‌یابد. از این رو، الزام مکانی ماده ۴ (چه ناشی از متن پیشنهادی باشد و چه افزوده در مرحله تصویب) از حدود اختیار فراتر رفته و مداخله‌ای در ساختاری است که فقط قانون‌گذار حق تغییر آن را دارد. اهمیت موضوع در این است که چنین مداخله‌ای، حتی اگر در ظاهر محدود جلوه کند، نشانه‌ای از گسست در انتظام حقوق عمومی و فاصله‌گیری از معیارهای قانونی در سیاست‌گذاری حرفه‌ای است. ادامه این وضعیت، پیامدهای قابل توجهی برای نظام کارشناسی خواهد داشت: کاهش رقابت حرفه‌ای، محدود شدن آزادی انتخاب متقاضیان، ایجاد سازوکارهای ترجیحی فاقد مبنای تخصصی، و افزایش احتمال شکل‌گیری مزیت‌های غیرقانونی در جریان ارجاع. تجربه اداره نهادهای حرفه‌ای نشان می‌دهد هرگاه محدودیتی بدون پشتوانه قانونی و بدون تناسب تخصصی اعمال شود، زمینه برای نفوذ، رانت و اختلال در سلامت و بیطرفی تصمیم‌گیری‌های اداری فراهم می‌شود و اعتماد عمومی در معرض آسیب قرار می‌گیرد. بنابراین، اصلاح ماده ۴ یک ضرورت نهادی و حقوقی است؛ ضرورتی برای بازگرداندن فرآیند تعرفه‌گذاری به چارچوب ماده ۲۹، صیانت از ساختار ملی - تخصصی صلاحیت، و جلوگیری از بروز پیامدهایی که می‌تواند استقلال و بیطرفی کارشناسی رسمی را در سال‌های آینده تحت فشار قرار دهد.

وجود داشته است. اگر شورای عالی ماده ۴ را پیشنهاد کرده باشد، پیامدها بسیار فراتر از یک اشتباه اجرایی است. سه خطای نهادی مهم رخ داده است:

الف) خروج از حدود اختیار قانونی شورا: شورای عالی طبق ماده ۲۹ تنها مجاز به پیشنهاد تعرفه مالی است. پیشنهاد الزام مکانی برای انتخاب کارشناس - که اثر ماهوی دارد - وضع قاعده تقنینی است، نه پیشنهاد مالی. این امر تجاوز از صلاحیت است.

ب) پیشنهاد مقررده‌ای مغایر قانون بالادستی: پیشنهاد مقررده‌ای که با قوانین بالادستی در تعارض است، مغایرت‌زایی آشکار با قانون دارد.

ج) نشت خطای معرفتی به سطح مقررده‌گذاری: در این سناریو، خطای معرفتی - مفهومی (یعنی خلط میان ساختار اداری و صلاحیت) به متن رسمی پیشنهاد منتقل شده است. این نشان می‌دهد که اختلال شناختی از سطح فردی فراتر رفته و در سطح نهادی رسوب کرده است.

اما پرسش مهم باقی می‌ماند: چرا رییس قوه، چنین مقررده‌ای مغایر قانون را تصویب کرده است؟

سناریو دوم: ماده ۴ در مرحله تصویب افزوده شده است. این سناریو از نظر حقوقی حساس‌ترین سناریو است؛ زیرا به طور مستقیم به حدود اختیار مقام تصویب مربوط می‌شود:

الف) افزودن قید ماهوی فراتر از اختیار ماده ۲۹: ماد ۲۹۵ اختیار رییس قوه را به تصویب تعرفه مالی محدود می‌کند. هر گونه افزودن یا تغییر متن پیشنهادی، تجاوز مقام تصویب از حدود اختیار ماده ۲۹ است.

ب) ایجاد قاعده تقنینی بدون پشتوانه قانونی: تحمیل یک الزام مکانی، صلاحیت را مکان محور می‌کند، بدون آنکه قانون‌گذار چنین تغییری را مقرر کرده باشد. این یک تغییر ماهیت بدون مجوز تقنینی است و تجاوز مقام تصویب از حدود قانونی محسوب می‌شود.

در این حالت پرسش کلیدی این است: چرا شورای عالی، در مقام صیانت از استقلال و قانونیت صلاحیت، نسبت به این اضافه شدن اعتراض نکرده است؟

سناریو سوم: فقدان شفافیت در زنجیره «پیشنهاد، بررسی و تصویب» (سناریوی خطرناک‌تر)

این سناریو زمانی شکل می‌گیرد که: ۱. متن پیشنهادی شورا منتشر نشده است؛ ۲. نسخه پیشنهادی و نسخه مصوب تطبیق داده نشده است؛ ۳. منشأ دقیق ماده ۴ اعلام نشده است؛ ۴. هیچ گزارش رسمی از روند بررسی ارائه نشده است.

در چنین وضعیتی، مسئله فقط یک ماده خلاف قانون نیست؛ مسئله کیفیت حکمرانی نهادی است:

الف) امکان شکل‌گیری مقررده خلاف قانون بدون مسئول مشخص:

نبود شفافیت، امکان می‌دهد یک مقررده دارای آثار گسترده، بدون پاسخگویی روشن، وارد چرخه کارشناسی شود.



منوچهر شبیبانی اصل

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
راه و ساختمان



واژه‌های کلیدی:
تعرفه کارشناسان
رسمی دادگستری،
ماده ۴ تعرفه
کارشناسان، محل
وقوع ارزیابی

نقدی بر صدر ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۰ آبان ۱۴۰۲

صدر ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۴۰۲ که بر اساس ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ تصویب شده است، چالش‌های متفاوتی را در بین کارشناسان و در نهاد حرفه‌ای آنان به وجود آورده است. ماده ۲۹ قانون مرقوم به صراحت دلالت بر پیشنهاد و تصویب «تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری» دارد و چالش این امر در آنجا است که آیا می‌توان به صرف پیشنهاد براساس این ماده و تصویب آن، اشخاص حقیقی و حقوقی را مکلف کرد که کارشناس رسمی را از محل وقوع ارزیابی انتخاب کنند؟ این نکته از منظر اصل حاکمیت قانون، اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی و اصل انتظار مشروع قابل تأمل و بررسی است. وضع قاعده آمره موجد یا سالب حق و تکلیف از مصادیق بارز قانون گذاری است و صرفاً در صلاحیت قوه مقننه یا مآذون از آن است. صلاحیت کارشناسان مجاز به فعالیت در سراسر کشور که با درج در پروانه کارشناسی به آنان اعطا شده است، حق مکتسب محسوب می‌شود و سلب و اسقاط ضمنی آن در این مصوبه جای تأمل است. صدر ماده ۴ تعرفه مرقوم در مطالعه اختیارات مقرر برای دادگاه و بازپرس در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون دادرسی کیفری نیز قابل بحث است. از سوی دیگر، کارشناسی رسمی به مثابه امر حرفه‌ای مانند همه حرفه‌های دیگر دارای ویژگی‌های خاص و فاقد محدوده جغرافیایی است.

در این مقاله با نگاهی اجمالی به موارد فوق، صدر ماده ۴ تعرفه کارشناسان رسمی مصوب سال ۱۴۰۲ از منظر حقوقی و حرفه‌ای از دیدگاه نویسنده به اختصار نقد شده است. نگارنده بر این باور است که وضع قاعده آمره عام‌الشمول موجد یا سالب حق و تکلیف خارج از چارچوب ماده ۲۹ قانون مرقوم است و ماده ۴ تعرفه با اصول یادشده در حقوق عمومی و موادی از قوانین آیین دادرسی منافات دارد. در نهایت پیشنهاد حذف آن و عدم تکرار در مصوبات آتی پیشنهاد شده است.



کانون یا مرکز تودیع و قبض آن را در پرونده مربوط پیوست نمایند. در این صورت، کارشناسان رسمی مکلفند پس از تودیع دستمزد نسبت به انجام کارشناسی اقدام نمایند.» آنچه موضوع این مقاله و قابل نقد از منظر قانون، اصول حقوقی و چارچوب فعالیت حرفه‌ای است، صدر این ماده در مصوبه اخیر است که در سال ۱۴۰۲ به این نحو به ماده فوق اضافه شده است: «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند کارشناس رسمی دادگستری یا هیئت کارشناسی را از کارشناسان محل وقوع ارزیابی انتخاب یا درخواست نمایند.»

ب- اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی

حقوق در یکی از تقسیم‌بندی‌ها به دو دسته «حقوق خصوصی» و «حقوق عمومی» تقسیم می‌شود. حقوق خصوصی ضوابط و مقررات حاکم بر روابط اشخاص در جامعه است. در این حقوق اصل بر صلاحیت است. حقوق عمومی ضوابط و مقررات حاکم بر دولت به معنای حاکمیت یا دستگاه‌های اجرایی و روابط آنها با یکدیگر و با مردم است. در این نوع از حقوق، اصل بر عدم صلاحیت و عدم اختیار است. هیچ مقام دولتی و عمومی صلاحیت انجام عملی را ندارد، مگر اینکه طبق قانون مجاز باشد. (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸) به عبارت دیگر، هر مقام حاکمیتی فقط صلاحیت یا اختیار تصمیمات یا اقداماتی را دارد که طبق قانون یا مآذون از قانون‌گذار به وی داده شده است. تدقیق در مفاد ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری ابلاغی ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که حدود صلاحیت و اختیار مقرر در این ماده قانونی، صرفاً پیشنهاد و تصویب تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری بوده است و لاغیر. بدیهی است مقرر کردن هر گونه قاعده‌ای خارج از چارچوب دستمزد تعرفه به استناد این ماده قانونی و در پرتو آن، خارج از حدود صلاحیت و اختیار مقام پیشنهاددهنده و تصویب‌کننده است و مشمول اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی است. علاوه بر این، وضع قاعده آمره به استناد این ماده مغایر با اصل حاکمیت قانون بوده، معتبر نیست، آثار حقوقی ایجاد نمی‌کند و برای افراد لازم‌الاتباع نیز نیست.

پ- وضع قاعده آمره موجود و سالب حق و تکلیف

وضع قاعده آمره موجود یا سالب حق و تکلیف منحصر از وظایف قوه مقننه است و طبق اصل استقلال قوا، قوه مجریه و قوه قضاییه نمی‌تواند رأساً در این خصوص اقدام نماید. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، مفاد ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری صرفاً دلالت بر پیشنهاد و تصویب دستمزد دارد و در ذیل این ماده نمی‌توان برای اشخاص حقیقی و حقوقی تکلیف ایجاد کرد یا حق را از آنان سلب کرد. صدر ماده ۴ یادشده، حق انتخاب آزاد کارشناس رسمی دادگستری را از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی سلب کرده و انتخاب کارشناس رسمی دادگستری از محل وقوع ارزیابی را بر آنان تکلیف یا به عبارت بهتر،

اصل حاکمیت قانون، یکی از مهمترین اصول حقوقی در حقوق عمومی است. بر اساس این اصل، انجام کلیه امور سیاسی، اداری و قضایی و اتخاذ هر گونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان باید طبق قانون باشد. (هاشمی، ۱۴۰۱) حاکمیت قانون به این معنا است که حکومت در تمام اعمال خود و اقداماتی که انجام می‌دهد و در اجرای امتیازاتی که از آن برخوردار است، تابع قانون باشد. بر این اساس، اقدامات دستگاه‌های اجرایی و تصمیمات آنها، تا زمانی که بر اساس قانون و بر طبق آن و با اجرای صحیح مفاد قانون صادر نشده باشد، معتبر نیست و آثار حقوقی ایجاد نمی‌کند و برای افراد لازم‌الاتباع هم نیست. (موسی‌زاده، ۱۴۰۲) صدر ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۲۰ آبان سال ۱۴۰۲ نه تنها از حیث عدم انطباق با این اصل قابل تأمل است، بلکه از نظر اصول دیگر حقوقی نیز جای بحث بسیار دارد.

تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری

مفاد ماده ۲۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ اشعار می‌دارد: «دستمزد کارشناسی رسمی طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد شورای عالی کارشناسان به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید و هر دو سال یک بار قابل تجدیدنظر است. قضات دادگاه‌ها در مورد دستمزد کارشناسی مطابق ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ اقدام خواهند کرد.» بر این مبنا هر چند سال یک بار با توجه به عبارت «هر دو سال یک بار قابل تجدیدنظر خواهد بود.» که الزامی برای تجدیدنظر حتمی در هر دو سال پدید نمی‌آورد، تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری توسط رییس قوه قضاییه ابلاغ می‌شود. البته در عمل این تعرفه در همه موارد کارشناسی ملاک عمل قرار نمی‌گیرد و رعایت نمی‌شود. به طور معمول، دستمزد پرداختی به کارشناسان کمتر از مبالغ قیدشده در تعرفه ابلاغی است.

الف- ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری

مفاد ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری ابلاغی ۱۳۹۸ چنین بود: «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند در صورت درخواست کارشناس یا هیئت کارشناسی، دستمزد کارشناسی را طبق این تعرفه و در صورتی که قبلاً قابل برآورد نباشد، حسب مورد به طور علی‌الحساب به حساب کانون یا مرکز تودیع و قبض آن را در پرونده مربوط پیوست نمایند. در این صورت، کارشناسان رسمی مکلفند پس از تودیع دستمزد نسبت به انجام کارشناسی اقدام نمایند.»

در سال ۱۴۰۰ تعرفه جدیدی ابلاغ نشد و این ماده در مصوبه سال ۱۴۰۲ به این شرح تغییر یافت: «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند کارشناس رسمی دادگستری یا هیئت کارشناسی را از کارشناسان محل وقوع ارزیابی انتخاب یا درخواست نمایند و دستمزد کارشناسی را در صورتی که قابل برآورد نباشد، حسب مورد به طور علی‌الحساب به حساب

تحمیل کرده است. حال آنکه طبق قوانین جاری، اشخاص حقیقی و حقوقی، در انتخاب کارشناس رسمی دادگستری رسمی مختار هستند و هرگاه لازم بوده که الزام یا ترتیب خاصی برای انتخاب کارشناس رسمی دادگستری رعایت شود، قانون‌گذار آن را بیان کرده است و نمی‌توان در تعرفه دستمزد کارشناس رسمی دادگستری این حق انتخاب و آزادی اراده را از اشخاص سلب نمود. در این خصوص، توجه به بخشی از مفاد رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۸۸/۲۰۵ مورخ ۱۰ تیر ۱۳۹۸ که این مفهوم را به زیبایی و ایستایی کافی بیان کرده، روشن‌گر و تأییدکننده امر است: «... وضع قاعده آمره موجد یا سالب حق و تکلیف و الزامات و تعیین جرایم و تخلفات و نوع و میزان مجازات و تعیین موارد اسقاط مراحل تعقیب و مجازات که از مصادیق بارز قانون‌گذاری است، اختصاص به قوه مقننه یا مأذون از قبل قانون‌گذار دارد...»

دیوان عدالت اداری در آرای دیگری نیز مقررات وضع شده‌ای را که متضمن ایجاد تکلیف برای دستگاه‌های اجرایی و حتی بخش‌های غیردولتی بوده و مبنای قانونی برای ایجاد تکلیف فوق وجود ندارد و متضمن وضع قاعده آمره عام‌الشمول و لازم‌الاجرا بوده، ابطال کرده است. صدر این ماده حق کارشناسان دارای صلاحیت کشوری را که سال‌هاست با طی ضوابط و مقررات مربوط اخذ کرده‌اند و در چارچوب آن فعالیت می‌کنند، به یک باره ساقط کرده و اشخاص حقیقی و حقوقی را مکلف می‌کند که مسلوب‌الاراده و مسلوب‌الاختیار، کارشناس رسمی را از محل وقوع محل ارزیابی انتخاب کنند.

شگفت آنکه، گرچه این قاعده آمره مغایر قانون، صرفاً برای امر «ارزیابی» در کارشناسی وضع شده است؛ اما برخی در عمل آن را به همه صلاحیت‌های کارشناسی توسعه داده‌اند که منجر به نوعی آپارتاید کارشناسی شده است. این در صورتی است که همین منع خارج از قانون در صدر ماده ۴ یادشده شامل کلیه صلاحیت‌های کارشناس رسمی دادگستری نیست و به صراحت، فقط ارزیابی را در برمی‌گیرد. تأمل در چند اصل قانون اساسی که مربوط به این موضوع و درخصوص وظایف قوای سه‌گانه است، خالی از لطف نخواهد بود. طبق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.» طبق اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد.» همچنین طبق اصل شصت و یکم: «اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.» و طبق اصل یکصد و پنجاه و ششم: «قوه قضاییه قوه‌ای

است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعذبات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

طبق اصل استناد اعمال دولت به قانون- قانونی بودن، «هر امری در حوزه حقوق عمومی باید در درجه اول بر اساس قانون اساسی به عنوان مهمترین قانون حاکم بر دولت و سایر قوانین و مقررات انجام شود و کلیه اعمال و تصمیمات و اقدامات مقامات و مسئولان مستند به قانون باشد.» (رحمت‌الهی، ۱۴۰۰) که در موضوع مورد نقد چنین نیست.

ت- محل وقوع

وقوع در لغت به معنای قرار گرفتن و واقع شدن است. (عمید، ۱۳۵۸) یا رخداد، حدوث، پدیداری، تجلی، نمود، تظاهر (فراروی، ۱۴۰۰) در اصطلاح حقوقی محل وقوع به محل واقع شدن شیء یا امر یا اتفاقی گفته می‌شود. مانند محل وقوع عقد، محلی که عقد در آنجا واقع شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱) یا محل وقوع جرم، محل تجلی اندیشه مرتکب و بروز رفتار مجرمانه (خالقی، ۱۳۹۸)

بنابراین محل وقوع ارزیابی، یعنی محلی که شیء یا مال منقول یا غیرمنقول در آن محل واقع شده است. در این صورت در کارشناسی‌های قضایی، کارشناس رسمی دادگستری باید از همان محل یا همان حوزه قضایی محل وقوع ارزیابی و در مورد کارشناسی‌های غیرقضایی از همان شهر یا شهرستان انتخاب شود و با وجود این قاعده حتی نمی‌توان کارشناس رسمی دادگستری را از همان استان انتخاب کرد، زیرا کارشناسان مقیم در سایر نقاط استان، کارشناس محل وقوع ارزیابی تلقی نمی‌شوند. حال اگر در محلی، کارشناس رسمی دادگستری دارای صلاحیت نباشد، یا در دسترس نباشد، یا به تعداد کافی نباشد، معلوم نیست چه باید کرد؟

این بخش از صدر ماده ۴ تعرفه در واقع وضع قاعده دیگری است به نام «تعیین صلاحیت محلی برای کارشناس رسمی دادگستری»، در حالی که حوزه فعالیت کارشناس در پروانه کارشناسی وی درج می‌شود.

از سوی دیگر، معلوم نیست در صورت تغییر مکان اموال منقول در زمان کارشناسی از شهرستانی به شهرستان دیگر، وضعیت انتخاب کارشناس از محل ارزیابی چگونه خواهد بود و آیا با این طریق کارشناس منتخب از شهرستان نخست



کارشناس رسمی ایرانی دارای پروانه معتبر یا صلاحیت مورد نیاز مقیم در محل وقوع موضوع ارزیابی در آن محل از کشور خارجی اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. «گاهی از اوقات قانون گذاران قوانینی وضع می کنند که به واسطه عدم مطالعه دقیق در آنها یا به علل دیگر مخالف منظور قانون گذار نتیجه می دهد.» (منتسکیو، ۱۳۴۳) بی تردید ماده ۴ پیش گفته را می توان از مصادیق این گفته منتسکیو برشمرد که در عمل نتایجی مخالف منظور اولیه در پی دارد و تبعات منفی آن بسیار بیشتر خواهد بود.

ث- حق مکتسب

حق مکتسب، حقی است ناشی از قرارداد یا قانون و در واقع امتیازی که به اراده و اختیار صاحب حق، تملک شده و باید در مقابل تغییر قوانین به عنوان حق مکتسب مورد حمایت قرار گیرد. (کریمی اصفهانی، ۱۴۰۴). صلاحیت کارشناسی در سراسر کشور حقی است که با توجه به شرایط خاص مقرر مانند سابقه کارشناسی و موفقیت در مصاحبه و غیره به کارشناس اعطا می شود و به صورت حق مکتسب تجلی می یابد. این حق سلب و ساقط و توقیف و تعلیق نمی شود، مگر با حکم قطعی دادگاه یا اراده قانون گذار در وضع قانون. واضح و مبرهن است که این حق را نمی توان با دستورالعمل و مقرره آن هم در چارچوب «تعیین دستمزد» از بین برد و ساقط کرد.

ج- اصل انتظار مشروع

انتظار مشروع که یکی از اصول مهم جهانی در حقوق عمومی است، «انتظار و خواسته و توقعات موجه و معقولی است که در رابطه افراد با مقامات دولتی به ویژه در چارچوب اعمال صلاحیت های اختیاری ایجاد می شود، به نحوی که عدم توجه به آنها یا صرف نظر کردن از آنها موجب ورود خسارت یا سلب منفعت از شهروندان می گردد.» (کریمی اصفهانی، ۱۴۰۴)

بدیهی است هر کارشناس رسمی دادگستری براساس

اگر بعد از انتقال به شهرستان دوم، مثلاً به پارکینگ در آن شهرستان، متخلف محسوب خواهد شد یا خیر؟ در موارد دیگری نیز می توان تصور کرد که اصلاً کارشناس در آن محل وجود ندارد. به طور مثال برای ارزیابی کشتی در دریا چگونه از محل ارزیابی یعنی وسط دریا می توان کارشناس رسمی دادگستری انتخاب کرد؟

تکلیف کارشناسانی که در محل اقامت خود امکان استفاده از صلاحیت خود را ندارند، به طور مثال کارشناس بندر در مرکز استان یا کارشناس صنایع سنگین و غیره و اساساً اگر تعداد کارشناسان رسمی دادگستری در رشته ای در کشور بسیار محدود باشد، این قاعده کلی و عام الشمول چگونه قابل اجرا است؟

جالب آنکه در ماده ۶ همین تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی مصوب ۱۴۰۲ نیز چنین ذکر شده است: «در صورتی که اجرای قرار کارشناسی، مستلزم عزیمت به خارج از شهر یا محل اقامت کارشناس باشد، تأمین وسیله ایاب و ذهاب و محل اقامت مناسب و غذا به عهده متقاضی بوده و علاوه بر دستمزد کارشناسی، فوق العاده ماموریت کارشناس برای هر روز مسافرت به مآخذ روزانه مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال برای ماموریت داخل استان محل اقامت کارشناس و مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال برای ماموریت خارج از استان محل اقامت کارشناس پرداخت خواهد شد...» اگر بنا بر انتخاب کارشناس رسمی دادگستری از محل وقوع ارزیابی است، پس بحث عزیمت به خارج از شهر و محل اقامت و وسیله ایاب و ذهاب و غذا و غیره و فوق العاده ماموریت در داخل و خارج از استان که در این ماده افاده عام می کند، به چه منظور است و چرا ارزیابی در این ماده منفک نشده است و اگر منظور کلیه کارشناسی ها از جمله ارزیابی است، پس این ماده ناقض ماده ۴ است و بین ماده ۴ و ماده ۶ در خصوص ارزیابی تناقض وجود دارد.

این قاعده درباره کارشناسی اموال ایرانیان و دولت ایران در خارج از کشور نیز ابتر و نافرجام است. ارزیابی اموال شخص حقیقی یا شخص حقوقی ایرانی در خارج از کشور توسط

اصل انتظار مشروع برای فعالیت‌های حرفه‌ای خود برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌کند و انتظار ندارد با تکلیف و تصمیم خلق‌الساعه آن هم در چارچوب تعرفه دستمزد، تمام فعالیت‌های حرفه‌ای وی دستخوش آشفتگی و به‌هم‌ریختگی شود. ماده ۲ یادشده از این منظر نیز مغایر اصل انتظار مشروع است.

ج- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی

مفاد ماده ۲۵۸ این قانون مصوب ۱۳۷۹ اشعار می‌دارد: «دادگاه باید کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است، انتخاب نماید و در صورت تعدد آنها، به قید قرعه انتخاب می‌شود. در صورت لزوم تعدد کارشناسان، عده منتخبین باید فرد باشد تا در صورت اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.» در این قانون قیدی بر حصر انتخاب کارشناس از محل وقوع ارزیابی نشده است، بلکه تاکید قانون‌گذار بر «مورد وثوق بودن» کارشناس رسمی دادگستری است. بدیهی است امکان دارد دادگاهی کارشناس یا کارشناسانی را از حوزه قضایی دیگر سراغ داشته باشد که علاوه بر صلاحیت و وثاقت، دارای تخصص و تجربه و دانش مورد نظر دادگاه باشند و این ماده قانونی نیز چنین اختیاری را به دادگاه اعطا کرده است. اینک سوال اینجاست که آیا می‌توان در چارچوب ابلاغ تعرفه دستمزد کارشناسان، این ماده قانونی را محدود و محصور و مضیق نمود؟ بدیهی است که پاسخ به طور قطع منفی است.

قانون‌گذار به اندازه‌ای به اراده اشخاص توجه داشته و آن را محترم شمرده است که کارشناس مرضی الطرفین را مقدم بر کارشناس منتخب دادگاه شمرده است. مفاد ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در این خصوص چنین است: «طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می‌شود، می‌توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می‌شود، ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد.» در این ماده قانونی نیز هیچ‌گونه تصریحی بر انتخاب کارشناس از محل وقوع ارزیابی نیست و طبع دامنه شمول آن را نمی‌توان در ابلاغیه تعرفه دستمزد محدود و مضیق کرد.

ح- قانون آیین دادرسی کیفری

مفاد ماده ۱۵۶ این قانون مصوب ۱۳۹۲ اشعار می‌دارد: «بازپرس کارشناس را به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می‌کند. در صورت تعدد کارشناسان، عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.» در اینجا نیز اختیار به بازپرس داده شده و تکلیفی بر انتخاب

از محل وقوع وجود ندارد. در تبصره ۲ این ماده به طور محدود و مشروط چنین آمده است: «اگر حوزه‌ای فاقد کارشناس رسمی است، یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری ندارد و یا در دسترس نیست، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور یا اهل خبره انتخاب کند.» طبعاً این تبصره نیز صرفاً در راستای لزوم تسریع و سرعت عمل در مرحله تحقیقات در امور کیفری وضع شده است و با توجه به لزوم بررسی به موقع آثار جرم و حادثه قبل از از بین رفتن آن وضع شده است. گرچه در جای خود به طور مثال در جرایم و حوادث سنگین و دارای ابعاد پیچیده از حیث ضرورت تام استفاده از کارشناسان دارای تجربه، تخصص و دانش کافی به ویژه درباره ارجاع به اهل خبره قابل نقد است.

کارشناسی رسمی به مثابه امر حرفه‌ای

کارشناسی رسمی شغل نیست، بلکه امری حرفه‌ای است و کارشناس رسمی فرد حرفه‌مندی است که در حرفه کارشناسی رسمی فعالیت می‌کند. اصولاً حرفه (Profession) با صنف (Guild) و کسب‌وکار (Business) تفاوت ماهوی دارد. فرهنگ و بستر حرفه را چنین تعریف می‌کند:

«تخصصی شامل مهارت‌ها و روش‌ها و نیز اصول علمی، تاریخی و محققانه که بر آن مهارت‌ها و روش‌ها تأکید دارد و با استناد به سازمان و تشکیلات به اتفاق آرا و استانداردهای والای دستاوردها و رفتار و سلوک پشتیبانی می‌شود و اعضای خود را به مطالعاتی مستمر و نوعی کار متعهد می‌کند که نخستین مقصود آن ارائه خدمات عمومی است.»

بر اساس مطالعات مختلف اندیشمندان بحث حرفه‌مندی، هر حرفه دارای ویژگی‌های خاصی است که عبارت است از:

- حاوی مجموعه‌ای از نظریه‌ها و دانش خاص؛
- دارای شأن و مرتبه اجتماعی؛
- دارای جایگاه در رشته‌های دانشگاهی؛
- اشتغال عده‌ای در عمل و نظر به آن؛
- دارای سازمان رسمی برای حرفه‌ای شدن؛
- دارای معیارهای اخلاقی و ارزشی خاص خود؛
- اعطای پروانه به دست‌اندرکاران؛
- مقررات شدید و استانداردهای سطح بالای صلاحیت‌ها؛
- مقررات حرفه‌ای لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع؛
- اطمینان متقابل بین اعضای حرفه و مردم؛
- ادامه کار به خاطر دیگران؛
- تقدم و اولویت ارائه خدمات بر درآمد مالی.

حرفه‌مندی تابع جغرافیا نیست. ذکر مثال در این مورد راه‌گشا است. شادروان خانم «زاهای حدید» معمار حرفه‌مند برجسته بین‌المللی در بغداد متولد شد، دفتر معماری خود را در لندن تاسیس کرد، اما خدمات خود را در سراسر دنیا حتی در تهران ارائه داد و هیچ شخصی وی را محدود به ارائه خدمات حرفه‌ای در محدوده جغرافیایی معین نکرد. مثال مشابه دیگر را می‌توان به صورت ساده مطرح کرد: فرض کنیم برادر من که پزشک است و در تبریز مطب

کارشناسان رسمی دادگستری» دارد و لاغیر. صدر ماده ۴ این تعرفه مصوب ۱۴۰۲ که کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی را مکلف می‌کند که کارشناس رسمی را از محل وقوع ارزیابی انتخاب کنند، خارج از چارچوب تعرفه دستمزد کارشناسان است و با اصل حاکمیت قانون، اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی و اصل انتظار مشروع مغایرت دارد.

وضع قاعده آمره موجد یا سالب حق و تکلیف از مصادیق بارز قانون‌گذاری است و صرفاً در صلاحیت قوه مقننه یا مآذون از آن است و چنین اذنی در ماده ۲۹ قانون مرقوم داده نشده است. صلاحیت کارشناسان مجاز به فعالیت در سراسر کشور که با درج در پروانه کارشناسی به آنان اعطا شده است، حق مکتسب محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را با مقرر سلب و ساقط نمود. اسقاط آن صرفاً به موجب رأی قطعی دادگاه یا قانون مصوب مجلس ممکن است. صدر ماده ۴ مرقوم با اختیارات مقرر برای دادگاه و بازپرس در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون دادرسی کیفری نیز مغایرت دارد. کارشناسی رسمی به مثابه امر حرفه‌ای مانند همه حرفه‌های دیگر دارای ویژگی‌های خاص و فاقد محدوده جغرافیایی است. پیشنهاد می‌شود صدر این ماده توسط مرجع تصویب‌کننده، حذف، ملغی و کان لم یکن تلقی شود و از تکرار آن به صورت پیشنهاد یا مصوبه یا در قالب عبارات و مفاهیم مشابه که حقوق اشخاص را تضییع کرده یا تکلیف فراقانونی برای آنان ایجاد کند، اکیداً خودداری شود.

مراجع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲. قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱
۳. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹
۴. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۵. تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۹۸
۶. تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۴۰۲
۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر تهران، ۱۳۵۸
۸. فراوی، جمشید، فرهنگ طیفی، نشر هرمس، تهران، ۱۴۰۰
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۱
۱۰. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۱
۱۱. موسی‌زاده، ابراهیم، درآمدی بر حاکمیت قانون، نشر دادگستر، تهران، ۱۴۰۲
۱۲. حبیب‌زاده، محمدکاظم، اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی، انتشارات جاودانه، جنگل، تهران، ۱۳۹۸
۱۳. رحمت‌الهی، حسین، آقامحمد آق‌دی احسان، مبانی حقوق عمومی (مفاهیم و ارزش‌ها)، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۴۰۰
۱۴. کریمی اصفهانی، خدیجه، دایره‌المعارف حقوق عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۴
۱۵. منتسکیو، شارل لویی دوسکوندا، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهدی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۱
۱۶. دادنامه شماره ۸۸/۲۰۵ مورخ ۱۰ تیر ۱۳۹۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

درد، میهمان من در تهران است و اتفاقاً فرزند من دچار بیماری می‌شود، من از وی می‌خواهم که فرزندم را معاینه و معالجه کند، ولی او بگوید که «من پزشک تبریز هستم و به لحاظ الزام تعرفه دستمزد پزشکان، نمی‌توانم در تهران فردی را معاینه و معالجه کنم.»

اصولاً محدود کردن اشخاص و سلب اراده و حق آنان خارج از موارد مقرر در قانون ممنوع است. فرض کنیم خانواده‌ای علاقه مند هستند که املاک موروثی خود را با نظر یک نفر کارشناس رسمی که مورد وثوق و اطمینان آنها است، اماد در استان دیگری مقیم است، ارزیابی و تقسیم کنند. چرا این اشخاص را در چنین مواردی باید از این حق قانونی و مورد رضایت خود که امری کاملاً شخصی است و نه تنها نظم عمومی را بر هم نمی‌زند، بلکه تأثیری بر آن هم ندارد، محروم کرد.

برخی از اشخاص حقوقی مانند بانک‌ها و بعضی صنایع که تشکیلات مرکزی و حوزه امور مالی آنها در یک شهر خاص متمرکز است، عمیقاً تمایل دارند امور ارزیابی خود در سراسر کشور را از طریق کارشناسان همان محل استقرار دفتر مرکزی خود به صورت مجتمع و متمرکز به انجام برسانند و به هیچ وجه تمایل به پراکندن آن در استان‌های مختلف ندارند و آن را موجب اطاله و اختلال امور حسابداری و حسابرسی خود و مواجهه با ضرر و زیان می‌دانند و کاملاً مخالف انتخاب کارشناس ارزیابی از محل هستند. منطق محروم کردن این اشخاص از حق قانونی خود به اعتبار تعرفه کارشناسان که در نهایت منجر به آسیب‌های اقتصادی حتی در سطح کلان ملی می‌شود، مشخص نیست.

یک کارشناس رسمی که مجاز به فعالیت در سطح کشور شده است، برای فعالیت حرفه‌ای خود همانند سایر حرفه‌مندان، محدودیت جغرافیایی ندارد. البته به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، ممکن است فعالیت وی در ابتدای کار و فقدان تجربه کافی محدود باشد و به تدریج طی مقرراتی خاص افزایش یابد و به سطح کشور و حتی خارج از کشور توسعه یابد.

به نظر می‌رسد پیشنهاد‌های محدودکننده و محصورکننده حرفه‌مندان از تفکرات انحصارطلبانه و تمامیت‌خواهانه یا برخی ایدئولوژی‌های ورشکسته در برخی کشورها نشئت می‌گیرد که در هر دو صورت، محکوم به رد است و شایسته و مناسب امور حرفه‌ای، آن هم حرفه بسیار مهم، تخصصی، ویژه و خاص کارشناسی رسمی نیست. حرفه‌ای که مسئولیت‌های سنگین اخلاقی، وجدانی، شرعی و قانونی دارد و اینگونه محدودیت و محصوریت در شأن حرفه‌مندان آن نیست و باید از هرگونه تفکر محدود و بسته که منتج به آسیب‌های بنیادی به اساس حرفه و تبعات منفی در برقراری عدالت و انصاف و اظهارنظرهای قوی و متقن و بالارزش می‌شود، پرهیز شود.

نتیجه و پیشنهاد

ماده ۲۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ به صراحت دلالت بر پیشنهاد و تصویب «تعرفه



حمید حمیدی

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
وسایط نقلیه دریایی و
غواصی

ماده ۴ نظام نامه تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری مزایا، چالش‌ها و ضرورت انعطاف‌پذیری

در سیستم قضایی ایران، کارشناسان رسمی دادگستری، نقش کلیدی در ارزیابی فنی و تخصصی پرونده‌ها ایفا می‌کنند. نظام نامه تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری، به عنوان یکی از اسناد حقوقی مهم، چارچوب‌هایی را برای انتخاب و پرداخت دستمزد این کارشناسان تعیین کرده است. ماده ۴ این نظام نامه بر الزام انتخاب کارشناس یا هیئت کارشناسی از محل وقوع مورد ارزیابی تأکید دارد. این ماده بیان می‌کند: «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مکلفند کارشناس یا هیئت کارشناسی را از کارشناسان محل وقوع مورد ارزیابی، انتخاب یا درخواست نمایند و دستمزد کارشناسی را در صورتی که قابل برآورد نباشد، حسب مورد به طور علی الحساب به حساب کانون یا مرکز تودیع و قبض آن را در پرونده مربوط پیوست نمایند.»

این الزام، که هدف آن تسهیل فرآیند قضایی و کاهش هزینه‌ها است، در عمل با چالش‌هایی به‌ویژه در حوزه‌های تخصصی مانند امور دریایی و دریانوردی روبه‌رو می‌شود. در این مقاله تحلیلی، به بررسی مزایا و اشکالات انتخاب کارشناس مطابق با ماده ۴ می‌پردازیم و تمرکز ویژه بر کارشناسان دریایی خواهد بود، که محدودیت جغرافیایی می‌تواند بر کیفیت کارشناسی تأثیرگذار باشد. این تحلیل نشان می‌دهد، در حالی که این ماده به دنبال کارایی محلی است، اما ممکن است در موارد تخصصی، دسترسی به کارشناسان مجرب را محدود کند.

توضیح ماده ۴ و زمینه آن

ماده ۴ نظام نامه (اصلاحی ۲۰ آبان ۱۴۰۲) بر اصل «محلی بودن» کارشناسی تأکید دارد. این بدان معنا است که کارشناسان باید از حوزه جغرافیایی محل وقوع حادثه، ملک، یا مورد ارزیابی انتخاب شوند. این رویکرد ریشه در ضرورت دسترسی آسان، کاهش هزینه‌های سفر و ایاب و ذهاب، و بهره‌گیری از دانش محلی دارد. همچنین، پرداخت دستمزد به صورت علی الحساب به کانون کارشناسان یا مرکز مربوطه، شفافیت مالی را تضمین می‌کند.

در حوزه کارشناسان دریایی، که اغلب با دعاوی مرتبط با بنادر، کشتی‌ها، و امور دریانوردی سروکار دارند، این ماده انتخاب را به حوزه‌هایی محدود می‌کند که بنادر در آنها واقع شده‌اند. برای مثال، در بندری مانند بندرعباس یا چابهار، کارشناسان باید از همان منطقه انتخاب شوند. با این حال، در مراکز بزرگتر مانند تهران، که بیش از ۲۰٪ کارشناس مجرب دریایی وجود دارد، این ماده امکان بهره‌برداری از این منابع را سلب می‌کند. این محدودیت می‌تواند در پرونده‌های پیچیده، که برای بررسی آن تخصص بالا ضروری است، مشکل‌ساز شود.

مزایای انتخاب کارشناس محلی مطابق با ماده ۴

انتخاب کارشناسان از محل وقوع، مزایای متعددی دارد

که عمدتاً بر کارایی و عدالت قضایی تمرکز دارد. در ادامه به برخی از این مزایا اشاره می‌شود:

۱. کاهش هزینه‌ها و تسهیل فرآیند:

کارشناسان محلی نیاز به سفرهای طولانی ندارند، که این امر هزینه‌های کارشناسی را کاهش می‌دهد. در پرونده‌های دریایی، که ارزیابی میدانی (مانند بررسی کشتی یا بار) ضروری است، حضور سریع کارشناس محلی می‌تواند زمان رسیدگی را کوتاه کند. این مزیت به‌ویژه در بنادر پرترافیک، که تأخیر می‌تواند خسارات اقتصادی ایجاد کند، برجسته است.

۲. بهره‌گیری از دانش محلی و فرهنگی:

کارشناسان محلی اغلب با شرایط جغرافیایی، قوانین محلی، و حتی روابط اجتماعی منطقه آشنا هستند. در امور دریایی، این دانش می‌تواند شامل شناخت از شرایط آب و هوایی بنادر، مقررات محلی دریانوردی، یا حتی روابط تجاری محلی باشد. این امر دقت ارزیابی را افزایش می‌دهد و احتمال خطاهای ناشی از ناآشنایی با محیط را کاهش می‌دهد.

۳. پیشگیری از تمرکز قدرت و ترویج عدالت جغرافیایی:

با الزام به انتخاب محلی، از تمرکز کارشناسان در مراکز بزرگ مانند تهران جلوگیری می‌شود. در مناطق کمتر توسعه‌یافته، این رویکرد می‌تواند فرصت‌های شغلی برای کارشناسان ایجاد کند و عدالت در توزیع کار

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ماده ۴ نظام‌نامه تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری، با تأکید بر انتخاب محلی، مزایایی مانند کاهش هزینه‌ها، بهره‌گیری از دانش محلی، و ترویج عدالت جغرافیایی ارائه می‌دهد. با این حال، به عنوان مثال در حوزه کارشناسان دریایی، اشکالاتی مانند محدودیت دسترسی به متخصصان مجرب، احتمال تعارض منافع، و عدم انعطاف‌پذیری برجسته است.

این چالش‌ها می‌تواند کیفیت کارشناسی را کاهش دهد و فرآیند قضایی را پیچیده کند. برای بهبود، پیشنهاد می‌شود که نظام‌نامه با افزودن استثنائات برای پرونده‌های تخصصی (مانند امور دریایی) بازنگری شود. به عنوان مثال، اجازه انتخاب از مراکز ملی مانند تهران در موارد پیچیده، یا ایجاد شبکه‌ای از کارشناسان ملی برای حمایت از مناطق محلی. همچنین، تقویت آموزش و افزایش تعداد کارشناسان در بنادر می‌تواند تعادل ایجاد کند.

در نهایت، این ماده نشان‌دهنده تعادل بین کارایی محلی و کیفیت تخصصی است، که نیاز به رویکردی پویاتر در سیستم قضایی دارد. ماده ۴ نظام‌نامه تعرفه کارشناسان رسمی دادگستری با هدف تمرکز بر کارشناسی محلی تدوین شده است، اما در دعاوی تخصصی پیچیده همچون امور دریایی، اجرای مطلق آن ممکن است مانع بهره‌گیری از ظرفیت‌های کارشناسی ملی شود. اصلاحات حقوقی و اجرایی در این زمینه می‌تواند به ارتقای کیفیت کارشناسی و تحقق بهتر عدالت در دعاوی دریایی منجر شود. به طور کلی در جهت بهبود، راهکارهای زیر جهت اجرا پیشنهاد می‌شود:

- تأکید بر استفاده از کارشناسان محل وقوع حادثه/ شکایت حذف شود.
- تأکید بر استفاده از هیئت کارشناسی با حضور یکی از کارشناسان باصلاحیت سراسر کشور، در ترکیب هیئت کارشناسی.
- اصلاح ماده ۴ با لحاظ دعاوی تخصصی: پیشنهاد می‌شود در دعاوی تخصصی مانند دریایی، امکان انتخاب کارشناس خارج از محل وقوع فراهم شود.
- تدوین آیین‌نامه مکمل: آیین‌نامه‌ای که شرایط استثنایی انتخاب کارشناس خارج از محل را مشخص کند.
- تقویت آموزش و جذب کارشناس در بنادر: افزایش ظرفیت کارشناسی در مناطق بندری از طریق آموزش و جذب نیروهای متخصص.

کارشناسی را تقویت نماید. در بنادر کوچکتر، این ماده می‌تواند به توسعه تخصص محلی کمک کند و وابستگی به مراکز شهری را کاهش دهد.

۴. کاهش احتمال تعارض منافع در مقیاس بزرگ:

در حالی که این مزیت نسبی است، انتخاب محلی می‌تواند از دخیل شدن کارشناسان با روابط گسترده ملی و یا بین‌المللی در پرونده‌های حساس جلوگیری کند، که این امر شفافیت را افزایش می‌دهد. به طور کلی، این مزایا ماده ۴ را به عنوان ابزاری برای کارآمدسازی سیستم قضایی توجیه می‌کنند، به ویژه در پرونده‌های روزمره که تخصص محلی کافی است.

اشکالات و چالش‌های انتخاب کارشناس محلی

با وجود مزایا، ماده ۴ در عمل با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که می‌تواند کیفیت کارشناسی را تحت تأثیر قرار دهد. این چالش‌ها به ویژه در حوزه‌های تخصصی مانند امور دریایی که تعداد کارشناسان محدود است، برجسته است:

۱. محدودیت دسترسی به کارشناسان مجرب:

در بنادر با جمعیت کمتر، تعداد کارشناسان دریایی ممکن است کم باشد یا تخصص آنها کافی نباشد. در مقابل، تهران با بیش از ۲۰ کارشناس مجرب، منبع غنی‌تری ارائه می‌دهد. ماده ۴ این امکان را سلب می‌کند، که می‌تواند منجر به کارشناسی ناکافی در پرونده‌های پیچیده شود. برای مثال، در دعاوی بین‌المللی دریایی، نیاز به دانش فنی پیشرفته (مانند مهندسی کشتی یا حقوق دریایی) ممکن است در بنادر محلی تأمین نشود.

۲. احتمال تعارض منافع و روابط شخصی:

در مناطق کوچکتر مانند برخی بنادر، کارشناسان ممکن است با ذی‌نفعان (مانند شرکت‌های کشتیرانی و یا مقامات محلی) روابط مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشند. این امر می‌تواند بیطرفی را زیر سؤال ببرد. تجربه نشان می‌دهد که برخی قضات به همین دلیل ترجیح می‌دهند کارشناسان را از تهران انتخاب کنند، چرا که فاصله جغرافیایی می‌تواند استقلال را افزایش دهد.

۳. عدم انعطاف‌پذیری در پرونده‌های تخصصی:

پرونده‌های مرتبط با دعاوی در امور دریایی اغلب فراجغرافیایی هستند و ممکن است به کارشناسانی نیاز داشته باشند که تجربه ملی یا بین‌المللی داشته باشند. محدودیت ماده ۴ می‌تواند فرآیند قضایی را کند کند، زیرا در صورت نبود کارشناس محلی مناسب، ممکن است نیاز به استثنائات یا تجدیدنظر باشد. این مسئله در بنادری با جمعیت کم، که کارشناسان ممکن است بیش از حد بار کاری داشته باشند، تشدید می‌شود.

۴. تأثیر بر کیفیت کلی عدالت:

در بلندمدت، این محدودیت می‌تواند منجر به نابرابری در کیفیت کارشناسی بین مناطق شود. مراکز بزرگ مانند تهران می‌توانند کارشناسان به‌روزتری داشته باشند که از آموزش‌های پیشرفته بهره‌مند هستند، در حالی که بنادر دورافتاده ممکن است از این مزیت محروم بمانند. این اشکالات نشان می‌دهد که ماده ۴، در حالی که برای کارایی طراحی شده، اما ممکن است در حوزه‌های پیچیده تخصصی نیاز به بازنگری داشته باشد تا انعطاف‌پذیری بیشتری را فراهم کند.



بررسی حقوقی محدودیت جغرافیایی

در تعرفه دستمزد کارشناسی مصوب ۱۴۰۲

و تعارض آن با اصول قانون اساسی و قانون کارشناسان رسمی دادگستری

تعرفه دستمزد کارشناسی رسمی دادگستری مصوب ۱۴۰۲ و اصلاحات بعدی آن، به ویژه ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۱۱، با ایجاد محدودیت‌های جغرافیایی برای فعالیت کارشناسان و مداخله در فرآیند انتخاب کارشناس توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، آثار مهمی بر حقوق مکتسبه کارشناسان و آزادی انتخاب مردم بر جای گذاشته است. این مقاله با تکیه بر اصول قانون اساسی، قوانین عادی، آیین‌نامه‌های اجرایی و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، به نقد حقوقی این مقررات پرداخته و نشان می‌دهد که اقدامات مزبور، خارج از حدود اختیارات قوه قضاییه بوده و واجد ماهیت «تقنین» است که صرفاً در صلاحیت قوه مقننه است. علاوه بر آن، پیامدهای تبعیض آمیز این محدودیت‌ها و آثار مخرب آن بر نظام کارشناسی کشور مورد تحلیل قرار گرفته و راهکار اصلاحی پیشنهاد می‌شود.

انتظامی در امور کارشناسی، به این قوه اعطا نکرده است. ایجاد محدودیت جغرافیایی برای کارشناسان رسمی و الزام اشخاص به انتخاب کارشناس از محل وقوع موضوع کارشناسی، ماهیتاً قانون‌گذاری است و وضع چنین قواعدی بدون نص قانونی، خروج از حدود صلاحیت ذاتی قوه قضاییه محسوب می‌شود.

قاعده تنصیمی و لزوم وجود نص صریح برای تقیید حقوق اشخاص

قاعده فقهی تنصیمی که در امور حقوقی کاربرد دارد، تصریح دارد که محدود کردن حقوق اشخاص و یا ایجاد حق جدید، تنها با نص صریح قانون امکان‌پذیر است. ماده ۴ تعرفه دستمزد:

الف- حق متقاضی کارشناسی را در انتخاب کارشناس متخصص و مورد وثوق بدون هیچ مبنای قانونی محدود کرده است؛
ب- حقوق مکتسبه کارشناسان را در بهره‌مندی از صلاحیت کشوری محدود کرده است؛
ج- برخلاف نظام‌نامه مصوب سال ۱۳۸۵ شورای عالی کارشناسان، که صلاحیت کارشناسان را کشوری می‌دانست، محدودیت جدیدی بدون وجود نص یا مجوز قانونی ایجاد کرده است. چنین مقرره‌ای بدون پشتوانه قانونی، تعرض به

بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه متولی احیای حقوق عامه، گسترش عدل، و نظارت بر حسن اجرای قوانین است. با وجود این، صلاحیت قانون‌گذاری مطابق اصول ۷۱ و ۵۷ قانون اساسی منحصرأ بر عهده قوه مقننه است. در سال ۱۴۰۲ تعرفه جدید دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری تصویب و ابلاغ شد که ماده ۴ آن محدودیت جغرافیایی برای انتخاب کارشناس ایجاد کرده است. این محدودیت با اعتراض گسترده کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و برخی مراجع حقوقی و حقوقدانان مواجه شده است. هدف این مقاله، بررسی علمی و مستدل ابعاد حقوقی این مقررات و تضاد آن با قوانین بالادستی است.

تعارض ماده ۴ تعرفه دستمزد با اصول قانون اساسی

مطابق اصل ۴ قانون اساسی، همه مقررات باید منطبق با موازین اسلامی باشد و بر اساس اصل ۷۱، تنها مجلس شورای اسلامی حق وضع قانون دارد. از سوی دیگر، اصل ۱۵۶ صلاحیت‌های قوه قضاییه را منحصر به فصل خصومت، احیای حقوق عامه و اجرای عدالت و نظارت بر حسن اجرای قوانین کرده و اختیارات تقنینی برای ایجاد قواعد امره جدید، از جمله محدودیت‌های حقوقی و وضع ضمانت اجرای



مهدی لایق گیلگو

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
مهندسی آب



که کارشناسان رسمی، تابع محدودیت جغرافیایی نیستند و چنین محدودیتی فاقد پشتوانه قانونی است.

ملاحظات قضات در ارجاع کارشناسی

در بسیاری از پرونده‌های مهم، قضات محترم دادگاه‌ها ترجیح می‌دهند، کارشناسان مورد وثوق خود را از خارج از محل وقوع دعوا انتخاب کنند تا به این ترتیب:

الف- اصل بیطرفی در اظهارنظر کارشناسی حفظ شود؛

ب- تعارض منافع احتمالی کاهش یابد؛

ج- کیفیت کارشناسی ارتقا یابد.

در این صورت، محدودیت جغرافیایی، سبب محدودیت دایره اختیار قضات محترم برای انتخاب کارشناسان می‌شود و در نهایت موجب تقلیل دقت در کارشناسی‌های حساس خواهد شد.

تحلیل حقوقی تبصره ۱ ماده ۱۱ و ورود شورای عالی به امور اجرایی

تبصره ۱ ماده ۱۱ اصلاحی، شورای عالی کارشناسان را وارد فرآیند انتخاب کارشناس می‌کند؛ حال آنکه طبق ماده ۷ قانون کانون، این شورا صرفاً نقش سیاست‌گذاری، نظارت و ارتقای علمی کارشناسان را دارد و هیچ‌گونه اختیاری در انتخاب کارشناس یا امور اجرایی ندارد. این اقدام، خلاف نص قانون و مغایر با فلسفه وجودی شورای عالی است.

حقوق مکتسبه و مغایر با اصول و قواعد حقوقی حاکم بر نظام اداری کشور است.

حدود اختیارات قوه قضاییه در ماده ۲۹ قانون کانون کارشناسان رسمی

ماده ۲۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، به قوه قضاییه صرفاً اختیار تعیین تعرفه دستمزدها را داده و هیچ‌گونه مجوزی برای محدود کردن دایره انتخاب متقاضی؛ تقلیل صلاحیت جغرافیایی کارشناسان؛ و دخالت در نحوه انتخاب کارشناس را نداده است.

از آنجا که قانون‌گذار به صراحت چنین محدودیتی را پیش‌بینی نکرده است، وضع آن توسط دستورالعمل یا تعرفه، خارج از حدود اختیارات و نوعی قانون‌گذاری محسوب می‌شود.

منع تبعیض و عدم جواز محدودیت جغرافیایی

محدودسازی حوزه فعالیت کارشناسان رسمی برخلاف اصول عدالت اداری و ممنوعیت تبعیض است. همان‌گونه که وکلا، سردفتران، پزشکان و مهندسان، هیچ محدودیت جغرافیایی در ارائه خدمات حرفه‌ای ندارند، کارشناسان رسمی نیز نباید به صورت تبعیض‌آمیز محدود شوند.

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۳۱۲۴ مورخ ۹ مرداد ۱۳۷۲ نیز به صراحت اعلام می‌کند

عدم قابلیت استناد به تبصره ۲ ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری

استناد معاونت محترم حقوقی سابق قوه قضاییه در صدر نامه شماره ۵۰۰۰/۲۱۴۵۲/۹۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ خطاب به ریاست محترم کانون تهران، نسبت به تبصره ۲ ماده ۱۵۶ آیین دادرسی کیفری جهت توجیه محدودیت جغرافیایی دارای ایراد حقوقی به شرح ذیل است:

الف- صرفاً ناظر بر بازپرس و تسریع در انجام تحقیقات مقدماتی است؛

ب- ویژه پرونده‌های کیفری است و به موجب اصل تفسیر مضیق، قابل تسری به امور حقوقی یا اقدامات غیرقضایی نیست؛

ج- به موجب نظریه مشورتی ۷/۷۸۸۰ مورخ ۲۰ دی ۱۳۸۳ قابل اعمال در ارجاعات غیرقضایی نیست.

همچنین، قانون کانون کارشناسان رسمی قانون خاص است و آیین دادرسی کیفری عام و قانون عام نمی‌تواند قانون خاص را تخصیص بزند.

پیامدهای اجرای مقرر فاقده پشتمانه قانونی

اجرای محدودیت جغرافیایی بدون مبنای قانونی، اول اینکه موجب بلا تکلیفی نهادهای صنفی کارشناسان می‌شود. دوم اینکه، امکان احراز تخلف انتظامی را مخدوش می‌سازد. سوم اینکه، زمینه تضییع حقوق عامه در انتخاب آزاد کارشناس متخصص را فراهم می‌سازد. چهارم اینکه، این امر برخلاف اهداف قوه قضاییه در احیای حقوق عامه است.

چالش‌های ساختاری ناشی از عملکرد غیرشفاف کمیسیون ماده ۱۳

یکی از مهمترین عوامل شکل‌گیری نابسامانی‌های اخیر، به‌ویژه تخلف‌انگاری اجرای قرار کارشناسی در موضوع ایجاد محدودیت جغرافیایی، که در مصوبه شماره ۷۸۸۵/ش/۳۰ مورخ ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ شورای عالی کارشناسان تحت عنوان بند ۸ ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری تلقی شده است، رفتارهای سلیقه‌ای، غیرشفاف و فاقده پشتمانه حقوقی کمیسیون صلاحیت اخلاقی موضوع ماده ۱۳ قانون کانون در فرآیند احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات ارکان کانون‌ها و عضویت در شورای عالی کارشناسان است. عملکرد این کمیسیون، که بدون اعلام دلایل رد صلاحیت، بدون امکان تجدیدنظرخواهی و بدون وجود هر گونه مرجع نظارتی صورت می‌گیرد، عملاً زمینه‌ساز تأثیرپذیری از لابی‌ها و جریان‌های غیررسمی شده و در نتیجه، از ورود افراد خیره، توانمند، خوشنام، متخصص، باتجربه و پاکدست به ارکان کانون‌ها و شورای عالی جلوگیری می‌کند. به بیان دیگر، محروم شدن نظام کارشناسی از ظرفیت‌های علمی و تجربی این افراد، کیفیت اداره امور کارشناسی کشور را به نحو جدی آسیب‌پذیر ساخته است.

در مقابل، حضور افراد کم‌تجربه و کم‌اطلاع از قانون کانون کارشناسان رسمی و ناآشنا با جایگاه حقوقی، وظایف و تکالیف کارشناسان رسمی، زمینه‌ساز تصویب نظام‌نامه‌ها و مصوباتی شده است که اولاً خلاف قانون هستند، دوم اینکه موجب سلب حقوق کارشناسان رسمی می‌شوند و یا منجر به ایجاد

محدودیت‌های ناروا و غیرقانونی می‌شوند.

این روند، در نهایت به افت کیفیت خدمات کارشناسی، ایجاد فضای غیررقابتی، و بروز انحراف در اداره نظام کارشناسی کشور انجامیده است و استمرار آن با فلسفه وجودی قانون کانون کارشناسان رسمی، اصول حقوق عمومی و الزامات عدالت اداری سازگار نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

توجه به اصول قانون اساسی، قوانین موضوعه، نظریات مشورتی معتبر و قواعد مسلم حقوق عمومی، مقررات ناظر بر ایجاد محدودیت جغرافیایی برای کارشناسان رسمی دادگستری فاقد هرگونه وجهت قانونی است و به طور آشکار، ناقض حقوق مکتسبه کارشناسان، مغایر حق انتخاب آزادانه کارشناس برای مردم و قضات، و متضمن تضییع حقوق عامه است. استمرار چنین مقرراتی نه تنها بر کیفیت خدمات کارشناسی اثر منفی دارد، بلکه موجب بی‌عدالتی اداری و ایجاد فضای غیررقابتی و ناصحیح در نظام کارشناسی کشور می‌شود.

از سوی دیگر، مشکلات ساختاری ناشی از عملکرد غیرشفاف و سلیقه‌ای کمیسیون ماده ۱۳، به‌ویژه در فرآیند احراز صلاحیت نامزدهای ارکان کانون‌ها و شورای عالی، نقش قابل توجهی در شکل‌گیری وضعیت موجود دارد. فقدان اعلام دلایل رد صلاحیت، نبود امکان تجدیدنظر، نبود مرجع نظارتی و تأثیرپذیری از لابی‌ها سیب شده است که افراد توانمند، متخصص و پاکدست عملاً از چرخه مدیریت کارشناسی کنار گذاشته شوند؛ امری که نتیجه آن تصویب مصوباتی خلاف قانون و محدودکننده حقوق کارشناسان است. بر این مبنای، اجرای مجموعه‌ای از اقدامات اصلاحی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است:

- برگزاری جلسه تخصصی با حضور نمایندگان کارشناسان رسمی و صاحب‌نظران حقوق عمومی برای بررسی دقیق مبانی حقوقی، آثار و تبعات محدودیت‌های جغرافیایی و ارائه راهکارهای اصولی؛
 - اصلاح ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۱۱ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی با هدف انطباق کامل آن با قوانین بالادستی و جلوگیری از تفسیرهای سلیقه‌ای و محدودکننده؛
 - بازنگری بنیادین در فرآیندهای کمیسیون ماده ۱۳ و ایجاد سازوکار شفاف، مستند، قابل نظارت و متضمن حق تجدیدنظر برای حفظ سلامت انتخابات ارکان کانون‌ها و شورای عالی؛
 - تدوین دستورالعمل جدید و جامع مبتنی بر اصول حقوق عمومی، به گونه‌ای که هیچ‌گونه محدودیت غیرقانونی یا ناروا بر حق انتخاب کارشناس توسط مردم، و نیز حق ارجاع پرونده توسط قضات، تحمیل نشود.
- اجرای این اقدامات، گامی اساسی در جهت ارتقای کیفیت و اعتبار حرفه کارشناسی رسمی، تضمین عدالت اداری، احیای حقوق عامه، و تحقق منویات عالی قوه قضاییه در اجرای صحیح و بیطرفانه قانون خواهد بود و می‌تواند مسیر بازگشت به حکمرانی قانون‌مدار و رویکرد حرفه‌ای و شفاف در نظام کارشناسی کشور را هموار سازد.



یک قاعده و دو بحران

تحلیل حقوقی و اخلاقی محدودیت جغرافیایی انتخاب کارشناس رسمی

مقرر «ماده ۴» تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری در سال ۱۴۰۲، که انتخاب کارشناس را منحصر به «کارشناسان محل وقوع مورد ارزیابی» می‌کند، نظم حاکم بر یکی از ارکان تخصصی دستگاه قضایی را با چالشی دوجوهی روبه‌رو ساخته است. از یک سو، این قاعده از منظر حقوق عمومی و قوانین شکلی، مورد مناقشه جدی است و از سوی دیگر، در بستر واقعیت‌های اقتصادی و حرفه‌ای کشور، موجی از اعتراض و نارضایتی را در میان جامعه کارشناسی برانگیخته است. این نوشتار در پی آن است که با واکاوی این دو بُعد، علاوه بر اشاره به ضعف بنیان‌های حقوقی این مقرره، ملاحظات اخلاقی و حرفه‌ای این مسئله را در نظر بگیرد و در نهایت، راهکاری متعادل را برای خروج از وضعیت کنونی ارائه کند.



حامد خاجانی

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته راه
وساختمان

«مورد وثوق بودن» و «دارا بودن صلاحیت در رشته مربوط» ذکر کرده و هیچ قیدی درباره محل اقامت کارشناس نیابوده است. حتی قانون‌گذار، حق انتخاب «کارشناس مرضی الطرفین» را به رسمیت شناخته که بر اراده آزاد اصحاب دعوا تأکید دارد. در امور کیفری، ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز انتخاب کارشناس توسط بازپرس را «از بین کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط» مقرر کرده است. تبصره ۲ همین ماده، تنها در صورت فقدان کارشناس در حوزه، انتخاب از حوزه مجاور یا استفاده از اهل خبره را مجاز می‌شمارد. این خود مؤید آن است که اصل، عدم محدودیت جغرافیایی است. بنابراین، ماده ۴ تعرفه، عملاً اختیارات قانونی دادگاه و بازپرس را تخصیص زده و حق صریح طرفین دعوا را نادیده می‌گیرد.

۱-۳- نقض حقوق مکتسبه

صلاحیت کشوری کارشناسی رسمی، مجوز قانونی فعالیت در سراسر کشور است و براساس ارزیابی‌های دقیق صلاحیت‌های علمی، تجربی و اخلاقی صادر می‌شود. این صلاحیت، یک حق اکتسابی تحت حمایت قانون است. سلب یا تضییق دامنه این حق، تنها از طریق مجرای صحیح تقنینی (تصویب قانون جدید در مجلس) امکان‌پذیر است. ایجاد محدودیت ناگهانی

۱-۱- بُعد نخست: نقد حقوقی؛ قاعده‌ای فراتر از صلاحیت

۱-۱- تجاوز از صلاحیت تفویض شده

از منظر حقوقی، قاعده مندرج در ماده ۴ تعرفه، فاقد مشروعیت لازم و در تعارض با سلسله مراتب قوانین است. مبنای قانونی وضع تعرفه دستمزد، منحصراً ماده ۲۹ قانون تشکیل کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ است. این ماده به صراحت، اختیار مرجع تصویب‌کننده را محدود به «پیشنهادهای تصویب تعرفه دستمزد» کرده و هیچ اشاره‌ای، حتی ضمنی، به اختیار وضع مقررات ماهوی یا شکلی درباره چگونگی انتخاب کارشناس ندارد. بنابراین، گنجاندن حکمی که برای «کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی» تکلیف جدیدی را ایجاد می‌کند، مصداق بارز «تجاوز از صلاحیت» و نقض اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی است. وضع یک قاعده آمره جغرافیایی، ذیل مفهوم تقنین قرار می‌گیرد که طبق اصل ۷۱ قانون اساسی، از اختیارات انحصاری قوه مقننه است.

۱-۲- تعارض آشکار با قوانین آیین دادرسی

این مقرره، آشکارا با متن و روح قوانین عالی‌تر آیین دادرسی نیز ناسازگار است. در امور مدنی، ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، معیار دادگاه برای انتخاب کارشناس را صرفاً

از طریق یک مقرره، حقوق کارشناسانی را که سال‌ها بر اساس قواعد پیشین سرمایه‌گذاری حرفه‌ای کرده‌اند، نقض می‌کند.

۲- بعد دوم: ملاحظات اخلاقی و واقعیت‌های اقتصادی

فراتر از بحث حقوقی، این قاعده در بستر اقتصادی و اجتماعی کشور، بحران‌های عینی و مسائل اخلاقی عمیقی را پدید آورده است. در رأس ذینفعان نظام کارشناسی، مردم قرار دارند که باید از خدمات کارشناسی دقیق و قابل اعتماد بهره‌مند شوند. سلامت چرخه اقتصادی کشور نیز مستلزم ارزیابی درست دارایی‌های ملی است؛ هرچه این ارزیابی‌ها کیفیت و صحت بالاتری داشته باشند، شفافیت و امنیت مبادلات اقتصادی بیشتر تضمین می‌شود. بخش قابل توجهی از عملکرد موفق قوه قضائیه در تحقق عدالت، به کیفیت کارشناسی‌ها وابسته است. از سوی دیگر، صاحبان صنایع و مالکان اموال که به کارشناس مراجعه می‌کنند، انتظار دریافت بهترین خدمات ممکن را دارند. در این میان، خود کارشناسان نیز به عنوان ارائه‌دهندگان خدمات تخصصی، همچون دیگر اصحاب حرفه، خواهان فضایی منصفانه برای فعالیت هستند؛ بخشی از این انتظار، به دریافت حق الزحمه‌ای متناسب با تخصص و تجربه آنان مربوط می‌شود. بر این اساس، نظام کارشناسی کشور باید چارچوبی فراهم آورد که در آن، ضمن حفظ حقوق عمومی و دستیابی به بالاترین کیفیت در ارزیابی دارایی‌های ملی و تحقق عدالت، فرصت‌های برابر برای همه کارشناسان دارای صلاحیت یکسان ایجاد شود.

۲-۱- اعتراض شهروندی‌ها: عدالت توزیعی و حق «آب و گل»

تمرکز دفتر مرکزی غالب هلدینگ‌های اقتصادی و شرکت‌های بزرگ در تهران، باعث شده تا درخواست‌های کارشناسی پروژه‌های بزرگ ملی (نظیر پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، کارخانه‌های عظیم و پروژه‌های عمرانی) که عمدتاً در شهرستان‌ها واقع شده‌اند، از طریق کانون استان تهران و توسط کارشناسان این کانون انجام شود. از نگاه کارشناسان شهرستانی، این روند ناعادلانه است و حق «آب و گل» آنان را نقض می‌کند. آنان استدلال می‌کنند که: اولاً، در شهرستان‌ها نیز کارشناسان با صلاحیت و مورد وثوق وجود دارند.

دوماً، ارزش املاک و پروژه‌های متعارف در تهران به مراتب بالاتر از شهرستان است و براساس تعرفه درصدی، حق الزحمه کارشناسی در تهران به صورت معمول بیشتر از شهرستان‌ها است. از این رو، محروم شدن از پروژه‌های بزرگ صنعتی محل خود، در حالی که کارشناسان تهرانی برای انجام این پروژه‌ها نیز حق الزحمه‌های خوبی دریافت می‌کنند، به احساس تبعیض ساختاری و توزیع ناعادلانه فرصت‌های اقتصادی دامن زده است.

«این احساس محرومیت، ریشه در یک ملاحظه اخلاقی مهم دارد: «انصاف در تقسیم منافع ملی.» منابع پروژه‌های ملی در جغرافیای سراسر کشور پراکنده‌اند و انتظار مشروع جوامع محلی (از جمله جامعه کارشناسی آنان) این است که سهمی منصفانه از مواهب اقتصادی این پروژه‌ها ببرند.»

۲-۲- حق کارشناسان تهرانی: صلاحیت محوری و سرمایه انسانی متراکم

با این حال، نادیده گرفتن موقعیت کارشناسان تهرانی نیز منصفانه و کارشناسی نیست. تهران به عنوان پایتخت، طی دهه‌ها شاهد تمرکز سرمایه انسانی متخصص بوده است. بسیاری از کارشناسان تهرانی دارای تحصیلات عالی و تجارب بالا هستند. در بسیاری از تخصص‌ها مانند سازه‌های دریایی، معادن خاص و صنایع پیشرفته، کارشناسان دارای صلاحیت توانمندی در تهران حضور دارند. ایجاد محدودیت جغرافیایی برای انجام کارشناسی، در حالی که بسیاری از صنایع بزرگ و ملی خارج از استان تهران قرار دارند، علاوه بر این که موجب تضییع حق کارشناسان تهرانی می‌شود، موجب کاهش کیفیت کارشناسی در پرونده‌های پیچیده نیز خواهد شد و به اصل صلاحیت محوری در این حرفه آسیب می‌زند. نکته متناقض دیگر این است که در حالی که کارشناسان تهرانی از انجام کارشناسی خارج از استان منع شده‌اند، شمار قابل توجهی از کارشناسان سایر استان‌ها که دارای صلاحیت کشوری هستند، در محاکم قضایی تهران فعال بوده و ابلاغیه دریافت می‌کنند.

۲-۳- ملاحظات اخلاقی محاکم: شکاف بین نیت قانون و واقعیت اجرا

در حالی که به نظر می‌رسد ماده ۴ تعرفه با نیت ایجاد فرصت‌های برابر وضع شده، شایسته است محاکم قضایی خود نیز در ارجاعات کارشناسی، به اصل عدالت توزیعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای اشخاص ذی صلاح عاملیت داشته باشند. در عمل، شاهد توزیع ناعادلانه پرونده‌ها حتی درون یک استان هستیم؛ به گونه‌ای که برای محدودی از کارشناسان، پرونده‌های متعددی طی سال ابلاغ می‌شود و برای بسیاری دیگر، تعداد ارجاعات بسیار محدود و انگشت‌شمار است. این امر نشان می‌دهد که ممکن است قاعده محدودیت جغرافیایی، به هدف خود (توزیع عادلانه فرصت) به شکل مناسبی دست نیابد و تنها به جابه‌جایی انحصار از یک گروه به گروه دیگر بینجامد!

۳- راهکار پیشنهادی: از بن بست جغرافیایی به سمت نظام سازی هوشمند

برای خروج از وضعیت فعلی که میان حقوق مردم، صلاحیت کارشناسی و عدالت توزیعی شکاف ایجاد کرده است، باید از دوگانه سازی کاذب «تهران در برابر شهرستان» گذر کرد. راه حل، تدوین یک نظام جامع و مبتنی بر معیارهای چندگانه است که بتواند به شکل همزمان به سه دغدغه کیفیت کارشناسی، عدالت در توزیع فرصت‌ها و حاکمیت قانون پاسخ دهد.

۳-۱- حذف ماده ۴ و تدوین نظام رتبه‌بندی کارشناسان

اساسی‌ترین پیشنهاد برای خروج از معضل جغرافیایی، حذف نهایی ماده ۴ محدودکننده و اقدام به تدوین نظام ملی رتبه‌بندی کارشناسان و کارهای کارشناسی است. در این نظام، کارشناسان بر اساس معیارهای عینی و شفاف چون سطح تحصیلات، صلاحیت‌های اخذ شده، کیفیت کارهای



می‌نماید، پیشنهاد دیگر، اصلاح متن ماده ۴ است. پیشنهاد می‌شود متن مذکور به این شکل تغییر کند: «در انتخاب کارشناس، اولویت با کارشناسان دارای صلاحیت در محل وقوع مورد ارزیابی است. با این حال، در موارد زیر، انتخاب کارشناس از خارج از محل، با ذکر دلیل، مجاز است:

- فقدان کارشناس دارای صلاحیت لازم در محل؛
- درخواست متقاضی و یا تراضی طرفین پرونده برای انتخاب کارشناس خاص؛
- تصمیم مرجع قضایی، به منظور تأمین بهترین کیفیت کارشناسی یا رعایت مصلحت پرونده.»

این تغییر، هم حق اولیه کارشناسان محلی را به رسمیت می‌شناسد و هم شرایط قانونی انعطاف‌پذیر برای استثنای موجه را فراهم می‌آورد.

کارشناسی و سابقه و مدت فعالیت رتبه‌بندی می‌شوند. از طرف دیگر، کارهای کارشناسی نیز بر اساس پیچیدگی فنی، حجم، حساسیت و ارزش مالی در رده‌های متفاوت قرار می‌گیرند. در این صورت انتخاب کارشناس توسط متقاضی و ارجاعات کارشناسی در دادگاه با صحت و کیفیت بیشتری انجام می‌پذیرد. این مکانیسم، انجام کارشناسی را فارغ از اینکه محل وقوع مورد ارزیابی و محل اقامت کارشناس کجاست، به سمت تناسب صلاحیت سوق می‌دهد. به این ترتیب ضمن تضمین کیفیت، رقابت سالم و ارتقای مستمر شایستگی‌ها در سطح ملی تشویق می‌شود.

۲-۳- اصلاح ماده ۴ و گذر از «اجبار» به «اولویت»

با چشم‌پوشی از اشکالات حقوقی ماده ۴ و با پذیرش این مطلب که اصلاح سازوکار ارجاع کارشناسی ضروری

نتیجه‌گیری

ماده ۴ تعرفه ۱۴۰۲، هرچند با انگیزه پاسخ به یک دغدغه واقعی (توزیع ناعادلانه فرصت‌ها) تصویب شده، اما با انتخاب ابزاری نادرست (مقرره فاقد صلاحیت) و روشی ناکارآمد (اجبار جغرافیایی مطلق)، نه تنها آن دغدغه را به درستی حل نکرده، بلکه بحران‌های جدید حقوقی و اخلاقی آفریده است. راه برون‌رفت، کنار گذاشتن نگرش بخشنامه‌ای و محدودکننده و حرکت به سمت حکمرانی هوشمند است. نظام مطلوب در نحوه انتخاب و انجام کارشناسی، نظامی است که سه رکن اساسی را همزمان در نظر بگیرد:

- حاکمیت قانون و صلاحیت‌محوری (با محوریت قوانین آیین دادرسی و احترام به اختیارات قضات)
- اخلاق حرفه‌ای و کیفیت‌گرایی (با حفظ جایگاه رفیع تخصص و تعهد به عنوان معیار نهایی اعتماد عمومی)
- عدالت توزیعی و برابری فرصت‌ها (با به رسمیت شناختن حق جوامع محلی برای بهره‌مندی از مواهب پروژه‌های خود)

تحقق این نظام، نیازمند گفت‌وگوی ملی بین ذی‌نفعان (کانون‌های استانی، شورای عالی کارشناسان، مراجع قضایی، نمایندگان مجلس و جامعه حقوقی) است تا با اصلاح قانونی و تدوین آیین‌نامه‌های کارشناسی شده، به جای حکم اجبار، چارچوبی انگیزشی و شفاف ایجاد شود. سلامت نهاد کارشناسی رسمی، که بازوی تخصصی تحقق عدالت است، در گرو پاسداری از استقلال، تخصص و انصاف به طور همزمان است.



بازنگری ماده ۴ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری از تحدید جغرافیایی تا جست و جوی راهکار میانه

ابلاغ تعرفه دستمزد کارشناسان با اصلاحات سال ۱۴۰۲، به‌ویژه الزام انتخاب کارشناس صرفاً از «محل وقوع مورد ارزیابی» در ماده ۴، چالشی اساسی در نظام کارشناسی ایجاد کرده است. این اصلاحیه که با هدف توزیع عادلانه کار صورت گرفته، بدون بررسی جامع لوازم اجرایی و پیامدهای حقوقی، منجر به چالش‌هایی از جمله تعارض با قوانین بالادستی، نقض حقوق مکتسبه کارشناسان دارای صلاحیت کشوری، ایجاد بن‌بست در رسیدگی به پرونده‌های ملی و تضعیف تخصص‌های نادر شده است. با توجه به حساسیت دیوان عدالت اداری نسبت به تجاوز مراجع صنفی از حدود صلاحیت تقنینی، این نوشتار با پذیرش نسبی انگیزه اصلاحیه و با استناد به تجارب موفق گذشته (مانند ارزیابی بانک‌های نظامی)، مدلی ترکیبی مبتنی بر «سطح‌بندی پرونده‌ها» و «همکاری بین‌استانی» را به عنوان راهکاری میانه و اجراپذیر پیشنهاد می‌دهد و الحاق تبصره‌ای جامع به ماده ۴ را ضروری می‌داند.

انتقال نیرو، ریل و آب که از چند استان عبور می‌کند، تعیین کارشناس بیطرف عملاً غیرممکن می‌شود. این مشکل در مورد اموال منقول و غیرمنقول ملی نیز بروز می‌کند؛ مانند ارزیابی کشتی در آب‌های سرزمینی یا هواپیماهای در حال پرواز، که طبق این مقرر، صلاحیت استان ارزیاب نامشخص است. آیا پروژه‌های ملی عظیم در صنایع نفت، گاز و فولاد نیز صرفاً توسط کارشناسان بومی محل، احداث، طراحی و راهبری شده‌اند که ارزیابی آنها منحصراً به همان افراد واگذار شود؟ حصر جغرافیایی صلاحیت‌ها، پیش از آن که به حقوق کارشناسان تراز اول لطمه بزند، منافع ملی را تضییع می‌کند.

مشکل دیگر، تعارض آشکار با اختیارات قاضی در ارجاعات قضایی است. این ماده، اختیار دادگاه را برای انتخاب کارشناس براساس مصلحت پرونده و ضرورت کشف حقیقت محدود می‌سازد. این امر به‌ویژه در پرونده‌های حساسی که اصحاب دعوای محلی حضور دارند و بیطرفی کارشناس بومی محل تردید است، مشکل‌زا خواهد بود.

از پیامدهای ناگوار دیگر، نابودی تخصص‌های نادر است. کارشناسان حوزه‌های تخصصی کم‌کاربرد اما حیاتی (مانند ماشین‌آلات خاص، معادن یا هوافضا و...) که پروانه خود را عمدتاً از تهران دریافت کرده‌اند، با اعمال محدودیت جغرافیایی، عملاً با بی‌کاری اجباری مواجه می‌شوند که به معنی از دست رفتن سرمایه تخصصی کشور است.

همچنین، این ماده منجر به پیچیدگی اداری و عدم صرفه اقتصادی می‌شود. ارزش‌گذاری یک هلدینگ ملی با دارایی‌های پراکنده در استان‌های مختلف، ناچار باید به ده‌ها کانون مختلف ارجاع داده شود. این رویه نه تنها

بخش اول: واکاوی ابعاد مغایرت‌های حقوقی و اجرایی

الف) تعارض‌ها با نظام حقوقی کشور

طبق ماده ۷ قانون کارشناسان، صلاحیت شورای عالی کارشناسان، محدود به سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط فنی و پیشنهاد تعرفه است. ماده ۴ تعرفه ۱۴۰۲ از این چارچوب فراتر رفته و با ایجاد یک الزام عام و محدودیت جغرافیایی برای تمامی اشخاص، در حکم «قانون‌گذار فرعی» است. آرای دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبه‌های مشابه، سابقه‌ای روشن برای چالش‌پذیری این‌گونه مقررات ایجاد کرده است.

الزام اجباری به انتخاب کارشناس از حوزه جغرافیایی خاص، با اصل ۲۲ قانون اساسی (مصونیت اموال) و اصل ۴۴ (آزادی فعالیت بخش خصوصی) در تعارض است. این حکم، آزادی مالک در انتخاب متخصص مورد اعتماد برای اموال پراکنده در سطح کشور را سلب کرده و محدودیتی غیرضروری بر دسترسی به خدمات کارشناسی تحمیل می‌کند.

اعطای «صلاحیت کشوری» به بسیاری از کارشناسان، بر اساس قانون و نظام‌نامه‌های مصوب و پس از سال‌ها فعالیت، حق مکتسبه محسوب می‌شود. اعمال محدودیت جغرافیایی جدید به صورت عطفی، این حق را نقض می‌کند. هر گونه تغییر باید ناظر به آینده و کارشناسان جدیدالورود باشد.

ب) موانع اجرایی و پیامدهای قابل تأمل

اجرای ماده ۴ با موانع عملی متعددی روبه‌رو است که پیامدهای گسترده‌ای دارد. یکی از این موانع، ایجاد بن‌بست در رسیدگی به پرونده‌های ملی و فرااستانی است. برای نمونه، در اختلافات حوزه‌های آبریز بین‌استانی یا ارزش‌گذاری شبکه‌های ملی (مانند خطوط



سید مهدی حسینی

عضو هیئت رئیسه
گروه راه و ساختمان و
نقشه‌برداری

مقتضایان به تخصص مورد نیاز.

خوشبختانه، تجارب گذشته (مانند ارزیابی موفق بانک‌های نظامی، سینا و پارسیان با مشارکت کانون‌های سراسر کشور) نشان می‌دهد که روحیه همکاری بین‌استانی نه تنها ممکن است، بلکه می‌تواند به الگویی کارآمد، سریع‌تر و مبتنی بر انصاف تبدیل شود. این تجارب ثابت می‌کند که مشکل توزیع ناعادلانه فرصت‌ها را می‌توان با سازوکارهای مشارکتی و بدون ایجاد محدودیت‌های جغرافیایی غیرمنعطف حل کرد.

با این حال، نسخه کنونی ماده ۴ که اجبار جغرافیایی محض را جایگزین تنسيق مشارکت کرده، درمانی بدتر از درد اولیه است. این مقرر به عدم انعطاف ذاتی، نه تنها پروژه‌های ملی و مصلحت‌های فرااستانی را نادیده می‌گیرد، بلکه سرمایه‌انسانی متخصصی را نیز به حاشیه می‌راند که عمدتاً از طریق نظام‌گزينش آموزشی سراسری جذب پایتخت شده‌اند. (براساس مشاهدات میدانی، حدود ۶۵ درصد از کارشناسان استان تهران، اصالتاً تهرانی نیستند و به عنوان نخبگان استان‌های خود در پایتخت کشور مقیم شده‌اند.) این امر، بی‌اعتنایی به واقعیت شکل‌گیری طبیعی کانون‌های تخصصی در مرکز کشور و نادیده گرفتن حق اشتغال این متخصصان در پروژه‌هایی است که مهارت‌شان پاسخگوی نیاز آنها است.

غیرعملی است، بلکه مانعی جدی در مسیر سرمایه‌گذاری‌های بزرگ محسوب می‌شود. اجرای ناهمگون این قانون نیز به تضعیف کانون‌های مستقل و تقویت نهادهای موازی انجامیده است. شواهد میدانی نشان می‌دهد، مقتضایانی که با محدودیت از سوی کانون‌های استان‌ها روبه‌رو می‌شوند، به طور مستقیم به «کارشناسان مرکز قوه قضاییه» مراجعه می‌کنند؛ نهادی که ملزم به رعایت شدید این محدودیت جغرافیایی نیست. این امر در بلندمدت می‌تواند به افول مالی و اعتبار کانون‌های مستقل بینجامد. درنهایت، همه این عوامل، پدیده مهاجرت سرمایه‌های انسانی متخصص را تشدید می‌کند. محرومیت از معیشت و عدم امکان بهره‌گیری از انباشت تجربه، کارشناسان دارای صلاحیت کشوری در رشته‌های خاص را به سمت بخش خصوصی و یا خارج از کشور سوق می‌دهد.

بخش دوم: در جست‌وجوی راهکار میانه: پذیرش منطق، نقد روش

نگرانی شورای عالی از تمرکز نامتوازن کارهای بزرگ در استان‌های خاص (به‌ویژه تهران) و تضييع حقوق مالی کارشناسان سایر استان‌ها، یک نگرانی موجه است. با این حال، پاسخ به این نگرانی مشروط بر رعایت دو اصل بنیادین دیگر است: حفظ کیفیت مطلوب کار کارشناسی؛ و صیانت از حق دسترسی

بخش سوم: پیشنهاد راهکار اجرایی: الحاق تبصره جامع به ماده ۴

ماده ۴ تعریفه ۱۴۰۲ با نادیده گرفتن پیچیدگی اقتصاد ملی، تنوع تخصصی و اقتضائات پرونده‌های کلان، راه‌حلی ساده، اما پرهزینه برای مسئله توزیع فرصت‌های شغلی برگزیده است. حقوق مکتسبه کارشناسان، اختیارات قضات و کارایی نظام قضایی و اقتصادی، قربانیان این ساده‌اندیشی هستند. راه برون‌رفت، نه در بازگشت به وضعیت پیشین و نه در اصرار بر اجرای کامل این ماده، بلکه در یافتن نقطه تعادل از طریق الگویی منعطف است. تجربه موفق همکاری گذشته بین کانون‌ها نشان می‌دهد که با تدبیر و تصویب مقرراتی کارشناسی‌شده، می‌توان هم از حقوق کارشناسان همه استان‌ها حمایت کرد و هم مانع از ایجاد رکود در رسیدگی به پرونده‌های بزرگ ملی شد. زمان آن فرارسیده که به جای تقابل، همکاری و به جای اجبار جغرافیایی محض، تنسيق مشارکت مبتنی بر تخصص و انصاف را سرلوحه اصلاح آیین‌های کارشناسی قرار دهیم. پیشنهاد می‌شود با الحاق یک تبصره کارشناسی‌شده، هم به دغدغه توزیع عادلانه و هم به ضرورت کارایی ملی پاسخ داده شود. این تبصره می‌تواند چنین باشد: «مفاد این ماده در مواردی که موضوع کارشناسی دارای ماهیت فرااستانی یا ملی و یا کثیرالشاکی باشد، یا تخصص مورد نیاز در استان محل وقوع ملک یا موضوع کارشناسی موجود نباشد، و همچنین در مواردی که مرجع قضایی به مصلحت نظام قضایی و کشف حقیقت یا به درخواست مقتضای تأیید نماید، لازم‌الرعايه نخواهد بود.

برای کارشناسی کارهای مرکب که بخشی از آن ماهیت محلی و بخش دیگر ماهیت ملی یا فرااستانی دارد، پیشنهاد می‌شود که سازوکار «سطح‌بندی و همکاری» براساس پیچیدگی و گستردگی موضوع، به شرح زیر اجرا شود:

پرونده‌های محلی و کاملاً استانی: این دسته، مطابق روح حاکم بر ماده ۴ فعلی، به کانون استان محل وقوع مال یا موضوع ارجاع می‌شود.

پرونده‌های ملی یا فرااستانی: این پرونده‌ها توسط یک «کانون محور» (کانون استان محل دفتر مرکزی مقتضای یا کانون دارای بیشترین سهم موضوع) مدیریت کلان می‌شود. این کانون موظف است با ایجاد کارگروه تخصصی مشترک، از همکاری اجباری و ساختاریافته کارشناسان و کانون‌های تمام استان‌های ذی‌نفع بهره‌برد.

پرونده‌های مرکب (ترکیبی از سطوح فوق): برای این پرونده‌ها، مدیریت یکپارچه و تقسیم کار بر عهده «کانون هماهنگ‌کننده» خواهد بود. این کانون می‌تواند کانون استان محل اقامت مقتضای اصلی یا کانونی باشد که توسط شورای عالی به این منظور تعیین می‌شود.

نقش شورای عالی: در این مکانیسم پیشنهادی، نقش شورای عالی از یک مداخله مستقیم در فرآیندها، به نقشی نظارتی، تسهیلگر و حل‌کننده اختلافات میان کانون‌ها ارتقا می‌یابد. این نقش جدید که بر سیاست‌گذاری کلان، نظارت بر کیفیت و تضمین عدالت در فرآیند همکاری‌ها استوار است، با مأموریت ذاتی و اختیارات قانونی این شورا همخوانی کامل دارد.



ماده ۴ تعرفه منشأ قانونی ندارد

ارزیابی پروژه‌های ملی و فرااستانی خدمات کارشناسی ارائه کرده‌اند که ریاست محترم شورای عالی به طور قطع در جریان برخی از آنها بوده است. در خصوص دستورالعمل و آیین‌نامه اجرایی نحوه تعیین کارشناس برای دستگاه‌های اجرایی و بخشنامه‌های ابلاغی خزانه‌دار محترم کل کشور به شماره ۵۱/۱۱۱۷۵۸ مورخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ و ۵۱/۶۱۸۵۶ مورخ ۲۳ تیر ۱۴۰۴ یک نکته ضروری به نظر می‌رسد که در مجموعه بخشنامه‌های ابلاغی خزانه‌دار محترم کل کشور نفاذ یا اثباتاً اشاره‌ای به محدودیت‌های جغرافیایی فعالیت کارشناسی نشده است. در مورد نظام‌نامه توسعه حوزه جغرافیایی و فعالیت خدمات کارشناسی شماره ۳/۷۱۸۵/ش/۳ مصوب ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ مصوبات شورای عالی در صورتی که مغایر با قانون نباشد، لازم‌الاتباع است. لذا از آنجا که دستورالعمل و نظام‌نامه قدرت معارضه با قانون را ندارد و به نظر می‌رسد این مدیریت مصوبه فوق فاقد انطباق با قانون بوده و تنظیم و تنسيق امور کانون تهران را با مشکلات اساسی مواجه کرده است، به اختصار به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم:

شورای عالی کارشناسان به یک باره با تصویب نظام‌نامه مذکور حقوق مکتسبه صلاحیت کشوری، قریب هزار و ۵۰۰ نفر کارشناس در سطح کانون کارشناسان رسمی استان تهران و هزاران کارشناس دیگر در سطح سایر استان‌ها را نادیده گرفته و ضمن عدم تعیین تکلیف برای حقوق مکتسبه کارشناسان از نظام‌نامه‌های قبلی با تخلف‌انگاری، رویه مرسوم و معروف قبلی، وضعیت جدیدی ترسیم کرده، بدون اینکه تکلیف را با نظام‌نامه‌های قبلی روشن کرده باشد. در این وضعیت اگر حقوق مکتسبه با نظام‌نامه‌های قبلی معتبر است که سلمنا، و اگر این نظام‌نامه خود را عطف به ماسبق نموده است؛ بر چه مبنای حقوقی چنین اختیاری برای خود قایل شده و حقوق مکتسبه کارشناسان با صلاحیت کشوری را که سال‌ها پیش کسب نموده‌اند، محدود کرده است و حال آنکه محدود کردن حقوق اشخاص نیاز به نص قانونی دارد.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان‌ها از جمله کانون استان تهران، همواره خود را ملزم به رعایت قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های شورای عالی کارشناسان، البته در چارچوب قانون کارشناسان و قوانین بالادستی، می‌دانند. آنچه در ارجاع پرونده‌های کارشناسی در کانون استان تهران مدنظر است، نه عدول از قانون، بلکه اجرای دقیق‌تر آن با در نظر گرفتن تمامی ابعاد قانونی و کارشناسی است. تاکنون سه نظام‌نامه در خصوص حوزه جغرافیای خدمات کارشناسی در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۸۵، ۲۱ آذر ۱۳۹۷ و ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ نگاشته شده، اما در تفسیر ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۱۱ باید به زمان تدوین و ابلاغ ماده مربوطه توجه داشت که نظام‌نامه صلاحیت جغرافیایی مصوب ۲۱ آذر ۱۳۹۷ کماکان به قوت خود باقی بوده است. لذا تعبیر منطقی از ماده ۴ در مورد «کارشناسان محل وقوع ملک» کارشناسانی هستند که در محل وقوع ملک صلاحیت ارزیابی را داشته‌اند و با عنایت به نظام‌نامه سابق کارشناسان با صلاحیت کشوری در هر منطقه‌ای در کل کشور که موضوع کارشناسی وقوع داشته، صلاحیت داشته‌اند. لذا تکلیف اشخاص حقیقی و حقوقی در انتخاب کارشناس که منظور نظر ماده ۴ بوده، روشن است. بنابراین فی‌الحال هرگونه تفسیر موسع از ماده مذکور و انتساب آن به ریاست محترم قوه قضاییه فاقد وجاهت استنادی است و جنبه نظر شخصی دارد و هکذا منظور نظر از «کانون مرکز استان مربوط» و «کارشناسان استان محل کارشناسی» در تبصره ۱ ماده ۱۱ که در سیاق پیش گفته و در زمان بقای نظام‌نامه قبلی شامل کارشناسان دارای صلاحیت در تمامی استان‌های کشور می‌شود. ضمن اینکه اصولاً این پرسش مطرح است که آیا اساساً تعرفه دستمزد کارشناسان جایگاه و ظرفیت اعمال چنین محدودیت‌هایی را دارد، یا خیر؟ آن هم دستورالعملی که راجع به تنظیم روابط مالی کارشناسان و برخورداری از خدمات آنها است؛ که البته بحث جداگانه و مستوفایی می‌طلبد. با عنایت به تفسیر فوق، تا قبل از تاریخ تصویب نظام‌نامه شماره ۳/۷۱۸۵/ش/۳ مورخ ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ بسیاری از همکاران با صلاحیت کشوری کماکان به

۲

در ماده ۱۱ نظام‌نامه و در کمال تعجب و به نحوی بی‌سابقه نسبت به دو نظام‌نامه قبلی و در راستای تخلف‌انگاری، بند ۸ ماده ۲۶ قانون را که ناظر به صلاحیت فنی و حرفه‌ای کارشناسان است، تسری به صلاحیت حوزه جغرافیایی فعالیت کارشناس داده است و به یک باره در مسند جایگاه اعضای دادگاه انتظامی نشسته و مداخله در تشخیص تطبیق موضوع با یکی از بندهای ماده ۲۶ کرده است که در نوع خود بدیع و نوآورانه و به صورت غیرمتعارفی سختگیرانه است و اصولاً اینکه این تخلف با کدام یک از بندهای ماده ۲۶ تطبیق دارد، در صلاحیت اعضای دادگاه انتظامی است؛ ولو فرض اگر تخلف‌انگاری هم شود، تطبیق آن با کدام بند ماده ۲۶ است، محل اختلاف نظر است. در جای دیگر و در ماده ۹ چون سیاق نظام‌نامه را مخالف با رویه قضایی و علی‌الخصوص مفهوم «ماده ۲۵۸ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» و «ماده ۱۸ قانون کارشناسان رسمی دادگستری» یافته است، به ناچار قایل به استننا شده است.

در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که در رویه جاری دادگاه‌ها و دادرسی‌های انتظامی، آیا اگر کارشناس صلاحیت فنی اظهار نظر نداشته باشد، با دستور دادگاه مجاز به اظهار نظر خارج از صلاحیت خواهد بود؟ و مشمول تعقیب انتظامی نخواهد بود؟

لذا پرواضح است که تجویزات ماده ۹ حکایت از این دارد که این دو از یک جنس نیستند و تخلف‌انگاری ایچینی و به یک باره صلاحیت جغرافیایی را لباس صلاحیت حرفه‌ای بر تن نمودن و در مقام دادگاه و دادرسی انتظامی نشستن، خارج از اختیارات قانونی شورا و فریقانونی است و موجب اعمال تضییقاتی فراتر از قانون بر کارشناسان خواهد بود.

از طرفی در ماده ۱۱ عدم رعایت نظام‌نامه را که اطراف متعددی از جمله هیئت مدیره استان‌ها و کارشناسان و محاکم و خود شورای عالی را دارد، بدون توجه به تطابق با اطراف، متصف به انجام کارشناسی خارج از صلاحیت و مشمول بند ۸ ماده ۲۶ دانسته که خود حکایتی دارد و ذکر مشروح آن را به وقت دیگری موکول می‌کنیم.

۳

وضعیت توصیفی توسط نظام‌نامه فوق و این تصور که سیاق پیش‌بینی شده در نظام‌نامه برای متقاضیان امر کارشناسی هم لازم‌الاتباع است و کانون تهران می‌تواند ایشان را به چند استان هدایت کند، منطبق با واقعیت بیرونی نیست. متقاضیانی را که سال‌ها از خدمات کانون تهران بهره برده‌اند و عموماً مالکیت و مدیریت پروژه‌های ملی و فرااستانی در چندین استان را در دست دارند و تمامی دفاتر و ادارات مرکزی آنها در تهران استقرار یافته و اصولاً به لحاظ محدودیت‌های زمانی و کیفی تمایلی

به مراجعه به چندین کانون استانی را ندارند؛ با سردرگمی و اختلال در ارزیابی‌های قانونی ادواری مواجه کرده است؛ به طوری که اگر کانون تهران کار ارزیابی را تقبل نکند، به طور قطع به کانون‌های استانی مراجعه خواهند کرد. با این حال و در کمال تعجب، ماده ۴، متقاضی را که مدیران هلدینگ‌های صاحب ثروت چند ده همتی است؛ فاقد قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری تصور کرده است. لذا تصور اینکه متقاضی فاقد اختیار و قدرت تصمیم‌گیری است و مطابق نظام‌نامه‌ها ما می‌توانیم او را به هر سویی هدایت کنیم، اساساً غیر واقع‌بینانه است و موجب تضعیف جایگاه کل کانون‌ها و اضرار به کانون مورد مراجعه و تضییع حقوق حاکمیت اراده متقاضی خواهد شد.

۴

در حال حاضر، کارشناسان با صلاحیت کشوری در محاکم تهران مشغول فعالیت هستند و بر اساس اطلاعات اخذ شده از امور مالی کانون تهران، در سال ۱۴۰۳ بالغ بر ۱۱۰ میلیارد تومان دستمزد دریافت کرده‌اند. از این نظر، کمال امتنان و افتخار است که همکاران سایر استان‌ها با صلاحیت کشوری در حال ارائه خدمات به دستگاه قضا در استان تهران هستند. حال با این وصف آیا ماده ۹ نظام‌نامه اصولاً قابل اجرا و پیاده‌سازی است؟ از ایجاد اطاله در دادرسی فعلاً می‌گذریم، ولو اینکه فرض کنیم در صورت صرف هزینه بسیار، فراز پایانی ماده ۹ را محقق کرده‌ایم، اما با اطلاعات به دست آمده چه خواهیم کرد؟ با متخلفان چه خواهیم کرد؟ از تفرقه‌افکنی و کدورت‌های ایجاد شده فعلی بین جامعه کارشناسی که از آثار این نظام‌نامه است، فعلاً صرف نظر می‌کنیم. اما آیا ورود کانون تهران در این وادی موجب وهن نظامات تصویبی نیست؟ بررسی تبیین آثار زیانبار این ماجرا به بدنه کارشناسی کل کشور را به وقت دیگری موکول می‌کنیم.

در پایان قابل ذکر است؛ در وضعیت ایجاد شده کنونی، امتناع کانون تهران از انجام درخواست متقاضیان با املاک کشوری به هیچ وجه به معنی مراجعه متقاضی به کانون‌های استانی نیست و کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران خود را موظف به پاسخگویی و صیانت از حقوق بالغ بر هزار و ۵۰۰ نفر کارشناس عضو خود با صلاحیت کشوری می‌داند و تنها نتیجه تداوم چنین تعارضاتی ایجاد اختلاف و افتراق فی‌ما بین کارشناسان و کانون‌های استان‌ها با یکدیگر است. لذا به جهت هم‌افزایی و استفاده از ظرفیت کل کارشناسان کشور، به پیشنهاد ارائه شده کانون کارشناسان استان تهران به شورای عالی اشاره می‌شود.





عضو هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران مطرح کرد:

همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی» فرصتی برای تحول

حامد خانجانی / عضو هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران ضمن تشریح انگیزه و اهداف برگزاری همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی»، تأکید کرد که یکی از اهداف اصلی همایش، تقویت فرهنگ انتقال تجربه در بین کارشناسان است. دکتر پیمان وهاب کاشی، همچنین به بیان منافع و دستاوردهایی پرداخت که از محل برگزاری این همایش، متوجه کانون کارشناسان، جامعه کارشناسی، نهادهای متولی و عموم مردم خواهد بود. وی در بخش دیگری از اظهارات خود، چالش‌ها و کمبودهای موجود در مسیر برگزاری همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی» را مطرح کرد و خواستار همکاری و همراهی هر چه بیشتر کارشناسان و نهادهای دستگاه‌های ذی‌نفع برای برگزاری هر چه بهتر و مؤثرتر این همایش شد. به گفته معاون امور آموزش، پژوهش و امور کارشناسان کانون استان تهران، برگزاری این همایش و انجام فعالیت‌های مشابه، به برون‌رفت از مشکلات کنونی کمک می‌کند و با نگاهی توسعه‌محور، موجب تحول نظام کارشناسی و خروج از دیدگاه‌ها و روش‌های منسوخ و سنتی حاکم بر آن می‌شود. مشروح این گفت‌وگو در پی می‌آید.

و بهره‌گیری از خرد جمعی می‌توان نسبت به اصلاح ساختار کنونی اهتمام داشت؛ در عین حال ظرفیت‌های نهفته و درونی کانون که برای جامعه بیرونی ناشناخته است، به نحوی معرفی و آشکار شود. یعنی در مجموعه‌ها، دستگاه‌ها و نهادهایی که با کانون در ارتباط هستند و عموم جامعه و قاطبه مردم که کارشناسان را فقط در جایگاه اظهارنظر در پرونده‌های قضایی می‌شناسند، این آگاهی ایجاد شود که فعالیت کارشناسان محدود به محاکم قضایی نیست و کار کارشناسی نباید به اظهارنظر در پرونده‌های قضایی محدود شود؛ بلکه این پتانسیل باید در عرصه‌های دیگر به خدمت گرفته شود و دیگران را مشتاق کنیم تا از ظرفیت جامعه کارشناسی برای مشاوره در بسیاری از امور دیگر هم بهره بگیرند. شاید دیگر تکرار و یادآوری این موضوع لازم نباشد که بگوییم چند نفر از اعضای هیئت علمی، چند نفر از مدیران ارشد، چند نفر از وزرا و... به عنوان شخصیت‌های برجسته و مهم، در کانون کارشناسان حضور دارند و یا متوسط سابقه و تجربه اعضای کانون چند سال است. در واقع، حالا دیگر وقت گسترش عرصه فعالیت و بهره‌گرفتن از این پتانسیل و ظرفیت انباشته است و باید وارد عرصه عملیاتی

■ آقای دکتر وهاب کاشی، لطفاً درباره انگیزه و اهداف برگزاری همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی» توضیح دهید.

همایشی که در پیش رو داریم، از چند جنبه می‌تواند حائز اهمیت باشد. ایده برگزاری همایش از ابتدای امسال شکل گرفت. آقای دکتر تیموری، رییس هیئت مدیره کانون کارشناسان استان تهران، پیشنهاد برگزاری همایش را مطرح کردند. سپس با ملحق شدن چند نفر از همکاران به وی، از جمله اینجانب که افتخار همراهی پیدا کردم، موضوع برگزاری همایش پس از تبادل نظر قطعی شد. پس از آن، شورای سیاست‌گذاری با دعوت از همکاران علاقه‌مند، توانمند و فعال که تجربه برگزاری همایش‌های مشابه را داشتند، تشکیل یافت که از زمان شکل‌گیری تاکنون ۲۴ جلسه آن برگزار شده است.

ایده برگزاری همایش با این رویکرد مطرح شد که با توسعه و تحول امور اجتماعی در شئون مختلف فردی و جمعی، نظام کارشناسی نیز باید متحول شود و با نگاهی توسعه‌محور، خود را از وضعیت حاضر که در آن دیدگاه‌ها و روش‌های قدیمی و سنتی حاکم است، خارج کند. در این راستا با ایجاد زمینه‌ای برای انتقال تجربه



دامنه فعالیت کارشناسی می‌تواند به قبل از بروز اختلافات، شکل‌گیری دعوی و تشکیل پرونده‌ها در محاکم گسترش یابد. کارشناسان می‌توانند با ارائه مشاوره‌های تخصصی در زمان عقد قراردادها، خرید و فروش اموال، بروز مشکلات فنی در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف به جامعه خدمت‌رسانی کنند



د

یکی از اهداف
همایش، انتقال
تجارب کارشناسی
است. در جریان
برگزاری پنل‌های
تخصصی
پیش‌بینی
شده و در حین
ارائه مقالات
پذیرفته‌شده
در همایش،
انتقال تجارب و
درس‌آموخته‌ها
صورت می‌گیرد

زمینه انتقال تجربه خساست به خرج داده‌اند. چون در مقطعی از زمان، مزیت و برتری یک کارشناس در این بود که درخصوص یک موضوع خاص تنها صاحب‌نظر باشد و کارشناسان دیگر، توانایی کارشناسی درباره آن موضوع را نداشته باشند. از این رو، یکی از اهداف اصلی همایش، تقویت فرهنگ انتقال تجربه در بین کارشناسان است. در عین حال ضمن برگزاری پنل‌های تخصصی پیش‌بینی شده و در حین ارائه مقالات پذیرفته شده در همایش، انتقال تجارب و درس‌آموخته‌ها نیز صورت می‌گیرد.

■ پس درواقع می‌توان گفت که در همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی» نه تنها توسعه حرفه کارشناسی و خدمات کارشناسی کانون، بلکه توسعه دانش کارشناسان هم مدنظر است؟ همینطور است. بحث این است که این توسعه در چند بُعد می‌تواند اتفاق بیفتد. توسعه فردی هم یک بخشی از اهداف همایش است. یک مجموعه، زمانی ارتقا و توسعه پیدا می‌کند که اجزای آن هم متناسب با آن بزرگ شوند. نمی‌توان توقع داشت که یک مجموعه توسعه یابد، در حالی که اجزای آن رشد و تکامل نداشته باشند.

شویم. باید دامنه فعالیت کارشناسی به قبل از بروز اختلافات، شکل‌گیری دعاوی و تشکیل پرونده‌ها در محاکم گسترش یابد. کارشناسان می‌توانند با ارائه مشاوره‌های تخصصی در زمان عقد قراردادها، خرید و فروش اموال، بروز مشکلات فنی در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف، به جامعه خدمت‌رسانی کنند. در عین حال خود جامعه کارشناسان نیز از توسعه فعالیت کارشناسی منتفع می‌شود. مسئله دیگری که برگزاری این همایش را ضروری می‌نماید، این است که به طور کلی، مرور گذشته کانون نشان می‌دهد که در کانون کارشناسان، رویکرد انتقال تجربه کم‌رنگ بوده و روش‌های مدون برای جمع‌آوری اطلاعات و به اشتراک گذاشتن آنها وجود نداشته است. عمدتاً حسب آن که در کارهای هیئتی، همکاران با سابقه با همراهی کارشناسان جوان‌تر، کارشناسی‌های مشترک انجام داده‌اند و یا در جلسات عمومی هم‌اندیشی تبادل نظر نموده‌اند؛ تجارب کارشناسی انتقال یافته است. به نسبت سابقه و قدمت فعالیت کارشناسی در کشور، تعداد کتب و مقالات منتشرشده مرتبط با موضوعات کارشناسی، ناچیز و غیرقابل قبول است. حتی بعضی از کارشناسان با سابقه، برای آنکه دانسته‌هایشان در انحصار خودشان باقی بماند، در



یکی از نقدهایی که از سوی برخی همکاران بیان می‌شود، این است که کانون کارشناسان در حال حاضر با همه گرفتاری‌ها و مشکلات جدی که دارد، چرا به دنبال برگزاری همایش است؟ اما به عقیده من، برگزاری این همایش و فعالیت‌های مشابه به برون‌رفت ما از مشکلات کنونی کمک می‌کند.

■ **درخصوص توسعه حرفه کارشناسی و خدمات مشاوره، منظورتان این است که کارشناسان به صورت فردی و یا در قامت یک مؤسسه‌ای که خدمات مشاوره کارشناسی ارائه می‌دهند، فعالیت کنند؟**

ارائه خدمات مشاوره کارشناسی می‌تواند در قالب شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد. می‌توان با یک سازماندهی خوب و ایجاد یک بستر مناسب، از خدمات مشاوره‌ای همکاران برای آحاد جامعه استفاده کرد. در بحث داوری می‌توان فعالیت‌های بسیاری انجام داد که اکنون به صورت محدود است. اینها مستقل از مباحث روزمره است. وقتی از توسعه حرف می‌زنیم، به این معنا است که باید از کادر و چارچوب فعلی، خارج و وارد فعالیت‌هایی شویم که در توان مجموعه کارشناسان است؛ ولی به آنها پرداخته نشده و یا کمتر پرداخته شده است. به این ترتیب، زمینه ارائه خدمات به جامعه، گسترش و انتفاع جامعه کارشناسی افزایش می‌یابد.

■ **آیا برای این منظور، نظام‌نامه، شیوه‌نامه و یا طرحی جهت تنظیم و تدوین در نظر دارید؟**

در حال حاضر، رویکرد نخستین همایش ملی توسعه نظام کارشناسی رسمی، گام برداشتن در این مسیر است که بتواند با تنویر اذهان، ظرفیت‌های مکنون در جامعه کارشناسی را نزد ذی‌نفعان آشکار کند، تا جامعه کارشناسی با شکستن پوسته فعلی و توسعه دامنه خدمات و فعالیت خود، بخشی از مسیر توسعه عمومی جامعه را هموار سازد.

به طور قطع، تحقق این هدف نیاز به مقدماتی دارد. اگر مجموعه‌های تأثیرگذار بیرونی و ذی‌نفعان خدمات کارشناسی، در این مسیر همراهی کنند و این همایش بتواند آنها را در پذیرش نیاز به این تحول، دگرگونی و تغییر نگرش به امور کارشناسی مجاب کند، قدم بزرگی برداشته شده است.

■ **آیا نهادهای مرتبط و موازی مثل قوه قضاییه، کانون‌های کارشناسی سایر استان‌ها، کانون وکلای دادگستری و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه، در برگزاری این همایش با کانون کارشناسان رسمی**

■ **استان تهران همکاری دارند؟**

نخستین بار است که در سطح کشور چنین همایشی برگزار می‌شود. به طور قطع، در پیل‌های تخصصی این همایش، از کانون کارشناسان سایر استان‌ها، از کانون وکلا، مجموعه قضات و افراد ذی‌سمت در قوه قضاییه دعوت به عمل خواهد آمد تا موضوعات کارشناسی، از جهات مختلف و نگاه‌های متفاوت به بحث گذاشته شود. یعنی به طور یک‌طرفه و صرفاً از نگاه درونی، به مباحث کارشناسی پرداخته نمی‌شود. اما این که یک نهاد مرتبط، کانون تهران را در امور اجرایی این همایش یاری کند، پاسخ منفی است.

■ **آیا ارتباط موثری با این نهادها برای مشارکت در برگزاری همایش برقرار شده است؟**

کما بیش تعاملاتی با نهادهای مرتبط برقرار شده، اما لازم است که بیشتر برای این منظور وقت گذاشته شود؛ چون در واقع نفع و فایده برگزاری این همایش که به مصادیق آن اشاره شد، متوجه عموم جامعه است و صرفاً مربوط به نظام کارشناسی نیست. به عبارتی، اگر بتوان حیطه فعالیت کارشناسی را گسترش داد و در بحث ارائه مشاوره‌ها به درست خدمت‌رسانی نمود، میزان اختلافات و تعداد پرونده‌های قضایی و زحمت محاکم در رسیدگی به پرونده‌های قضایی کاهش می‌یابد. یعنی احتمال می‌رود که از هر پنج مورد اختلاف حاضر در پرونده‌های قضایی، سه پرونده در محکمه تشکیل شود و در دو مورد با ارائه مشاوره‌های درست کارشناسی، قبل از بروز اختلاف و ورود به مرحله تشکیل پرونده قضایی، موضوع حل شود. یعنی بتوانیم حداقل از ۴۰ درصد از اقامه دعوای محاکم جلوگیری کنیم. امید است این نگاه درست در دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با کارشناسی به وجود آید تا با ورود به این عرصه و کمک به برگزاری هر چه قوی‌تر همایش پیش‌رو و حمایت از این رویداد ملی، پایه‌گذار یک تحول اثربخش در آینده کارشناسی رسمی کشور باشند.

■ **در همایش «توسعه نظام کارشناسی رسمی» به طور مشخص به مسائل روز کارشناسی، بحث ماده ۴ نظام‌نامه تعرفه و محدودیت جغرافیایی ایجاد شده برای کارشناسان نیز می‌پردازید؟**

یکی از پیل‌های همایش که احتمالاً من مسئله آن پیل خواهد بود، مربوط به بحث چالش‌های کارشناسی است. یعنی در این پیل آموزه‌ها و تجارب قدیمی و چالش‌های پیش‌رو مرور می‌شود. طبیعی است، یکی از موضوعاتی که می‌تواند

د

برگزاری این همایش، گشایش عرصه‌ای خواهد بود که در آن بتوانیم خارج از موقعیت‌های سیاسی، سمت‌ها و مناسبت‌های سازمانی، ایده‌ها و عقاید ذی‌نفعان امور کارشناسی را در فضایی رسمی و در عین حال صمیمانه و عاری از تنش به بحث و چالش بگذاریم و با استدلال و اتکا به خرد جمعی در مسیر رفع موانع حاضر و توسعه نظام کارشناسی گام برداریم

کانون کارشناسان تهران تجربه می‌شود و به یقین کار آسانی نیست. تا جای ممکن، سعی ما بر آن است تا از نیروهای داخلی کانون در این زمینه کمک بگیریم. واقعیت آن است که حداقل در گام اول یعنی در نخستین همایش، ممکن است جذب حامی مالی چندان با موفقیت همراه نباشد و ناگزیر از محل بودجه مصوب کانون در برگزاری رویدادها هزینه شود. از این رو سعی می‌کنیم با ملاحظه بیشتر و رعایت صرفه و صلاح کانون هزینه کنیم.

معمولاً همایش‌ها به واسطه منابع مالی که توسط حامیان تأمین می‌شود، یا درآمدهایی که از محل برگزاری همایش (از جمله برپایی نمایشگاه‌های جانبی) کسب می‌کنند، برگزار می‌شوند و با توجه به کسب درآمد قابل توجه، بعضاً می‌توانند هزینه‌های گزافی نیز صرف کنند؛ اما در حال حاضر کانون در چنین شرایطی قرار ندارد. از این رو تلاش می‌کنیم که با صرف حداقل هزینه‌ها بتوانیم همایش آبرومندانه‌ای را برگزار کنیم.

■ لطفاً سخنی پایانی را بفرمایید.

ما در مسیر برگزاری این همایش، به همراهی همه همکاران نیاز داریم. با «ایستادن» نمی‌توان به جایی رسید، با «حرکت» است که در نهایت راه درست پیدا می‌شود.

باید حرکت کرد، ولو اینکه مسیری که در آن گام برداشته می‌شود، به دلیل ضعف آگاهی یا محدودیت‌ها، نسبت به راه درست اندکی انحراف داشته باشد؛ به مرور زمان و کسب تجربه و برداشتن موانع، این انحراف نیز از بین می‌رود. مهم حرکت کردن است. سکون مطلق هیچگاه پیشرفتی را به دنبال ندارد.

یکی از نقدهایی که از سوی برخی همکاران بیان می‌شود، این است که در حال حاضر کانون کارشناسان با همه گرفتاری‌ها و مشکلات جدی که دارد، چرا به دنبال برگزاری همایش است. اما به عقیده من، برگزاری این همایش و انجام فعالیت‌های مشابه، به برون‌رفت ما از مشکلات کنونی کمک می‌کند.

برگزاری این همایش، گشایش عرصه‌ای خواهد بود که در آن بتوانیم خارج از موقعیت‌های سیاسی، سمت‌ها و مناسبت‌های سازمانی، ایده‌ها و عقاید ذی‌نفعان امور کارشناسی را در فضایی رسمی و در عین حال صمیمانه و عاری از تنش به بحث و چالش بگذاریم و با استدلال و اتکا به خرد جمعی، در مسیر رفع موانع حاضر و توسعه نظام کارشناسی گام برداریم.

در این پنل مطرح شود، بحث تعرفه دستمزد و این محدودیت‌ها است. هرچند که جایگاه آن می‌تواند در پنل قوانین و بحث ساختار کانون هم لحاظ شود. البته قرار است هماهنگی‌های لازم انجام شود تا در پنل‌ها از طرح موضوعات تکراری جلوگیری شود و ضمن تقسیم کار بین اعضای پنل‌های تخصصی، انسجام بین موضوعات مطرح در پنل‌ها نیز تأمین شود. تنوع عناوین و موضوعات ۶ پنل تخصصی تعریف شده در برگزاری همایش که عنوان هر یک در وبگاه همایش به نشانی hamayesh.karshenasan.ir قابل ملاحظه است، به گونه‌ای است که بتوان ضمن پوشش کافی به موضوعات کارشناسی، تفکیک مورد لزوم را نیز رعایت کرد.

در برخی از پنل‌ها مباحث چالشی کمتر است و بیشتر جنبه آگاهی‌رسانی دارند، مانند پنل «بررسی تجارب بین‌المللی در نظام کارشناسی». در این راستا تلاش می‌شود تا از کارشناسانی که تجربه فعالیت در عرصه کارشناسی کشورهای دیگر را دارند، کمک گرفته شود. به این ترتیب، این پنل بیشتر جنبه آگاهی‌رسانی دارد. یا پنل با عنوان «رویکرد سیستمی در کارشناسی» که به معرفی یک نگاه و طرح نو و جدید می‌پردازد. اما به طور قطع، موضوع برخی از پنل‌های تخصصی همایش چالشی خواهد بود.

ممکن است بسیاری از ذی‌نفعان، حتی قضات و وکلای کانون با مباحثی که مقرر شده در این همایش مطرح شود، آشنا نباشند. از این رو، این همایش عرصه خوبی برای طرح موضوعاتی است که در کارشناسی مسئله‌ساز است. هرچند ممکن است همایش و پنل‌ها در انتها به یک جمع‌بندی قطعی نرسند، اما همین که طرح موضوع می‌شود و در ذهن افراد علامت سوال ایجاد می‌کند، ارزشمند است.

در ادامه راه می‌توان از خروجی همایش، پروژه‌ها و کارهای تحقیقاتی برای حل مسائل تعریف کرد. به عبارتی، طرح مسئله و ایجاد فضای اندیشه درخصوص آن، می‌تواند مسیر حل مسئله را باز کند. در پاره‌ای از موارد هنوز به درستی طرح موضوع و ایجاد مسئله نشده است. به عبارتی، برخی مسائل به درستی تبیین و تدوین نشده‌اند؛ چه رسد به آن که در مسیر راه حل آنها گام برداشته شود. امید است نتایج خوبی از برگزاری همایش حاصل شود.

■ منابع مالی برگزاری این همایش به چه نحو تأمین می‌شود؟

نخستین بار است که برگزاری چنین همایشی در

مسئولیت‌های چهارگانه کارشناسان رسمی دادگستری



عباس میرزایی

دادیار کانون
کارشناسان رسمی
دادگستری استان
تهران

استفاده از نظرهای تخصصی کارشناسان در زمینه‌های مختلف ارتباطات اجتماعی، نظیر تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری برای اداره امور کشورها، تنظیم و تدقیق قوانین مدنی متناسب با فرهنگ کشورها، دادرسی‌ها و رفع خصومت‌ها، و همچنین در موضوعاتی نظیر چگونگی انجام معاملات، توافقات، قراردادهای و بسیاری از امور دیگر، سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد. با رشد فزاینده تکنولوژی و تأثیر آن بر توسعه و پیچیدگی‌های روابط اجتماعی، لزوم اتکای کارشناسان به دانش در زمینه اداره امور جامعه، روز به روز فزونی یافته است. قانون اصول محاکمات حقوقی، از اولین آثار تجددگرایی در ایران در زمان سلسله قاجار است که بعد از جنبش مشروطیت و شکل‌گیری مجلس شورای ملی، در تاریخ ۱۲۹۰ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به موجب آن، به طرفین دعوی حق داده شد تا جهت دفاع از خود، از اطلاعات اهل خبره بهره‌مند شوند.

در سال ۱۳۱۵ با اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات، تنظیم امور مترجمین و سایر اهل خبره و مصدقین، به اداره فنی وزارت دادگستری سپرده شد. در این سال‌ها، اهمیت نظام‌مند نمودن خدمات اهل خبره و کارشناسان در نظام قضایی، به حدی بود که در سال ۱۳۱۷ اولین قانون جامع مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری با ۳۰ ماده به تصویب مجلسین شورای ملی و سنارسید.

قانون کارشناسان مصوب سال ۱۳۱۷ به حدی از جامعیت برخوردار بود که بخش اعظم آن در بازنگری قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۳۹ و حتی در قانون استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۵۸ به قوت خود باقی ماند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در اول آبان ماه سال ۱۳۵۸ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری مشتمل بر ۳۰ ماده و ۹ تبصره به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید و در نهایت، قانون کارشناسان رسمی دادگستری با اصلاحاتی و مشتمل بر ۴۱ ماده و ۳۹ تبصره در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۸۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

هرچند تدوین قوانین موضوعه کارشناسی، مبین ارزش و اهمیت نظرات تخصصی کارشناسان در کشف جرم و کمک به احقاق حقوق عامه است، اما از دیگر سو، جرم‌انگاری انجام‌شده در قوانین مرتبط با کارشناسی، نتیجه حساسیت قانون‌گذار به تخلفات احتمالی کارشناسان و پیشگیری از تأثیرات مخرب تخلفات کارشناسان در دادرسی‌های عادلانه و توسعه عدالت عمومی است.

دادرسی انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری

مطابق ماده ۲۱ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، دادرسی انتظامی هر یک از کانون‌ها، مرجع تعقیب تخلفات انتظامی کارشناسان رسمی حوزه آن کانون هستند. دادستان دادرسی انتظامی هر کانون، از بین کارشناسان رسمی و به وسیله مجمع عمومی آن کانون برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود و دادیاران دادرسی انتظامی از بین کارشناسان رسمی کانون مربوط به پیشنهاد دادستان و تأیید هیئت مدیره آن کانون، به تعداد لازم تعیین می‌شوند.

دادرسی انتظامی پس از رسیدگی به شکایات ارجاعی، در صورتی که عقیده بر تخلف کارشناس (متشاک) داشته باشد، کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت، قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد. قرار منع تعقیب ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ، از طرف شاکی یا رییس هیئت مدیره هر کانون، در دادگاه انتظامی کانون مربوطه قابل اعتراض است و در صورت اعتراض به قرار منع تعقیب، چنانچه دادگاه انتظامی کانون، قرار منع تعقیب را صحیح ندانسته باشد، به موضوع رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌کند.

مطابق تبصره ذیل این ماده، مرجع تعقیب تخلفات انتظامی، اعضای هیئت مدیره و دادستان و بازرسان کانون استان‌ها، دادرسی انتظامی قضات است.

مطابق ماده ۲۲ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، هر گاه تخلف کارشناس رسمی، عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین کیفری را داشته باشد، دادرسی انتظامی کانون مربوطه مکلف است مراتب را برای رسیدگی به جنبه جزایی آن، در اسرع وقت به مراجع قضایی صالح اعلام کند و چنانچه علاوه بر جرایم مزبور، تخلف انتظامی کارشناس محرز باشد، مطابق این قانون و آیین‌نامه‌های آن، به تخلف انتظامی رسیدگی و اقدام لازم را معمول دارد. تصمیم مراجع قضایی در رسیدگی به جنبه کیفری کارشناس، مانع اجرای مجازات‌های انتظامی کارشناسان رسمی نخواهد بود.

مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی تمامی کارشناسان هر استان، مطابق ماده ۲۳ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، دادگاه انتظامی کانون مربوطه است که اعضای آن، یک نفر حقوقدان که حداقل ده سال سابقه کار داشته باشد، به انتخاب رییس قوه قضاییه، رییس هیئت مدیره کانون مربوطه یا یکی از اعضای هیئت مدیره به انتخاب رییس کانون و یک نفر کارشناس رسمی در رشته مربوطه به انتخاب رییس کانون مربوطه هستند که برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و ریاست دادگاه با عضو حقوقدان خواهد بود.

به استناد ماده ۲۴ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، مرجع تجدیدنظرخواهی نسبت به آرای قابل تجدیدنظر، دادگاه تجدیدنظر کارشناسان رسمی مستقر در شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری است و اعضای آن شامل یک نفر حقوقدان با ده سال سابقه کار به انتخاب رییس قوه قضاییه، رییس شورای عالی کارشناسان یا نماینده وی و یک نفر کارشناس در رشته مربوطه به انتخاب شورای عالی کارشناسان هستند.

مسئولیت کارشناسان رسمی

تجویز قانون‌گذار به استفاده از نظرات کارشناسان رسمی مندرج در بسیاری از مواد قانونی از جمله مواد ۲۵۷ الی ۲۶۹ آیین دادرسی مدنی، قانون اجرای احکام، مواد ۱۵۵ الی ۱۶۷ و ماده ۱۲۸ آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین موضوعه، مسئولیت سنگینی را متوجه کارشناسان رسمی دادگستری در کشف جرم و احقاق حقوق عامه کرده است.

انجام دقیق امر کارشناسی، نیازمند تسلط کارشناس به حیطه تخصصی خود و اطلاع کافی از مبانی حقوقی مرتبط با تخصص و حرفه کارشناسی است. ارتقای دانش حقوقی مرتبط با امور کارشناسی به عنوان یکی از ضروریات و با توجه به ماده ۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری و ماده ۴۸ آیین‌نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری، از اهم وظایف شورای عالی کارشناسان و هیئت مدیره کانون‌ها است که با برگزاری مستمر دوره‌های آموزشی و بازآموزی، گردهمایی‌ها و هم‌اندیشی‌ها، برگزاری کمیسیون‌های وحدت رویه و تشکیل کمیته‌های شناخت مشکلات کارشناسی و چاره‌اندیشی زودهنگام برای چالش‌های پیش روی کارشناسی در آینده، متجلی می‌شود.

در راستای انجام وظایف قانونی کارشناسان، کارشناسان رسمی دادگستری دارای چهار مسئولیت عمده (اخلاقی، مدنی، کیفری و انتظامی) هستند.

۱. مسئولیت اخلاقی

کارشناسان رسمی مسئولیت دارند علاوه بر رعایت اخلاق عمومی جامعه، نسبت به رعایت رفتار حرفه‌ای کوشا باشند. رفتارهای حرفه‌ای همواره توسط سازمان‌هایی تدوین می‌شود که صلاحیت انجام خدمات حرفه‌ای را به اشخاص حرفه‌ای اعطا می‌کنند و افراد حرفه‌ای موظف به رعایت آنها هستند. بر همین منوال، ویژگی‌های عمومی و اختصاصی کارشناسان رسمی دادگستری، در قانون کارشناسان رسمی دادگستری و آیین‌نامه اجرایی آن تعیین شده است.

مسئولیت اخلاقی کارشناسان رسمی دادگستری، علاوه بر سوءرفتار و یا اعمال منافی شئون و حیثیت کارشناسی مندرج در ماده ۲۵ قانون کارشناسان رسمی، متوجه معیارهایی است که ذیل ماده ۱۵ قانون کارشناسان رسمی دادگستری به آنها اشاره شده و علاوه بر آنها وثاقتی است که در ماده ۱۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، به آن تأکید شده است. الف. اگر کارشناس رسمی از سوگند خود عدول کند و رفتار خلاف شأن کارشناسی انجام دهد، قانون‌گذار در ماده ۲۵ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ به رییس قوه قضاییه یا وزیر دادگستری یا سه نفر از اعضای هیئت مدیره هر کانون اجازه داده است که تعلیق کارشناس را از دادگاه انتظامی کانون درخواست کند و دادرسی انتظامی کانون مکلف است که این‌گونه پرونده‌ها را خارج از نوبت حداکثر ظرف مدت سه ماه رسیدگی و تعیین تکلیف کند.

ب. وثاقت، تدین به دین اسلام و یا یکی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، داشتن

تخلفات ناشی از مسئولیت اخلاقی کارشناسان

عناوین	مصادیق و شرایط	ماده قانونی رسیدگی	مسئولیت اعلام	مسئولیت رسیدگی	مجازات
عدم رعایت اخلاق عمومی	بداخلاقی، چهره درهم، عدم رعایت نظافت، پوشش نامناسب، وقت ناشناسی، عجول بودن، بی توجهی به حقوق دیگران، خودحقوق‌پنداری، اعتماد به نفس کاذب، وابستگی‌های متعصبانه به جریان‌های اعتقادی و سیاسی که محل استقلال رأی کارشناس است و...	ماده ۴۵ ق.ک.ر	رییس قوه قضاییه، وزیر دادگستری، سه نفر از اعضای هیئت مدیره	دادگاه انتظامی کانون	سه ماه تعلیق موقت تا صدور حکم قطعی
سوء رفتار و اعمال منافی شئون و حیثیت کارشناسی	پوشش نامناسب، عدم رعایت شئون کارشناسی در زمان معاینه محلی، مصرف مشروبات الکلی و مواد روان گردان، رفتارهای ضد اخلاقی، درخواست غیرموجه مالی و نظایر آن از طرفین پرونده، تبانی، حضور در مجالس نامتعارف اخلاقی و...	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
عدم تدین به دین اسلام و یابی از اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	تظاهر و اسناد و مدارک	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
عدم وفاداری به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران	تظاهر و اسناد و مدارک	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
نداشتن تابعیت ایرانی	اسناد و مدارک	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
داشتن پیشینه کیفری موثر	اسناد و مدارک	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
اعتیاد به مواد مخدر	تظاهر و اسناد و مدارک	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
وابستگی و سابقه عضویت و هواداری در گروه‌های غیرقانونی یا مخالف اسلام	تظاهر و اسناد و مدارک	ماده ۴۷ ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	عدم تمدید پروانه به مدت سه ماه تا صدور حکم
عدم اعلام سهم پنج درصدی کانون	اسناد و مدارک	ماده ۶۹ آیین-نامه اجرایی ق.ک.ر	هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	محدودیت اختیارات کارشناس و یا محرومیت از اشتغال به کارشناسی، از یک تا سه سال

ج. مطابق تبصره ۲ ذیل ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی، عدم اعلام پنج درصد سهم واریزی کانون به کانون توسط کارشناسان رسمی نیز از مصادیق خلاف شئون شغلی و مستوجب تعقیب قانونی اعلام شده است.

۲. مسئولیت مدنی

دومین مسئولیت کارشناسان رسمی، مسئولیت مدنی آنان است که به عنوان مثال در مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ آیین دادرسی مدنی ذکر شده است.

تابعیت ایرانی، نداشتن پیشینه کیفری موثر، عدم اعتبار به مواد مخدر، نداشتن وابستگی و سابقه عضویت و هواداری در گروه‌های غیرقانونی یا مخالف اسلام از معیارهای عمومی اخلاق (شخصیت) کارشناسی است که در ماده ۱۵ قانون کارشناسان رسمی به آن اشاره شده است. مسئولیت احراز زوال احتمالی این معیارهای عمومی و اختصاصی در کارشناسان رسمی، مطابق ماده ۲۷ قانون کارشناسان رسمی صرفاً بر عهده هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی هر استان گذاشته شده است.

تخلفات ناشی از مسئولیت مدنی کارشناسان

عناوین	مصادیق و شرایط	ماده قانونی رسیدگی	مسئولیت اعلام	مسئولیت رسیدگی	مجازات
عدم قبول امر کارشناسی بعد از ابلاغ مرجع قضایی	عدم قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم با یکی از اصحاب دعوی - عدم قیمومیت یا کارمند یکی از طرفین دعوی نباشد - یکی از طرفین متکفل امور کارشناس یا همسر وی نباشد - کارشناس یا همسر و فرزندان وی وارث یکی از اصحاب دعوی نباشد - کارشناس قبلاً به موضوع رسیدگی نکرده باشد - بین کارشناس و یکی از طرفین دعوی حقوقی یا کیفری مطرح نباشد - کارشناس و یا همسر و فرزندان وی دارای نفع شخصی در دعوی نباشند.	ماده ۲۶۱ آیین دادرسی مدنی با توجه به مواد ۹۱ آیین دادرسی مدنی و ۴۲۱ آیین دادرسی کیفری در خصوص جهات رد دادرسی توسط دادرس	مرجع قضایی	دادگاه انتظامی کانون	توییح در پرونده تا محدود نمودن اختیارات فنی کارشناس تا ۳ سال
عدم اظهار نظر کارشناسی	عدم اظهار نظر کارشناسی در وقت مقرر و یا اظهار نظر خارج از وقت مقرر	ماده ۲۶۲ آیین دادرسی مدنی	مرجع قضایی	دادگاه انتظامی کانون	توییح در پرونده تا محدود نمودن اختیارات فنی کارشناس تا ۳ سال
عدم حضور به موقع در دادگاه	عدم حضور بدلایی چون مرضی که مانع حرکت است - فوت یکی از والدین، همسر یا فرزندان - حوادث قهریه و توقیف یا حبس بودن (مطابق ماده ۳۰۶ آیین دادرسی مدنی) از معاذیر قابل قبول عدم حضور کارشناس در مرجع قضایی خواهد بود.	ماده ۲۶۳ آیین دادرسی مدنی	مرجع قضایی	مرجع قضایی و دادگاه انتظامی کانون	توییح در پرونده تا محدود نمودن اختیارات فنی کارشناس تا ۳ سال
جبران خسارت	گزارش کارشناسی خلاف، سبب اصلی ورود ضرر به یکی از طرفین دعوی باشد	ماده ۲۶۷ آیین دادرسی مدنی	شای	مرجع قضایی	جبران ضرر

۳. مسئولیت کیفری

سومین نوع مسئولیت کارشناسان، با توجه به اینکه به استناد ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، گزارش‌های کارشناسی را می‌توان جزو اسناد رسمی تلقی کرد، مسئولیت کیفری است. به موجب ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، هرگاه کارشناس رسمی با سوءنیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی، برخلاف واقع چیزی بنویسد یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امور کیفری یا حقوقی، تمام موقوف را ذکر ننموده، یا برخلاف واقع چیزی ذکر نماید، جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌شود و هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوءنیت تغییر بدهد، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه موثر واقع شده باشد، کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.

تشخیص این نوع از تخلف، برعهده دادگاه انتظامی کانون و مراجع قضایی خارج از کانون و رسیدگی به آن، از وظایف مراجع قضایی خارج از کانون کارشناسان خواهد بود. در ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است که چنانچه یکی از داوران، ممیزان و کارشناسان، اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشند یا توسط طرفین، در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نمایند، به حبس از ۶ ماه تا دو سال، یا مجازات نقدی از ۳۰ تا ۱۲ میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته شده است، به عنوان مجازات به نفع دولت ضبط خواهد شد.

■ به موجب ماده ۲۶۱ آیین دادرسی مدنی، کارشناس رسمی مکلف به قبول امر کارشناسی که از دادگاه به او ارجاع شده است، می‌باشد. مگر با عذر موجه از نظر دادگاه قبل از مباشرت با کارشناسی، که موارد معذور بودن کارشناس همان موارد معذور بودن دادرس است.

■ به موجب ماده ۲۶۲ آیین دادرسی مدنی، کارشناس مکلف به اظهار نظر مکتوب کارشناسی در مهلت تعیین شده توسط مرجع قضایی است و در صورت نیاز کارشناس به مهلت بیشتر برای اظهار نظر، کارشناس باید به طور کتبی از دادگاه تقاضای استمهال نماید. هرگاه کارشناس در مهلت مقرر نسبت به اعلام نظریه مکتوب کارشناسی به دادگاه اقدام نکند، دادگاه کارشناس دومی را تعیین نموده و حتی در صورت اعلام نظریه کارشناسی توسط کارشناس اول و پذیرش آن توسط دادگاه، موارد تخلف کارشناس اول به مرجع صلاحیت دار اعلام می‌شود.

■ به موجب ماده ۲۶۳ آیین دادرسی مدنی، در صورتی که کارشناس در مهلت مقرر از سوی مرجع قضایی برای ادای توضیح در محل دادگاه حاضر نشود، حکم جلب کارشناس صادر می‌شود.

■ به استناد ماده ۲۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی، هرگاه اصحاب دعوی به موجب نظریه کارشناس متخلف متضرر شوند، در صورتی که اثبات شود تخلف کارشناس، سبب اصلی ورود خسارت به متضرر بوده است، متضرر می‌تواند از کارشناس تقاضای جبران خسارت کند. رسیدگی به این نوع از تخلفات، از وظایف مراجع قضایی خارج از کانون کارشناسان خواهد بود.

تشخیص این نوع از تخلف، بر عهده دادگاه انتظامی کانون و مراجع قضایی خارج از کانون و رسیدگی به آن، از وظایف مراجع قضایی خارج از کانون کارشناسان خواهد بود.

۴. مسئولیت انتظامی

کارشناسان رسمی دادگستری علاوه بر مسئولیت‌های اخلاقی، مدنی و کیفری، به حکم قانون کارشناسان رسمی دادگستری، دارای مسئولیت انتظامی نیز هستند که رسیدگی به تخلفات تخصصی کارشناسان و صدور حکم متناسب با تخلف کارشناسان، به موجب ماده ۲۳ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، از وظایف دادگاه انتظامی کانون است. مطابق ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی اظهارنظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلفند نکات و توضیحاتی را که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کارشناسان مشخص می‌شود، به طور کامل در آن منعکس کنند.

کارشناس رسمی موظف است در حدود صلاحیت خود نظر کارشناسی را به طور کتبی و در مهلت مقرر به مراجع ذی‌ربط تسلیم کند و نسخه‌ای از آن را به مدت حداقل پنج سال از تاریخ تسلیم، نگهداری نماید. در تبصره ذیل این ماده، اعتبار اظهارنظر کارشناسی با موضوع تعیین قیمت معاملاتی حداکثر تا ۶ ماه پس از تاریخ صدور اعلام شده است. عدول از شرایط یک اظهارنظر کارشناسی قابل قبول از موارد تخلفات انتظامی کارشناسی است.

مطابق ماده ۶۴ آیین‌نامه اجرایی قانون کارشناسان رسمی، در صورتی که مراجع قضایی از کارشناسان تخلفی مشاهده کنند که قابل تعقیب در دادگاه انتظامی است، مراتب را به طور کتبی به کانون مربوطه اطلاع می‌دهند. هرگاه کانون موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد، پرونده را برای رسیدگی به دادرسی انتظامی کانون ارجاع می‌کند و چنانچه معتقد به تعقیب نباشد، مراتب را به مرجع مذکور اطلاع می‌دهد. در صورتی که نظر کانون مورد پذیرش مرجع قضایی قرار نگیرد، رأساً جهت رسیدگی به دادرسی انتظامی کانون ارجاع می‌نماید.

اظهارنظر به راستی و درستی، عدم دخالت اغراض شخصی در اظهارنظر کارشناسی، اظهارنظر بدون مکتوم گذاردن هیچ موردی، برخلاف واقع چیزی نگفتن و ننوشتن و رازدار و امین بودن، مندرج در قسم‌نامه حرفه‌ای کارشناسان رسمی دادگستری، موضوع ماده ۱۷ قانون کارشناسان رسمی، نیز از مواردی است که در صورت اثبات عدول از این موارد، ذیل تخلفات انتظامی کارشناسان قرار گرفته و به موجب ماده ۲۶ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، مستوجب تعقیب خواهد بود.

تخلفات تخصصی کارشناسان و مجازات‌های انتظامی پیش‌بینی شده در ماده ۲۶ قانون کارشناسان رسمی دادگستری به شرح موارد ذیل است:

■ توسل به معاذیری که خلاف بودن آنها بعداً ثابت شود؛

■ مسامحه و سهل‌انگاری در اظهارنظر، هرچند مؤثر در تصمیمات مراجع صلاحیت‌دار باشد یا نباشد؛

■ تسلیم اسناد و مدارک به اشخاصی که قانوناً حق دریافت آن را ندارند و یا امتناع از تسلیم آنها به اشخاصی که حق دریافت دارند؛

■ سوءرفتار و اعمال خلاف شئون شغلی؛

■ نقض قوانین و مقررات در اظهارنظر کارشناسی؛

■ انجام کارشناسی و اظهارنظر با وجود جهات رد قانونی؛

■ انجام کارشناسی و اظهارنظر در اموری که خارج از صلاحیت کارشناس است؛

■ انجام کارشناسی و اظهارنظر برخلاف واقع و تبانی؛

■ انجام کارشناسی و اظهارنظر با پروانه‌ای که اعتبار آن منقضی شده باشد؛

■ افشای اسرار و اسناد محرمانه؛

■ اخذ وجه یا مال یا قبول خدمت مازاد بر تعرفه دستمزد و هزینه مقرر در قوانین یا دستورات مراجع صلاحیت‌دار؛

■ انجام کارشناسی و اظهارنظر در زمان تعلیق، محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اثبات فقد شرایط موضوع ماده ۱۵ این قانون.

بند ب ذیل ماده ۲۶ قانون کارشناسان رسمی دادگستری، برای هر یک از تخلفات فوق‌الذکر به تناسب، مجازات‌هایی به شرح ذیل را اعلام کرده است که تشخیص آن با دادرسی انتظامی کانون مربوطه و دادگاه تجدیدنظر کارشناسان است:

■ توبیخ با درج در پرونده کارشناس در کانون؛

■ محدود نمودن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت یک سال؛

■ محدود کردن اختیارات فنی کارشناس رسمی برای مدت سه سال؛

■ محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی از سه ماه تا یک سال؛

■ محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی رسمی از یک ماه تا سه سال؛

■ محرومیت دائمی از اشتغال به امر کارشناسی رسمی.

در قانون کارشناسان رسمی دادگستری، مرتکبان هر یک از تخلفات ردیف‌های ۱، ۲، ۳ حسب مورد به مجازات درجه یک تا سه انتظامی؛ مرتکبان هر یک از تخلفات ردیف‌های ۴، ۵ و ۶ حسب مورد به مجازات درجه سه تا پنج انتظامی و مرتکبان هر یک از تخلفات ردیف‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ حسب مورد به مجازات درجه پنج تا ۶ انتظامی محکوم می‌شوند. مرتکبان هر یک از تخلفات ردیف ۱۳ به مجازات درجه ۶ انتظامی محکوم می‌شوند.

تخلفات ناشی از مسئولیت انتظامی کارشناسان

عناوین	مصادیق و شرایط	ماده قانونی رسیدگی	مسئولیت اعلام	مسئولیت رسیدگی	مجازات
عدم حضور در مراجع صالحه در وقت مقرر بدون عذر موجه	عدم حضور به دلایل چون مرضی که مانع حرکت است، فوت یکی از والدین، همسریا فرزندان، حوادث فهریه و توقیف یا حبس بودن (مطابق ماده ۶-۳۰ آیین دادرسی مدنی) از معاذیر قابل قبول عدم حضور کارشناس در مرجع قضایی خواهد بود.	بند اول ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	مرجع قضایی	دادگاه انتظامی کانون کارشناس، تا سه سال	توبیخ در پرونده تا محدود کردن اختیارات فنی کارشناس، تا سه سال
توسل به معاذیری که خلاف بودن آنها بعداً ثابت شود	اعلام بیماری، مشغله کاری، عدم صلاحیت، استناد بر اسناد غیرقابل اتکا و جعلی و ...	بند دوم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مرجع قضایی	دادگاه انتظامی کانون	توبیخ در پرونده تا محدود کردن اختیارات فنی کارشناس، تا سه سال
مسامحه و سهل انگاری در اظهار نظر، هر چند مؤثر در تصمیمات مراجع صلاحیت دار باشد یا نباشد	اظهار نظرهای غیرشفاف، نگارش گزارش‌هایی که برداشت‌های متفاوت از آن می‌شود، درج اطلاعات غیرلازم در گزارش، درج اطلاعات غیرمؤثق در گزارش، نظریه‌های مبتنی بر معاینات محلی ناقص، روایتگری در گزارش و ...	بند سوم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی	دادگاه انتظامی کانون	توبیخ در پرونده تا محدود کردن اختیارات فنی کارشناس، تا سه سال
تسلیم اسناد و مدارک به اشخاصی که قانوناً حق دریافت آن را ندارند و یا امتناع از تسلیم آنها به اشخاصی که حق دریافت دارند	در اختیار گذاشتن اسناد هر طرف دعوی به طرف دیگر بدون اخذ موافقت آنها، امتناع از دادن اسناد به مراجع ذی صلاح و قانونی، امتناع از دادن گزارش به ذی‌نفعان پس از ختم دادرسی	بند چهارم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مراجع قانونی	دادگاه انتظامی کانون	محدود کردن اختیارات فنی کارشناس تا سه سال تا محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
سوءرفتار و اعمال خلاف شئون شغلی	عدم رعایت اخلاق عمومی و حرفه‌ای، پوشش نامناسب کارشناسی، بدرفتاری با طرفین دعوی، بدزبانی، حضور در محل‌هایی که دور از شأن کارشناس است، مصرف موادی که شایسته کارشناسان نیست، مراودات اخلاقی با طرفین پرونده و ...	بند پنجم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی، رییس قوه قضاییه، وزیر دادگستری، سه نفر از اعضای هیئت مدیره	دادگاه انتظامی کانون	محدود کردن اختیارات فنی کارشناس تا سه سال، تا محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
نقض قوانین و مقررات در اظهار نظر کارشناسی	اظهار نظر کارشناسی بدون توجه به قوانین موضوعه، تفسیر ناصواب قوانین موضوعه در اظهار نظرهای کارشناسی	بند ششم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی	دادگاه انتظامی کانون	محدود کردن اختیارات فنی کارشناس تا سه سال تا محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
انجام کارشناسی و اظهار نظر با وجود جهات رد قانونی	اظهار نظر کارشناسی خارج از صلاحیت مندرج در پروانه کارشناسی و یا معاذیر مندرج در مواد ۹۱ آیین دادرسی مدنی و ۴۲۱ آیین دادرسی کیفری در عذر دادرسی از رسیدگی	بند هفتم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی، مراجع قضایی، هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
انجام کارشناسی و اظهار نظر در اموری که خارج از صلاحیت کارشناس است	اظهار نظر کارشناسی خارج از صلاحیت مندرج در پروانه کارشناسی	بند هشتم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی، مراجع قضایی، هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
انجام کارشناسی و اظهار نظر برخلاف واقع و تبانی	عدم درج همه موارد در گزارش (خصوصاً در گزارش‌های تامین دلیل)، استناد به روایات هر یک از طرفین، استناد به مدارک غیرقابل اتکا، درج اسامی و مشخصات غلط در گزارش، استفاده از ادبیاتی در گزارش که نشان از بیطرفی کارشناس نباشد، مغایرت فاحش متن گزارش با سایر گزارش‌های کارشناسی، گزارشی که با اوضاع و احوال مسلم فاصله داشته باشد و ...	بند هشتم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مراجع قانونی و قضایی	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
انجام کارشناسی و اظهار نظر با پروانه‌ای که اعتبار آن منقضی شده باشد	اظهار نظر کارشناسی با پروانه کارشناسی که تمدید نشده باشد.	بند نهم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مراجع قانونی و قضایی	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
افشای اسرار و اسناد محرمانه	سهل انگاری در نگهداری و افشای اسناد با طبقه‌بندی محرمانه	بند دهم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مراجع قانونی و قضایی	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
اخذ وجه یا مال یا قبول خدمت مازاد بر تعرفه دستمزد و هزینه مقرر در قوانین یا دستورات مراجع صلاحیت‌دار	اخذ دستمزدی فراتر از دستمزد مصوب، که شائبه صدور گزارش جانب‌دارانه را به ذهن متبادر می‌کند.	بند یازدهم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مراجع قانونی و قضایی	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت از اشتغال به امر کارشناسی، از سه ماه تا سه سال
انجام کارشناسی و اظهار نظر در زمان تعلیق، محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اثبات فقد شرایط موضوع ماده (۱۵) این قانون	انجام کارشناسی و اظهار نظر در زمان تعلیق، محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اثبات فقد شرایط موضوع ماده (۱۵) این قانون	بند دوازدهم ذیل شق الف ماده ۲۶ ق.ک.ر	شاکلی و مراجع قانونی و قضایی و هیئت مدیره کانون	دادگاه انتظامی کانون	محرومیت دائم از اشتغال به امر کارشناسی



کاربردهای هوش مصنوعی در کارشناسی رسمی رشته امور بازرگانی از کشف تباری قیمتی تا ارزیابی ارزش منصفانه

کاربرد هوش مصنوعی (AI) در حوزه کارشناسی رسمی قضایی بازرگانی به سرعت در حال گسترش است. کارشناسان رسمی دادگستری در حوزه بازرگانی، که وظیفه ارزیابی تخصصی ادله مالی و تجاری را در دعاوی قضایی بر عهده دارند، اکنون با حجم عظیمی از داده‌ها مواجهند. فناوری‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری ماشین، پردازش زبان طبیعی و تشخیص الگو می‌توانند در تحلیل این داده‌ها و استخراج الگوهای معنادار نقش بسزایی ایفا کنند. در کشورهای پیشرفته (از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا) که داده‌های وسیعتری در دسترس است، استفاده از AI برای تقویت دقت و سرعت کارشناسی رسمی رونق گرفته است. این مقاله به بررسی جامع انواع فناوری‌های هوش مصنوعی و نقش آنها در حوزه‌های کلیدی کشف تباری قیمتی، ارزیابی ارزش منصفانه، تحلیل داده‌های مالی و اسناد بازرگانی و تسهیل فرآیند کارشناسی در دعاوی اقتصادی می‌پردازد. رویکرد مقاله، تخصصی و حقوقی است و با اشاره به مطالعات موردی و منابع معتبر انگلیسی، تصویری روشن از تجربیات جهانی ارائه می‌دهد.

نمونه، در فرآیند e-Discovery (کشف الکترونیکی مستندات)، از بازبینی مبتنی بر فناوری (Predictive Coding) استفاده می‌شود که طی آن نرم‌افزار با تکیه بر هوش مصنوعی و تحت نظارت و آموزش اولیه وکیل یا کارشناس، به تدریج می‌آموزد که کدام مستندات برای پرونده مهم هستند و بدین ترتیب، فرآیند بازبینی میلیون‌ها سند را به مراتب سریعتر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. این روش که نوعی یادگیری ماشین در حوزه متن است، توانسته در سال‌های اخیر مقبولیت قضایی کسب کند و توسط قضات مورد تأیید قرار گیرد. ■ **سیستم‌های تشخیص الگو و داده‌کاوی:** این سیستم‌ها با تحلیل ریاضی داده‌ها، الگوهای تکرار شونده یا نشانه‌های خاص را کشف می‌کنند. در مباحثی چون کشف تباری قیمتی یا غربالگری بازارها، ابزارهای داده‌کاوی نقش مهمی دارند. برای نمونه، الگوریتم‌های تشخیص الگو می‌توانند همبستگی‌های غیرمعمول میان قیمت محصولات رقبا یا تغییرات ناگهانی در روند قیمت‌ها را که ممکن است ناشی از تباری باشد، شناسایی کنند. همچنین در تحلیل تقلب مالی، الگوریتم‌های تشخیص الگو به یافتن تراکنش‌های مشکوک (مثل افزایش ناگهانی فعالیت در

انواع فناوری‌های هوش مصنوعی و کاربرد آنها در کارشناسی قضایی

فناوری‌های اصلی AI مورد استفاده در کارشناسی قضایی بازرگانی عبارتند از:

- **یادگیری ماشین (Machine Learning):** الگوریتم‌های یادگیری ماشین با تحلیل خودکار داده‌های کلان، امکان تشخیص الگوهای پنهان و پیش‌بینی رخدادها را فراهم می‌کنند. برای مثال، در کشف تقلب یا تباری، الگوریتم‌های یادگیری نظارت‌نشده می‌توانند به جستجوی ناهنجاری‌ها در داده‌های قیمتی یا مالی بپردازند که نشان‌دهنده رفتار تباری آمیز باشد. مزیت یادگیری ماشین این است که بدون فرض الگوی از پیش تعیین‌شده، در حجم عظیمی از داده‌ها به دنبال الگوهای ناشناخته می‌گردد. این توانایی در محیط‌های پیچیده و پویا بسیار ارزشمند است.
- **پردازش زبان طبیعی (NLP):** فناوری NLP به کامپیوترها امکان می‌دهد تا متون زبان انسانی (مانند قراردادهای، ایمیل‌ها، گزارش‌ها) را درک و پردازش کنند. در بررسی اسناد بازرگانی و ادله متنی در دعاوی، NLP می‌تواند اسناد مرتبط را استخراج و دسته‌بندی کند، یا خلاصه‌ای از انبوه مستندات ارائه دهد. به عنوان



فریدجوزانی کهن

کارشناس رسمی دادگستری در رشته امور اقتصادی سرمایه گذاری و بازرگانی



هوش مصنوعی توانسته رویکردهای سنتی کشف کارتل را تکمیل یا تقویت کند و حساسیت تشخیص را بالا ببرد.

ارزیابی ارزش منصفانه و ارزش گذاری با هوش مصنوعی

ارزش منصفانه دارایی‌ها و اوراق بهادار، یکی از موضوعات کلیدی در دعاوی بازرگانی و مالی (برای مثال در اختلافات سهامداران، ارزیابی دارایی در ورشکستگی، یا تعیین خسارات) است. به طور معمول، کارشناسان برای ارزش گذاری، از روش‌های مالی کلاسیک مانند تنزیل جریان‌های نقدی (DCF)، تحلیل شرکت‌های قابل مقایسه (CCA) و بررسی صورت‌های مالی و نسبت‌ها استفاده می‌کردند. این روش‌ها اگرچه آزمون خود را پس داده‌اند، اما وابسته به فرضیات ذهنی و داده‌های محدود هستند و در عمل ممکن است به ارزیابی‌های متفاوت توسط کارشناسان مختلف منجر شوند. در سال‌های اخیر، هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای افزایش دقت و بیطرفی در ارزش گذاری مطرح شده است. هوش مصنوعی و یادگیری ماشین می‌تواند حجم عظیمی از داده‌های بازار، معاملات مقایسه‌ای و شاخص‌های مالی را به صورت خودکار پردازش و تحلیل کند. این امر دومیته عمده دارد: نخست، کاهش خطاها و سوگیری‌های انسانی در محاسبات؛ دوم، شناسایی الگوها و روابط پنهان در داده‌ها. برای نمونه، AI قادر است در زمان کوتاهی اطلاعات مالی صدها شرکت مشابه را تحلیل و نسبت‌های ارزش گذاری آنها را با شرکت مورد نظر مقایسه کند؛ امری که انجام دستی آن برای کارشناسان بسیار زمانبر است. یک گزارش نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند با استخراج و پردازش خودکار حجم زیادی از داده‌های مالی، کار تحلیلی را سریعتر و کارآمدتر کند و الگوهای مؤثر بر ارزش را آشکار نماید. نتیجه این تحلیل‌های گسترده، دستیابی به برآورد دقیقتر و مبتنی بر شواهد وسیعتر از ارزش منصفانه دارایی یا شرکت است.

علاوه بر ارزش گذاری شرکت‌ها، در حوزه املاک و مستغلات نیز AI نقش پررنگی پیدا کرده است. مدل‌های ارزیابی خودکار املاک (AVM) که از یادگیری ماشین برای برآورد قیمت ملک استفاده می‌کنند، سال‌ها است در بازار مسکن آمریکا و اروپا (برای مثال در برآورد قیمت خانه در وبسایت‌های املاک) به کار می‌روند. با پیچیده‌تر شدن این مدل‌ها و به کارگیری هوش مصنوعی، نگرانی‌هایی درباره دقت آنها شکل گرفته است.

در سال ۲۰۲۴، دفتر حفاظت مالی مصرف‌کننده آمریکا (CFPB) به همراه چند نهاد ناظر دیگر، قانون جدیدی را برای نظارت بر استفاده از الگوریتم‌های خودکار در ارزیابی املاک تصویب کرد. طبق این مقررات، شرکت‌هایی که از ابزارهای AI برای قیمت گذاری خانه استفاده می‌کنند، موظفند مکانیزم‌های کنترلی برای تضمین دقت بالا، جلوگیری از دستکاری داده‌ها، رفع تعارض منافع و رعایت قوانین ضد تبعیض به کار گیرند. این رویکرد قانونی، نشان‌دهنده اهمیت شفافیت و عدالت الگوریتمیک در ارزش گذاری است. از منظر یک کارشناس رسمی، چنین الزاماتی به این معنی است که گزارش کارشناسی مبتنی بر یک مدل AI باید قابل اتکا، قابل توضیح و عاری از تبعیض ناروا باشد.

حساب‌های کم‌تراکنش یا ارتباطات غیرمعمول بین حساب‌ها کمک می‌کنند.

■ **هوش مصنوعی مولد و ابزارهای خودکارسازی:** هرچند بخش بزرگی از کاربردهای فعلی AI در کارشناسی معطوف به یادگیری ماشین و NLP است، اما ظهور مدل‌های مولد مانند (ChatGPT) نیز توجه‌ها را جلب کرده است. این ابزارها می‌توانند در تهیه پیش‌نویس گزارش‌های کارشناسی، خلاصه‌سازی شهادت‌ها و حتی ترجمه سریع اسناد مفید باشند. با این حال، به دلیل ریسک خطا و «توهم» در پاسخ‌های این مدل‌ها، استفاده از آنها نیازمند احتیاط و نظارت انسانی شدید است. (در بخش‌های بعدی به چالش‌های آن اشاره خواهد شد.) در ادامه، به تفکیک حوزه‌های کاربردی مشخص، نقش هوش مصنوعی در کارشناسی رسمی حوزه امور بازرگانی را بررسی می‌کنیم.

کشف تبانی قیمتی با هوش مصنوعی

تبانی قیمتی (price collusion) از مصادیق بارز رفتار ضد رقابتی است که به صورت توافق پنهانی میان رقبای برای دستکاری قیمت بازار رخ می‌دهد. چنین توافقاتی در تمامی نظام‌های حقوق رقابت ممنوع و غیرقانونی است. (به عنوان مثال، ماده ۱۰۱ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا و بخش ۱ قانون شرمین در ایالات متحده این گونه تبانی‌ها را ممنوع کرده‌اند.) با این حال، شناسایی و اثبات تبانی قیمتی به دلیل مخفیانه بودن توافقات، برای مقامات و کارشناسان چالشی جدی است. اینجا است که هوش مصنوعی می‌تواند ابزار توانمندی برای کشف الگوهای تبانی ارائه کند. یادگیری ماشین به ویژه در غربالگری داده‌های بازار برای یافتن نشانه‌های تبانی به کار رفته است. به عنوان نمونه، در یک مطالعه موردی در بازار عمده فروشی سوخت لهستان، از الگوریتم‌های یادگیری نظارت نشده برای تحلیل سری‌های زمانی قیمت استفاده شد. این الگوریتم‌ها موفق به شناسایی نشانگرهای تبانی (collusion markers) در رفتار قیمت‌های موازی شدند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که روش‌های یادگیری ماشین (از جمله تکنیک‌هایی نظیر فاصله سنجی دینامیک، جستجوی الگوهای تکراری و بخش بندی معنایی در داده‌های زمانی) قادرند ناهنجاری‌ها و تغییر رژیم‌های قیمتی را که می‌تواند علامتی از تبانی باشد، کشف کنند.

مزیت چنین روش‌هایی آن است که برخلاف الگوهای سنتی اقتصادسنجی، نیاز به فرض مدل مشخصی برای داده‌ها ندارند و می‌توانند با داده‌های عظیم و پیچیده کار کنند. به بیان دیگر،

تحلیل داده‌های مالی و معاملاتی با روش‌های هوش مصنوعی

در پرونده‌های قضایی بازرگانی، کارشناسان رسمی اغلب با انبوهی از داده‌های مالی، حسابداری و معاملاتی (از تراکنش‌های بانکی و دفاتر مالی شرکت‌ها گرفته تا داده‌های بورس و بازار) روبه‌رو هستند. تحلیل دقیق این حجم از داده‌ها با روش‌های سنتی نه تنها زمانبر است، بلکه ممکن است موجب کتمان الگوهای ظریف یا خطاهای انسانی شود. هوش مصنوعی، به‌ویژه از طریق تکنیک‌های یادگیری ماشین مبتنی بر تشخیص الگو و تحلیل پیشرفته داده، توانسته تا حد زیادی این چالش را مرتفع کند.

یکی از کاربردهای شاخص AI در این حوزه، شناسایی تقلب و سوءاستفاده مالی است. الگوریتم‌های پیشرفته می‌توانند با آموزش بر حجم انبوهی از داده‌های تاریخی، الگوهای معمول فعالیت سالم را از رفتارهای غیرعادی تمیز دهند. برای مثال، در بررسی صورت‌های مالی و تراکنش‌های بانکی، مدل‌های یادگیری ماشین قادرند اسناد و ثبت‌های مشکوک را به سرعت پرچم‌گذاری کنند؛ نظیر انتقال‌های مالی در ساعات غیرمعمول، تراکنش‌هایی با مبالغ غیرمتعارف نسبت به الگوی عادی یک حساب، یا ارتباطات پنهان میان حساب‌های ظاهراً نامرتب.

گزارش‌ها حاکی است که بانک‌ها و نهادهای ضد پولشویی با کمک مدل‌های یادگیری ماشین و تکنیک‌های تشخیص الگو، ناهنجاری‌هایی مانند جهش فعالیت در حساب‌های کم‌تحرك و تراکنش‌های نامعمول را بلافاصله شناسایی می‌کنند. این پایش بلادرنگ تراکنش‌ها به کمک AI باعث شده است که اقدامات تقلب‌آمیز، بسیار زودتر از گذشته کشف و متوقف شوند. باید توجه داشت که خروجی AI در این حوزه نیازمند راستی‌آزمایی توسط کارشناس AI است. او موارد مشکوک را علامت می‌زند، اما قضاوت نهایی درباره ماهیت متقلبانه یا قانونی یک تراکنش، با کارشناس و در نهایت دادگاه است.

بررسی اسناد و مدارک بازرگانی با استفاده از هوش مصنوعی در دعاوی تجاری و مالی، بخش قابل توجهی از ادله به صورت اسناد مکتوب است: قراردادهای، مکاتبات بازرگانی (مانند ایمیل‌ها)، گزارش‌های مالی، یادداشت‌های حسابرسی، و مشابه اینها. به‌طور سنتی، بازبینی این حجم اسناد بر عهده تیم‌های وکلای کارشناسان بود که با صرف زمان زیاد، مدارک مرتبط را از میان انبوه مستندات استخراج می‌کنند. اکنون پردازش زبان طبیعی و یادگیری ماشین، این حوزه را نیز متحول کرده است. فناوری بازبینی هوشمند اسناد (Predictive Coding or TAR) نمونه‌ای عملی از کاربرد AI در بررسی مستندات است. در این روش، نرم‌افزار با الگوریتم یادگیری ماشین ابتدا با یک مجموعه نمونه از اسناد که توسط یک متخصص علامت‌گذاری شده (مرتبط یا نامرتب) بودن هر سند با دعوا مشخص شده، آموزش می‌بیند. سپس این نرم‌افزار به‌طور خودکار هزاران یا میلیون‌ها سند دیگر را ارزیابی می‌کند و آنها را بر اساس میزان ارتباط‌شان رتبه‌بندی یا برجسته‌گذاری می‌کند. نتیجه کار، کاهش چشمگیر در زمان و هزینه بازبینی اسناد است، زیرا تیم حقوقی می‌تواند به جای خواندن تک‌تک اسناد، تمرکز خود را بر اسناد اولویت‌بالا (که AI پیشنهاد کرده) قرار دهد. تحقیقات نشان داده که این روش می‌تواند با دقت بالایی، اسناد مهم را از اسناد غیرمهم تفکیک کند و فرآیند کشف را بسیار کارآمدتر سازد.

از منظر حقوقی، پذیرش چنین روش‌هایی ابتدا با احتیاط همراه بود، اما اکنون در کشورهای پیشرفته کاملاً مقبولیت قضایی پیدا کرده است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۲ یک قاضی فدرال در ایالات متحده (در پرونده Da Silva Moore v. Publicis Groupe) به‌طور رسمی استفاده از روش‌های هوش مصنوعی در بازبینی اسناد را تأیید کرد.

امروز بسیاری از دادگاه‌های آمریکا و حتی اروپا، استفاده از ابزارهای e-Discovery مبتنی بر AI را مجاز می‌دانند، مشروط بر آنکه فرآیند آموزش و اعتبارسنجی آن به‌طور شفاف در دادگاه تشریح شود. این تحولات بدان معنا است که یک کارشناس رسمی یا تیم حقوقی می‌تواند با اتکا به خروجی AI (که توسط انسان صحت‌سنجی شده)، با سرعت و اطمینان بیشتری مدارک را برای ارائه در محضر دادگاه آماده کند.

یک کاربرد دیگر AI، جستجوی ارتباطات پنهان در مکاتبات است. برای مثال، در یک پرونده تقلب مالی ممکن است هزاران ایمیل بین کارکنان و همدستان احتمالی وجود داشته باشد. AI می‌تواند با تحلیل متن ایمیل‌ها و خوشه‌بندی موضوعی آنها، متوجه الگوهای ارتباطی (مانند دفعات غیرعادی ارتباط میان برخی افراد در حوالی تاریخ‌های کلیدی) شود و همچنین کلمات کلیدی مشکوک یا لحن غیرمعمول را تشخیص دهد. این سطح از تحلیل کیفی اسناد، به کشف نقشه‌های تباری یا تقلب کمک می‌کند؛ کاری که برای انسان به تنهایی بسیار دشوار بود.

تسهیل فرآیند کارشناسی رسمی در دعاوی اقتصادی

هوش مصنوعی نه تنها در حوزه‌های تخصصی یادشده (تباری‌یابی، ارزش‌گذاری، تحلیل مالی و بازبینی اسناد) بلکه در کلیت فرآیند کارشناسی رسمی قضایی نیز تأثیرگذار بوده و جنبه‌های اجرایی کار را تسهیل کرده است. منظور از فرآیند کارشناسی رسمی، تمام مراحل است که کارشناس از زمان دریافت پرونده تا ارائه نظر نهایی طی می‌کند؛ از گردآوری و پالایش داده‌ها گرفته تا تحلیل، نتیجه‌گیری و تهیه گزارش کارشناسی برای دادگاه. در این مسیر، AI به شیوه‌های مختلفی به کمک کارشناس آمده است:

خودکارسازی آماده‌سازی داده‌ها و کاهش خطا:

بخش قابل توجهی از زمان کارشناسان صرف جمع‌آوری، پاکسازی و سازماندهی داده‌های خام (مانند اعداد و ارقام مالی در جداول) می‌شود. ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند این وظایف را به سرعت انجام دهند. برای مثال، یک کارشناس می‌تواند به جای ورود دستی صدها صفحه صورت‌حساب مالی به اکسل (که با حدود ۱۵ درصد خطاهای انسانی همراه است)، با استفاده از یک ابزار AI اسناد را اسکن و دیجیتال کند و داده‌ها را با دقت ۹۹ درصد استخراج نماید. این بهبود دقت و سرعت، زمان بیشتری را برای تحلیل کیفی و قضاوت کارشناسی در اختیار او قرار می‌دهد.

■ **ایجاد پیش‌نویس گزارش و سازماندهی نتایج:** برخی ابزارهای مبتنی بر AI قادرند پس از تحلیل داده‌ها، گزارش اولیه یا چارچوبی از نتایج را تولید کنند تا کارشناس براساس آن توضیحات تکمیلی را بیفزاید. برای مثال، AI می‌تواند جداول و نمودارهای اصلی را ترسیم کند، نکات برجسته (هایلایت) را

مشخص نماید و حتی اسکلت یک گزارش کارشناسی را بچیند. البته متن نهایی نیاز به ویرایش و تأیید کارشناس دارد، اما وجود چنین پیش‌نویسی کار را روان‌تر می‌کند. همچنین AI در تنظیم و مرتب‌سازی مستندات ضمیمه گزارش سودمند است؛ برای مثال، ضمیمه‌سازی خودکار ایمیل‌های مرتبط یا قطعه‌کردن فایل‌های حجیم به بخش‌های مورد ارجاع در گزارش.

■ **افزایش سرعت تصمیم‌گیری کارشناسی:** با دسترسی به نتایج تحلیلی AI تقریباً در لحظه، کارشناس می‌تواند سناریوهای مختلف را سریع ارزیابی کند. فرض کنید در یک دعوای خسارت مالی، کارشناس می‌خواهد تأثیر فرضیات مختلف (مثل نرخ‌های رشد متفاوت یا شرایط متنوع بازار) را بر برآورد خسارت بسنجد. مدل‌های AI می‌توانند در کوتاهترین زمان، خروجی هر سناریو را محاسبه کنند. بنابراین کارشناس به جای اتکا بر یک سناریوی محدود، می‌تواند دید ۳۶۰ درجه‌ای نسبت به امکان‌های مختلف داشته باشد و نتیجه‌ای منصفانه‌تر و مستدل‌تر ارائه دهد.

■ **کاهش حجم کار تکراری و تمرکز بر قضاوت انسانی:** شاید مهم‌ترین اثر AI این باشد که امور تکراری و مکانیکی (مانند ورود اطلاعات، جستجوی کلمات کلیدی، محاسبات ریاضی و...) را از دوش کارشناس برمی‌دارد و به او امکان می‌دهد تا وقت خود را صرف تفسیر نتایج و اعمال دانش تخصصی کند. این نکته‌ای است که متخصصان بر آن تأکید دارند: هوش مصنوعی جایگزین کارشناس نمی‌شود، بلکه ابزار کمکی او است. در نهایت، تصمیم‌گیری نهایی، ارائه نظر کارشناسی در محکمه و دفاع از آن همچنان بر عهده انسان متخصص است. AI تنها سرعت و دقت و گستردگی تحلیل را بالا می‌برد تا کارشناس با اطلاعات بیشتر و ذهن آزادتری قضاوت کند.

مطالعات موردی در کشورهای پیشرفته

برای روشن‌تر شدن اثرات کاربرد AI در کارشناسی رسمی قضایی بازرگانی، در این بخش به چند نمونه عملی از کشورهای مختلف اشاره می‌کنیم:

■ **کشف کارتل سوخت در لهستان با یادگیری ماشین:** در یک مطالعه دانشگاهی، الگوهای قیمت‌گذاری عمده‌فروشی سوخت در لهستان با روش‌های یادگیری ماشین نظارت‌نشده بررسی شد. الگوریتم‌ها موفق شدند نشانگرهای رفتاری تبانی را در سری زمانی قیمت‌ها شناسایی کنند که نشان‌دهنده وجود کارتل یا هماهنگی قیمت بود. این نمونه نشان داد که مقامات ضدانحصار می‌توانند از AI برای غربال‌گری بازار و کشف تبانی‌های پنهان بهره‌برند.

■ **قانون‌گذاری آمریکا برای ارزیابی الگوریتمی املاک:** در آمریکا به دلیل رواج مدل‌های هوش مصنوعی در قیمت‌گذاری خانه، نهادهای نظارتی مقرراتی وضع کرده‌اند. طبق قانون جدید ۲۰۲۴، شرکت‌ها باید صحت و عدم تبعیض در الگوریتم‌های ارزش‌گذاری ملک را تضمین کنند. این اقدام که با همکاری چند رگولاتور (از جمله فدرال رزرو، FDIC و...) صورت گرفت، یک نمونه از واکنش قانونی به کاربرد AI در ارزش‌گذاری رسمی است و معیاری برای سایر کشورها محسوب می‌شود.

■ **پذیرش بازبینی هوشمند اسناد در نظام قضایی ایالات متحده:**

همانطور که اشاره شد، اولین تأیید قضایی استفاده از الگوریتم یادگیری ماشین در بازبینی اسناد (Predictive Coding) در سال ۲۰۱۲ توسط قاضی اندرو پیک در نیویورک انجام شد. پس از آن، در پرونده‌های متعددی در آمریکا، قضات اجازه استفاده از ابزارهای e-Discovery هوش مصنوعی را داده‌اند. به علاوه، در انگلستان نیز در سال‌های اخیر دادگاه‌ها استفاده از فناوری‌های مشابه برای مرور اسناد را در برخی دعاوی تجاری مجاز دانسته‌اند. این موارد نشان‌دهنده گرایش نظام‌های قضایی پیشرفته به بهره‌گیری از فناوری برای مدیریت مدارک انبوه است.

■ **افزایش سرعت و دقت بازرسی مالی در شرکت‌های حسابرسی:** شرکت Deloitte (از چهار شرکت بزرگ حسابرسی) اعلام کرده که با بهره‌گیری از AI توانسته حجم قابل توجهی از تراکنش‌ها را به صورت خودکار بررسی کند و موارد پرریسک را سریعتر گزارش دهد. همچنین KPMG و سایر شرکت‌ها با سرمایه‌گذاری در سیستم‌های هوشمند، زمان انجام ممیزی‌های قانونی و رسیدگی به پرونده‌های فساد مالی را کاهش داده‌اند. هرچند آمار داخلی شرکت‌ها بعضاً محرمانه است، اما استفاده ۶۰ درصد از فعالان حوزه حسابرسی قضایی از AI خود گواهی بر این ادعا است.

■ **هشدار برای استفاده نادرست از AI در شهادت کارشناسی:** در یک نمونه جالب در سال ۲۰۲۳، یک استاد دانشگاه استفورد به عنوان کارشناس در دادگاهی در ایالت مینه‌سوتا، از ChatGPT برای تهیه متن اظهارنظر خود استفاده کرد که حاوی استنادات ساختگی بود. وکلا متوجه شدند که منابع ذکر شده وجود خارجی ندارند و قاضی به دلیل مخدوش شدن اعتبار کارشناس، کل شهادت وی را مردود اعلام کرد. این رخداد معروف به پرونده Hancock زنگ خطری بود مبنی بر اینکه کارشناسان نباید بدون راستی‌آزمایی، از محتوای تولیدشده توسط AI در دادگاه استفاده کنند. اتفاق مشابهی نیز برای یک وکیل در پرونده Mata v. Avianca رخ داد که به دلیل ارجاع به آرای جعلی تولیدشده توسط AI جریمه شد. این مثال‌ها نشان می‌دهد که صحت و اعتبار خروجی‌های AI باید همواره توسط متخصص بازبینی شود تا از بروز خطاهای فاحش حقوقی جلوگیری شود. مطالعات موردی فوق از یک سو بیانگر پتانسیل بالای هوش مصنوعی در بهبود فرآیند کارشناسی رسمی و از سوی دیگر، لزوم دقت در کاربرد آن است. کشورهای پیشرفته با آزمون و خطا در حال تدوین بهترین رویه‌ها برای بهره‌برداری از AI در نظام قضایی هستند.

ملاحظات حقوقی و اخلاقی به کارگیری هوش مصنوعی

هرچند مزایای هوش مصنوعی در حوزه کارشناسی رسمی قضایی چشمگیر است، اما استفاده از این فناوری بدون در نظر گرفتن چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. در این بخش به مهم‌ترین ملاحظات اشاره می‌کنیم:

■ **قابلیت اتکا و توضیح‌پذیری (Reliability & Explainability):** تصمیمات و تحلیل‌های ارائه‌شده توسط AI باید قابل توضیح و تشریح در دادگاه باشند. از آنجا که نظریه کارشناس رسمی باید برای قاضی قابل فهم و ارزیابی باشد، (برای مثال، پیش‌نویس قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا بر الزام شفافیت در سیستم‌های هوش مصنوعی با کاربردهای پرخطر که می‌تواند

شامل کاربردهای قضایی باشد تأکید دارد)، بنابراین کارشناس باید از ابزارهایی استفاده کند که امکان استخراج شواهد قابل ارائه از آنها وجود داشته باشد.

■ **بیطرفی و عدم تبعیض:** الگوریتم‌های AI بر پایه داده‌های گذشته آموزش می‌بینند و اگر آن داده‌ها سوگیری‌های تبعیض‌آمیز داشته باشند، خروجی AI نیز تبعیض را بازتولید خواهد کرد. در یک فرآیند کارشناسی (مثلاً ارزش‌گذاری شرکت یا ملک)، اگر مدل AI به‌طور سیستماتیک املاک در مناطق پایین‌شهر را کمتر ارزیابی کند یا بر اساس جنسیت افراد پیش‌بینی کند، این امر خلاف عدالت است و می‌تواند تبعات حقوقی داشته باشد. قوانین ضد تبعیض ایالات متحده به صراحت شامل خروجی مدل‌های الگوریتمی نیز می‌شوند. به همین دلیل، نظارتی انسانی و آزمون منصفانه بودن نتایج ضروری است. کارشناسان باید مدل‌ها را برای کشف سوگیری آزمون کنند و در صورت مشاهده سوگیری، در گزارش توضیح یا اصلاحات لازم را اعمال کنند.

■ **حفظ حریم خصوصی و محرمانگی داده‌ها:** داده‌هایی که برای آموزش یا به‌کارگیری AI استفاده می‌شوند، ممکن است شامل اطلاعات محرمانه تجاری یا شخصی (به‌طور مثال، صورت‌های مالی محرمانه شرکت یا ایمیل‌های خصوصی) باشند. استفاده از پلتفرم‌های AI مبتنی بر ابر (Cloud) می‌تواند خطر نقض حریم خصوصی یا افشای اطلاعات را به همراه داشته باشد. بنابراین، طبق الزامات قانونی مانند GDPR در اروپا یا مقررات داخلی حفاظت از داده‌ها، کارشناسان موظفند اطمینان حاصل کنند که داده‌های پرونده در فرآیند AI ایمن می‌مانند و بدون مجوز به اشتراک گذاشته نمی‌شوند. گاهی اوقات لازم است مدل‌ها به صورت آفلاین و ایزوله (بدون اتصال به شبکه‌های برون‌سازمانی) اجرا شوند تا از اطلاعات حفاظت شود.

■ **مسئولیت و نظارت انسانی:** استفاده از AI در فرآیند کارشناسی هرگز نباید به معنای سلب مسئولیت از کارشناس باشد. در نهایت، کارشناس رسمی به عنوان صاحب امضا و مسئول نظر کارشناسی در برابر دادگاه پاسخگو است. هر نتیجه‌ای که AI ارائه

می‌دهد، باید توسط کارشناس ارزیابی و تایید شود. رویه مطلوب آن است که کارشناس در گزارش خود تصریح کند از کدام ابزار AI استفاده کرده و به چه شکل، صحت خروجی آن را ارزیابی کرده است. این شفاف‌سازی اعتماد قضات را جلب می‌کند و در صورت بروز اشتباه، نشان می‌دهد که کوتاهی از جانب کارشناس نبوده، بلکه محدودیت فناوری دخیل بوده است. ■ **توانمندسازی و آموزش کارشناسان:** ملاحظه آخر آنکه، آموزش مهارت‌های AI به کارشناسان رسمی اهمیت روزافزون یافته است. برای استفاده صحیح از این فناوری، کارشناسان نیاز دارند که درک اولیه‌ای از نحوه کار الگوریتم‌ها، نقاط قوت و ضعف آنها و روش تفسیر نتایج به زبان حقوقی پیدا کنند. اکنون بسیاری از نهادهای قضایی در کشورهای پیشرفته، در حال تدوین راهنماها و برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات و کارشناسان درباره هوش مصنوعی هستند تا فاصله دانش فناوری و حقوق را پر کنند. توجه به این ملاحظات باعث می‌شود که هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار مطمئن و مشروع در فرآیند قضایی شناخته شود. با ایجاد تعادل میان نوآوری فناورانه و رعایت اصول حقوقی و اخلاقی، می‌توان از حداکثر ظرفیت‌های AI در راستای تحقق عدالت و کارآمدی بهره برد.

منابع:

- 1) NIST. 2023. Artificial Intelligence Risk Management Framework (AI RMF 1.0). Gaithersburg, MD: National Institute of Standards and Technology.
- 2) ISO/IEC. 2023. ISO/IEC 42001:2023: Information Technology – Artificial Intelligence – Management System. Geneva: International Organization for Standardization.
- 3) Forensic Science International: Synergy. 2024. "From Understanding to Justifying: Computational Reliability for AI-Based Forensic Evidence Evaluation." Forensic Science International: Synergy 9: 100554.
- 4) Grossman, Maura R., and Gordon V. Cormack. 2011. "Technology-Assisted Review in E-Discovery Can Be More Effective and More Efficient Than Exhaustive Manual Review." Richmond Journal of Law & Technology 17 (3).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی در حال متحول ساختن حوزه کارشناسی رسمی قضایی بازرگانی است. همانطور که دیدیم، از کشف تباری در داده‌های بازار گرفته، تا ارزیابی دقیق‌تر ارزش دارایی‌ها، و از شناسایی تقلب‌های مالی پیچیده، تا مرور هوشمند انبوه اسناد، همه و همه با کمک AI کارآمدتر شده‌اند. تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که به‌کارگیری صحیح این فناوری می‌تواند دقت کارشناسی را بالا ببرد، سرعت رسیدگی را افزایش و هزینه‌ها را کاهش دهد. در عین حال، نقش کارشناس انسانی به عنوان ناظر و تفسیرگر نهایی نتایج AI کماکان پررنگ است و فناوری، جایگزین تخصص و قضاوت انسانی نشده است. بلکه ترکیب هوش مصنوعی و هوش انسانی است که بهترین نتایج را به بار می‌آورد. برای نظام قضایی و کارشناسان رسمی، ورود AI فرصتی تاریخی جهت ارتقای عدالت و شفافیت در رسیدگی‌ها فراهم کرده است. با تدوین مقررات و استانداردهای مناسب (همانند آنچه در آمریکا برای مدل‌های ارزیابی الگوریتمی یا در روند پذیرش ادله الکترونیکی شاهد بودیم) می‌توان اطمینان حاصل کرد که این ابزار قدرتمند به درستی مهار می‌شود. بدون تردید، آینده کارشناسی رسمی، با فناوری گره خورده و کارشناسانی موفق خواهند بود که مهارت بهره‌گیری از هوش مصنوعی را در کنار دانش تخصصی حقوقی و مالی خود داشته باشند. به بیان دیگر، کارشناس رسمی دادگستری عصر جدید، کسی است که هم در علم حقوق و بازرگانی تبحر دارد و هم دوست و همراه فناوری‌های نوینی چون هوش مصنوعی است و نتیجه این هم‌افزایی، خدمت بهتر به عدالت و اقتصاد خواهد بود.

چگونگی انجام عملیات طراحی و اجرای ساختمان شماره ۲ کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران (سعادت آباد)



حسن ارباب

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
راه و ساختمان

ردیف	سال	شرح عملیات انجام گرفته	نام شرکت و سازمان انجام دهنده	ملاحظات
۱	۱۳۷۶	تهیه زمین ۱۰۰۰ مترمربع	سازمان زمین شهری	در دوره آقای مهندس ایثاری تقریباً به صورت هبه
۲	۱۳۸۹	تعیین مشاور اولیه جهت طراحی کلان (جهت اخذ پروانه)	شرکت بافت بنا و دژایستا	در دوره حاج آقا بهرامعلی
۳	۱۳۹۳	اخذ پروانه اولیه برای ۶ طبقه روی همکف	شهرداری منطقه ۲	در دوره حاج آقا بهرامعلی
۴	۱۳۹۳-۱۴۰۰	تشکیل کمیته فنی (دفتر فنی و کمیسیون ساختمان و تاسیسات)	آقایان مهندس سعیدی، گنابادی، ارباب، فاطمی، عباسی، رهبر، سیدمحمد حسینی، پسندیده و...	با تایید هیئت مدیره در زمان حاج آقا بهرامعلی و آقای دکتر علیپور با به خدمت گرفتن آقای مهندس حسینی رودباری برای هدایت دفتر فنی
۵	۱۳۹۴-۱۴۰۰	انتخاب مهندس مشاور (طراح و دستگاه نظارت)	مهندسین مشاور آرگ بم	ترک مناقصه
۶	۱۳۹۵-۱۳۹۴	انجام گودبرداری و پایدارسازی گود	شرکت سروش دریایی	مناقصه با هدایت دکتر فخراریان (هد ژئوتکنیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر)
۷	۱۳۹۷-۱۳۹۵	اجرای پی، دیوار حائل، اسکلت فلزی، سفت کاری ضمن ارتقاء پروانه برای ۸ طبقه روی همکف	شرکت وزان - شهرداری منطقه ۲	سقف کامپوزیت، عرشه فولادی
۸	۱۳۹۸-۱۴۰۰	اجرای باقیمانده عملیات سفتکاری، نازک کاری و تاسیسات الکتریکی و مکانیکی	شرکت تاسیساتی الکتریکوم	مناقصه
۹	۱۳۹۷-۱۴۰۰	خرید اقلام عمده ساختمان (چیلر، بویلر، برج خنککننده، هواساز، فن کویل، آسانسورها و ژنراتور)	شرکتهای تهویه و نیکوبران آسیا بصورت امانی توسط کانون	مناقصه
۱۰	۱۳۹۹-۱۴۰۰	اجرای ناماسازی ضلع جنوب و شرق و با پنجره و لوور بصورت کامل	شرکت کویر	طرح سرامیک خشک
۱۱	۱۳۹۹-۱۴۰۰	پوشش داخلی سالنهای آمفی تئاتر و سالن کنفرانس و تجهیزات مربوطه (مبلمان)	شرکت مهرار طرح	تجهیزات صوتی و روشنایی سالنها و اتاق کنفرانس
۱۲	۱۳۹۹-۱۴۰۰	انجام کارهای امانی (دربگردان، درب ضلع جنوبی، نقاشی کلاچمر، کاپیت، فلاشینگ، سنگ اسلب، پیادهروسازی و...)	سنگ سپاهان، نماچوب، مهرسان نوین، عبادنژاد و...	بصورت امانی توسط کانون و مجری پروژه (آقای مهندس ارباب)
۱۳	۱۳۹۶-۱۴۰۰	خرید خدمات نظارت و مجری	شرکت طرح و ستاره بهینه و پویا اسکان	با توجه به حضور کمیته فنی کانون، سه سال آخر از گرفتن مجری تشریفاتی و پرداخت هزینه توانستیم معاف شویم.
۱۴	۱۳۹۹-۱۴۰۰	خرید انشعابات آب، برق، گاز و تلفن	سازمانهای مربوطه با همکاری عزیزان کارشناس	
۱۵	۱۴۰۱	شروع بهره برداری با خرید تجهیزات داخلی، مبلمان و لوازم بعضی سرویسها	رأسا توسط کانون کارشناسان بصورت امانی انجام شده	
۱۶	۱۴۰۳-۱۴۰۲	تهیه دیگر نیازهای ساختمان (دربهای کبرکهای، دوربینها، پرده آتش، کیوسک نگهبانی، پردهها، میز و صندلی اتاقهای آموزشی و...)	رأسا توسط کانون کارشناسان بصورت امانی انجام شده	انجام تسویه حساب پیمانکاران



مقدم، جاوید، انجم شعاع، رزمیان فرد، انصاری شاد، کریمی آنچه، دهقان پور و اعضای کمیسیون ساختمان و تاسیسات (بند ۴) به همراهی و پشتیبانی هیئت مدیره سه دوره کانون و ریاست آقایان بهرامعلی، علیپور، تیموری. با پوشش از عزیزان همراه و هماهنگ کننده که نام شان از قلم افتاده است.

جهت طراحی اولیه و انتخاب مهندس مشاور و پیمانکاران، اخذ انشعابات و اخذ مجوز از شهرداری و دیگر ارگان ها، عزیزان همکار هر یک در دوره زمانی مورد نیاز در انجام بهتر پروژه به لحاظ صرفه اقتصادی و کیفی و سرعت، کمک نموده اند. آقایان مهندسین ابراهیمی قاجار، معظمی، فامیلی، سعیدی، طباطبایی

مشخصات، مساحت و کاربری طبقات ساختمان شماره ۲ کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران - سعادت آباد
پلاک ثبتی: ۷۲/۸۰۲/۴۴۲ - مساحت عرصه: ۱۰۰۰ m^۲ (۸۲۰ m^۲ اصلاح شده) - پروانه: ۲۲۱۶۵۳۷۴ - تاریخ: ۳۰ بهمن ۱۳۹۸
آخرین عدم خلاف: دی ماه ۱۴۰۰

ردیف	طبقه	متراژ m ^۲	کاربری حال حاضر ساختمان
۱	طبقه هشتم	۶۳۰	سالن (FLAT) باز پشتیبانی و تالار
۲	طبقه هفتم	۶۰۸	سالن (FLAT) باز پیشنهاد کلینیک سلامت کارشناسان
۳	طبقه ششم	۶۰۸	سالن (FLAT) باز پذیرایی و پشتیبانی
۴	طبقه پنجم	۶۰۸	کلاسهای آموزشی، کتابخانه و پژوهش
۵	طبقه چهارم	۶۰۸	کلاسهای آموزشی، اساتید و مدیریت آموزش
۶	طبقه سوم	۶۰۸	سالن جلسات (کنفرانس) مدیریت (هیئت مدیره)
۷	طبقه دوم	۶۳۵	تراس آمفی تئاتر (سالن همایش) و سالن جنبی
۸	طبقه اول	۶۲۵	سالن آمفی تئاتر و تریا
۹	طبقه همکف	۵۹۶	لابی - بوفه (قبلا محل بانک پیشنهاد بود) - تلفن خانه
۱۰	زیرزمین ۱-	۵۹۶	خدمات (نمازخانه، سرایداری، انبار و پارکینگ)
۱۱	زیرزمین ۲-	۸۱۲	پارکینگ، اتاق ژنراتور و فضای بالای موتورخانه
۱۲	زیرزمین ۳-	۸۱۲	پارکینگ، موتورخانه (طبقه همکف موتورخانه)
۱۳	زیرزمین ۴-	۸۱۲	پارکینگ
۱۴	زیرزمین ۵-	۸۱۲	پارکینگ
۱۵	زیرزمین ۶-	۸۱۲	پارکینگ
۱۶	زیرزمین ۷-	۸۱۲	پارکینگ
۱۷	زیرزمین ۸-	۸۱۲	پارکینگ، تاسیسات پمپخانه ها، منابع ذخیره آب، بوستر آب و آتشنشانی، چاه های زهکش
۱۸	بام	خرپشته و فضاهای تاسیساتی	بام مشتمل بر استقرار تاسیسات، هواسازها، منابع و اتاقک آسانسور
جمع		۱۱,۸۰۶ m ^۲	

۵. در طبقات زیرزمین مخازن آب شرب، مصرفی و آتش نشانی و ۳ بوستر آب و آتش نشانی نصب گردیده است.

۶. تاسیسات مستقر در بام و پشت بام و خرپشته مکمل تاسیسات ساختمان است.

۷. سرمایش و گرمایش از طریق ۳ چیلر و ۲ بویلر و ۶ دستگاه هواساز و ۸۱ فن کویل سقفی و برج های خنک کن تامین می شود.

۸. در زیرزمین آخر از طریق دو چاه، آب ناشی از زهکشی بستر ساختمان با تعبیه پمپ به بیرون ساختمان هدایت می گردد.

۹. نمازخانه بصورت تفکیک شده آقایان و خانم ها با طرح و اجرای محراب مزین به آیات مرتبط با کارشناسان به انتخاب مجری و هیئت مدیره وقت انجام شده است.

تعداد پارکینگ ها حدود ۹۰ واحد در پروانه + چند واحد آزاد

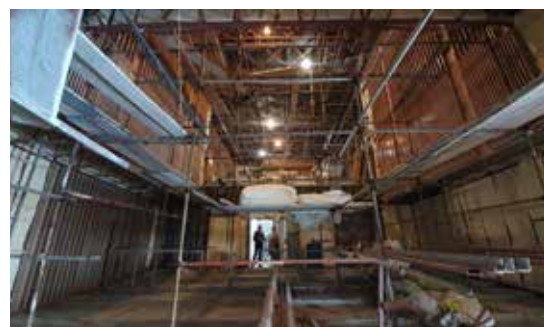
توضیحات (تجهیزات و تاسیسات)

۱. ساختمان از ۲ هسته راه پله به صورت شمالی و جنوبی و راه پله دسترسی همکف به ۱- و راه پله فضاهای سالن آمفی تئاتر برخوردار است.

۲. ساختمان دارای ۵ دستگاه آسانسور (۴ دستگاه ۸ نفره و یک دستگاه ۱۳ نفره اضطراری زمان آتش) است.

۳. مجموعه دارای اسکلت فلزی پوشیده شده با اندود مقاوم در برابر آتش بوده و برخوردار از تجهیزات کامل اعلام و اطفای حریق آدرس پذیر (زون بندی شده) و سیستم اگزااست مکش دود می باشد.

۴. ساختمان دارای پست برق اختصاصی و دیزل ژنراتور ۸۰۰ KVA است.





د

پس از کناره‌گیری
از فعالیت‌های
سیاسی، معین‌فر
تا پایان عمر به
فعالیت‌ها و خدمات
حرفه‌ای خود ادامه
داد. در سال ۱۳۸۱
کانون مهندسين
فارغ‌التحصیل
دانشکده فنی
دانشگاه تهران،
معین‌فر را به عنوان
مهندس برجسته
معرفی کرد

مرحوم مهندس
علی اکبر معین‌فر

مفاخر کانون

دانشکده فنی دانشگاه تهران ثبت نام کرد و از سال دوم، ادامه تحصیل در رشته راه و ساختمان را انتخاب کرد. وی در سال ۱۳۳۰ تحصیلات خود را در این رشته به پایان برد و در سال ۱۳۳۱ به خدمت سربازی، اعزام شد. از سال ۱۳۳۲ فعالیت در صنعت نفت را آغاز کرد و برای کار در پالایشگاه آبادان عازم آن شهر شد. بعدها در بانک ساختمان به عنوان مهندس ناظر مشغول کار شد.

علی اکبر معین‌فر (زاده ۲۲ دی ۱۳۰۶ در تهران و درگذشته ۱۲ دی ۱۳۹۶ در تهران)، سیاست‌مدار و مدیر ارشد اجرایی ایرانی بود، که نخستین وزیر نفت ایران پس از ایجاد این وزارتخانه جدید محسوب می‌شود. وی دانش‌آموخته مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران (در سال ۱۳۳۰) و کارشناسی ارشد مهندسی زلزله از دانشگاه واسدا (Waseda توکیو) در سال ۱۳۳۹ است. علی اکبر معین‌فر در سال ۱۳۲۶ در آزمون ورودی



**معین فر در سازمان
برنامه و بودجه،
شروع کننده بسیاری
از آیین نامه ها و
دستورالعمل های
فنی بود و علاوه بر
استاندارد ۵۱۹ که
شاید قدیمی ترین
دستورالعمل
فنی در صنعت
ساختمان ایران
باشد، «آیین نامه
بتن ایران» در
زمان تصدی وی در
سازمان شروع شد**

هندوستان بود. او در سال ۲۰۰۲ به دریافت لوح تقدیر از طرف مسئولان اروپایی مهندسی زلزله نایل شد که در کنفرانس بین المللی زلزله در مهندسی به وی اعطا شد.

معین فر از فعالان حرکت های اجتماعی در جامعه مهندسان کشور نیز محسوب می شود. بنیان گذاری انجمن مهندسان محاسب کشور، فعالیت مؤثر در شورای عالی کانون فارغ التحصیلان دانشکده فنی و بالاخره، فعالیت به عنوان کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه و ساختمان از جمله خدمات وی محسوب می شود.

او از اعضای برجسته کانون کارشناسان رسمی دادگستری به حساب می آید و در صلاحیت های امور مربوط به ساختمان و محاسبات فنی، متره، برآورد مخارج و ارزیابی تشخیص حسن انجام کار، تعیین میزان خسارات و تعمیرات اعم از ساختمان های فلزی و بتن مسلح و متعارف و برای امور مربوط به نقشه برداری شامل مثلث بندی، مساحی، ترازبایی، پیاده کردن نقشه، تعیین و تشخیص حدود ثبت املاک و برای محاسبات ضد زلزله ساختمان ها و تعیین مال الاجاره و اجرت المثل و افراز فعالیت می نمود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل کابینه دولت موقت، معین فر به عنوان وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه برگزیده شد. از یازدهم فروردین ۱۳۵۸ که عزت الله سعابی، سرپرست سازمان برنامه و بودجه شد، علی اکبر معین فر به عنوان اولین وزیر وزارتخانه تازه تاسیس نفت معرفی شد.

با تغییر دولت و پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۵ بهمن سال ۱۳۵۸، در تاریخ ۲۴ اسفند سال ۱۳۵۸ اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد. معین فر در این انتخابات با کسب یک میلیون و ۴۳۹ هزار و ۳۶۰ رأی، در رتبه چهارم به عنوان نماینده تهران به مجلس راه یافت.

پس از کناره گیری از فعالیت های سیاسی، معین فر تا پایان عمر به فعالیت ها و خدمات حرفه ای خود ادامه داد. در سال ۱۳۸۱ کانون مهندسين فارغ التحصيل دانشکده فنی دانشگاه تهران، معین فر را به عنوان مهندس برجسته معرفی کرد.

علی اکبر معین فر در تاریخ ۱۲ دی سال ۱۳۹۶ در سن ۸۹ سالگی، به دلیل بیماری کلیوی در منزل شخصی اش در تهران درگذشت. روانش شاد، یاد و نامش همیشه گرامی باد.

در سال ۱۳۳۸ معین فر به دنبال آشنایی و همکاری با یک گروه مهندسی ژاپنی که برای بررسی زلزله تیرماه سال ۱۳۳۶ مازندران به ایران آمده بودند، از سوی «تاچی نایتو» استاد برجسته زلزله و طراح و سازنده برج توکیو، برای دوره ای تحقیقاتی در رشته مهندسی زلزله به دانشگاه واسدا دعوت شد و در سال ۱۹۶۰ میلادی، دوره مهندسی زلزله را به پایان رساند. بعد از بازگشت از توکیو و به دنبال زلزله بویین زهرا در سال ۱۳۴۱ مقدمات تهیه کد زلزله در ایران را فراهم کرد. از سال ۱۹۶۵ به عنوان عضو افتخاری «انجمن اروپایی مهندسين زلزله» به تحقیق و مطالعه در زمینه زلزله ادامه داد. مدتی نیز به عنوان استاد پاره وقت در مقطع فوق لیسانس، به تدریس مهندسی زلزله در دانشگاه پلی تکنیک پرداخت. وی از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ در بانک ساختمانی و از آن زمان تا پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، در دفتر فنی سازمان برنامه و بودجه کشور به فعالیت مشغول بود.

موضوع مهندسی زلزله و اساس طراحی ساختمان ها در برابر زلزله در کشور، با نام علی اکبر معین فر شروع شده است. وی بنا به درخواست «ابوالحسن بهنیا» که ریاست وقت دفتر فنی سازمان برنامه و بودجه را بر عهده داشت، به آن سازمان دعوت به کار شد.

طرح تهیه تاریخچه زلزله های مخرب ایران که بعدها مبنای تهیه «پهنه بندی زلزله» ایران شد، توسط وی پیشنهاد گردید. ایجاد شبکه شتاب نگاری کشور، از خدمات بنیادی معین فر در زمان فعالیت در دفتر فنی سازمان برنامه و بودجه بود. تدوین آیین نامه زلزله ایران در دهه ۱۳۴۰ در دفتر فنی سازمان برنامه و بودجه توسط وی و به راهنمایی ابوالحسن بهنیا آغاز شد.

معین فر در سازمان برنامه و بودجه، شروع کننده بسیاری از آیین نامه ها و دستورالعمل های فنی بود و علاوه بر استاندارد ۵۱۹ که شاید قدیمی ترین دستورالعمل فنی در صنعت ساختمان ایران باشد، «آیین نامه بتن ایران» در زمان تصدی وی در سازمان شروع شد.

خدمات معین فر در زمینه مطالعات مربوط به زلزله های ایران، برای وی افتخاراتی علمی نیز به همراه آورد.

وی به مدت هشت سال عضو هیئت مدیره «مؤسسه بین المللی زلزله» و «مؤسسه اروپایی مهندسی زلزله» در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود و تا پیش از درگذشت، عضو مادام العمر جامعه مهندسی زلزله



در جلسه هم اندیشی با حضور ممیزان رشته راه و ساختمان تأکید شد:

افزایش دقت و کیفیت نظریه های کارشناسی ضروری است

کیفیت گزارش ها و نظریه های کارشناسی برپا شد. لازم به ذکر است؛ مباحث این جلسه هم اندیشی، پیرامون فرآیندهای ممیزی در راستای ارتقای توأمان «دقت» و «سرعت» در انجام کارهای کارشناسی مطرح شد و مورد تبادل نظر بین حاضران قرار گرفت.

جلسه هم اندیشی، با حضور ممیزان رشته راه و ساختمان کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و اعضای هیئت رئیسه گروه تخصصی راه و ساختمان و نقشه برداری برگزار شد. این جلسه با هدف اثربخشی واحد ممیزی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و در راستای ایجاد دقت و افزایش

بیانیه کانون تهران در پی هتک حرمت کارشناس رسمی دادگستری

مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان صادر و وی به بازداشتگاه آگاهی در تهران منتقل می شود. مجموعه این وقایع در حالی رخ داده است که هیچ مبانی قانونی برای چنین برخوردهایی وجود ندارد و حقوق شهروندی و حرفه ای کارشناس یادشده، به طور آشکار نقض شده است. صرف نظر از جزئیات امر، نظر به این که اقدام مذکور با هیچ یک از مبانی قانونی انطباق ندارد، به طور قطع این حجم از فشار به یک بانوی فرهیخته و متخصص، آن هم در اثنای انجام وظیفه قانونی، مورد تأیید قانون گذار و مسئولان عالی رتبه قضایی نیست.

علی هذا، بدین وسیله مراتب تأسف و تأثر کانون و قاطبه کارشناسان رسمی دادگستری را نسبت به این گونه برخوردها اعلام می-کنیم و انتظار داریم که برخورد قاطعی با خاطیان این واقعه صورت پذیرد. در خاتمه امیدواریم که با تدابیر و دستورات ریاست محترم قوه قضاییه در راستای صیانت از شأن و جایگاه کارشناسان رسمی دادگستری، که در حکم بازوان متخصص و امین دستگاه قضا شناخته می شوند، از این پس شاهد این گونه برخوردهای نامناسب نباشیم.

حسب اطلاع واصله، رویدادی تأسف بار در یکی از شعبات قضایی بخش خاوران به وقوع پیوسته است که موجب نگرانی عمیق جامعه کارشناسان رسمی دادگستری شده و غفلت از این موارد مهم، خدشه دار شدن اعتماد عمومی به دستگاه قضا را به دنبال دارد.

این واقعه که با نقض آشکار کرامت انسانی و اصول قانونی همراه بوده، ضرورت بررسی فوری و دقیق مسئله را دوچندان می کند.

ماجرای از این قرار است که در جریان مراجعه یکی از بانوان کارشناس رسمی در رشته تشخیص اصالت خط، امضا و اثر انگشت، به یکی از شعبات بخش خاوران برای ارائه نظریه تکمیلی، وی ضمن مواجهه با معطلی و عدم همکاری در ارائه پرونده، با برخورد نامناسب و توهین آمیز یکی از کارمندان شعبه نیز مواجه می شود.

حسب اظهار مشارالیه، این برخورد در نهایت با تحریک مدیر دفتر و سپس دخالت مسئول شعبه، به بازداشت، دستبند زدن و انتقال غیرقانونی وی به بازداشتگاه مجتمع قضایی منجر می شود. پس از این اقدام، کارشناس مذکور با اتهام «برهم زدن نظم دادگاه» مواجه شده و قرار وثیقه ای به





در مراسم روز کارشناس مطرح شد:

نقش بی بدیل کارشناسان رسمی در تحقق عدالت

سپس حجت الاسلام دکتر مجید انصاری، معاون حقوقی رییس جمهور به عنوان سخنران اصلی مراسم روز کارشناس، به ایراد سخنرانی پرداخت.

در بخش بعدی، دکتر حاجی رضا شاکرمی، قائم مقام رییس کل دادگستری استان تهران، به بیان اظهارات خود پرداخت و در ادامه مراسم، دکتر حجت الله صیدی، رییس سازمان بورس و اوراق بهادار، درباره جایگاه تخصص و سلامت کارشناسی در نظام اقتصادی کشور به ایراد سخنرانی پرداخت.

گفتنی است؛ در این مراسم، از کتاب ترجمه استانداردهای بین المللی ارزش گذاری (IVS) و تمبر یادبود روز کارشناس رونمایی شد. همچنین بخش هنری برنامه با اجرای زنده موسیقی حجت اشرف زاده توسط گروه هنری برگزار شد.

در پایان، از شرکت کنندگان و دست اندرکاران برگزاری این مراسم تقدیر شد و برنامه با پذیرایی خاتمه یافت.

مراسم گرامیداشت روز کارشناس و جشن استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری به همت کانون استان تهران، روز پنجشنبه اول آبان ماه ۱۴۰۴ در سالن همایش های برج میلاد برگزار شد.

در این مراسم معاون حقوقی رییس جمهور، جمعی از مقامات و مدیران ارشد دستگاه قضایی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کارشناسان رسمی حضور داشتند.

این مراسم ابتدا با پخش سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز شد و پس از آن، خانم خامنه به عنوان مجری، ضمن خوش آمدگویی، برنامه را رسماً افتتاح کرد.

در ادامه، دکتر محمدجواد تیموری، رییس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، ضمن تبریک روز کارشناس و ارائه گزارشی از فعالیت ها و برنامه های آتی کانون، بر نقش بی بدیل کارشناسان رسمی در تحقق عدالت تأکید کرد.





تیموری در جلسه مشترک کانون کارشناسان تهران با کانون وکلای دادگستری مرکز تأکید کرد:

لزوم صیانت از استقلال کارشناسان و وکلا



و سرنوشت مشترک هستند. به همین دلیل، با همکاری‌های مشترک در جهت هم‌افزایی برای تعامل با دولت، مجلس و دستگاه قضایی درخصوص موضوعات دارای مبنای مشترک نظیر مسائل و تبعات قانون تسهیل و در نتیجه اصلاح آن، می‌توان گفت وگو و انجام اقدامات مشترکی را هماهنگ و مواضع را برای تأثیرگذاری بیشتر، به طور واحد اعلام کرد.

ابریحان پذیرش خارج از گنجایش کانون‌ها

در ادامه این جلسه مشترک، هر دو طرف با یادآوری مواضع واحدی که پیش از این نیز، درباره تبعات قانون تسهیل بارها تأکید شده است، بار دیگر نسبت به ابریحان پیش رو به خاطر پذیرش سالانه خارج از گنجایش سازمان کانون‌ها هشدار دادند.

همچنین در این جلسه، از مسئولان امر در قوای سه‌گانه درخواست مؤکد شد که برای حفظ شئون کارشناسی و وکالت، هر چه سریعتر از جذب عنان گسیخته و در نتیجه آسیب‌های اجتناب‌ناپذیر قانون تسهیل به نظام وکالت و کارشناسی و سردفترداران و به تبع آن، آسیب‌های وارده به نظام قضایی و دستگاه عدالت کشور، چاره‌ای بیندیشند. در انتهای جلسه مقرر شد، با توجه به مباحث مطروحه و استقبال هر دو کانون، با تشکیل کارگروه هماهنگی امورات مشترک در چارچوب مذاکرات به عمل آمده، طی تفاهم‌نامه فی‌مابین توافق و پیگیری شود.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران روز دوشنبه مورخ ۱۹ آبان ۱۴۰۴ میزبان کانون وکلای دادگستری مرکز در ساختمان ظفر بود.

در این جلسه مشترک که با حضور رؤسای هر دو کانون و تعدادی از اعضای هیئت مدیره طرفین، دادستان انتظامی کانون کارشناسان، مشاوران امور حقوقی و امور پارلمانی هر دو کانون کارشناسان و وکلای دادگستری مرکز برگزار شد، طرفین بر تشریح مساعی در حوزه‌های مشترک تأکید کردند.

استقلال هر دو نهاد در خطر است

دکتر محمدجواد تیموری در ابتدای این نشست هم‌افزایی و هم‌اندیشی، ضمن خیر مقدم به مدعوین، با اشاره به منشأ قانونی به رسمیت شناخته شدن استقلال به عنوان یک امر مشترک مهم در پیشینه حیات حرفه‌ای کانون‌ها از آغاز تاکنون، گفت: یکی از حیطة‌هایی که در معرض تهدید قرار دارد، تهدید استقلال هر دو نهاد است. وی ادامه داد: لذا بر پایه قانون که وکلا و کارشناسان مستقل هستند؛ باید بر صیانت از ویژگی استقلال نهاد کانون کارشناسان و وکلا به عنوان رسالت مهم پافشاری کنیم.

دو نهاد، دارای منافع و اهداف مشترک هستند

همچنین در ادامه جلسه، شاه محمدی، رئیس کانون وکلای مرکز با تأیید مواضع رییس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران گفت: این دو نهاد مستقل، دارای منافع، راهبرد، اهداف



هفت خروجی نشست هم‌اندیشی گروه‌های تخصصی ۱۲ گانه

صنایع بزرگ نظیر بنادر و کشتیرانی، صنایع هوایی، مجتمع‌های بزرگ نیروگاهی، پالایشگاهی، پتروشیمی و صنایع نفت و واحدهای صنعتی وابسته، منابع طبیعی، آب و صنایع کشاورزی، صنعت هسته‌ای و بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و صنایع کشور، و با توجه به اینکه دفاتر مرکزی و تکالیف مکاتباتی رسمی با محل ثبت شرکت‌های آنها و سازمان رسیدگی‌کننده به حسابداری و حسابرسی‌ها طبق قانون تجارت و الزامات سازمان بورس و ضرورت‌های مذاکراتی با کارفرمایان دستگاه‌های دولتی و خصوصی؛ وظایف و اختیارات حقوقی در قالب قراردادهای پایداری که به استناد مفاد دیگر قوانین بالادستی یا همتراز، تنظیم و منعقد شده‌اند و یا می‌شوند، همگی از عدم امکان منع ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های جغرافیایی کارشناسان حکایت می‌کند؛



نشست مشترک هم‌اندیشی گروه‌های تخصصی ۱۲ گانه کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، با حضور ارکان این کانون برگزار شد. در این نشست مشترک، موارد زیر به عنوان اهم مباحث مطرح شد:

۱- تأکید بر انسجام و همبستگی درونی نهاد کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری در سراسر کشور و حفظ و نگهداشت حرمت کانون تهران به عنوان نماد پیدایش ظرفیت کارشناسی رسمی کشور و مادر همه کانون‌ها؛
۲- پرهیز از مواضع و حرکات‌های ضد ملی و پاسداری از استقلال کانون استان‌ها در برابر هر گونه دخالت مغایر قانون و مخالفت با هر گونه نقض اراده و اختیارات آنها بر مبنای قانون؛

۳- صلاحیت‌های تخصصی و علمی کارشناسان مطابق پروانه‌های کارشناسی صادره برای هزاران کارشناس رسمی دادگستری در اقصی نقاط کشور، نه تنها به عنوان حقوق مکتسبه کارشناسان، رسمیت دارد؛ بلکه همسو با منافع ملی، مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، در راستای حقوق مالکانه متقاضیان کارشناسی، حق بهره‌برداری از این صلاحیت‌ها در هر نقطه از میهن اسلامی ایران، حق مسلم اشخاص حقیقی و حقوقی صاحبان سرمایه و سهام در جهت صیانت از دارایی‌ها و منافع خصوصی و ملی آنها است؛

۴- ما به عنوان جمع کارشناسان با سابقه و قدیمی در پایتخت، به عنوان مرکز و قلب کشور، دارای پیشینه علمی و حرفه‌ای بیش از ۸۰ سال فعالیت و بالغ بر هزار صلاحیت تخصصی در حدود ۷۰ رشته کارشناسی، بدون آنکه بخواهیم در رقابت و تقابل با دیگر همکاران شریف مان در سراسر کشور قرار بگیریم، اما به صراحت هشدار می‌دهیم که هر گونه سلب استقلال از نهاد کانون‌های استان‌ها از جمله کانون تهران، سلب استقلال از تمامی کارشناسان رسمی دادگستری بوده و موجبات سوء مدیریت، نارضایتی عمومی و اغتشاش در صحت انجام کارشناسی‌ها و ایجاد فرصت‌طلبی برای سودجویان در عرصه اقتصادی و سرمایه‌های مردمی و دارایی‌های ملی را فراهم می‌آورد؛

۵- کارشناس، پُلی است میان دانش و حقیقت و علم و عدالت، و بر مبنای دانش تخصصی خود، نقش واسطه بین قاضی و اصحاب دعوا است. امر کارشناسی در حکم دادگاه و برای دادرسی عادلانه، براساس نظریه کارشناسان و وابسته به دقت، سرعت، کیفیت و استدلال کارشناسی‌ها است و به همین دلیل است که قضات شریف و مستقل، کارشناسان را فارغ از موقعیت جغرافیایی آنان در جهت حصول اطمینان و تحقق عدالت در پرونده‌های قضایی انتخاب می‌کنند؛
۶- با وجود بسیاری از سرمایه‌های ملی در قالب

۷- کارشناسان رسمی دادگستری در استان تهران با کانون متبوع خود هیچگاه انحصارگرایی نکرده و روزانه بسیاری از کارشناسان همکار از سراسر کشور برای امر کارشناسی اعم از قضایی یا غیرقضایی به تهران آمدوشد می‌کنند، بدون آن که بخواهند مورد اعتراض واقع شوند.

کارشناسی شغل محسوب نمی‌شود. حق الزحمه‌های کارشناسی به ازای ارزش‌گذاری دارایی‌ها آنچنان ناچیز است که موجب شگفتی است، به جای توجه به دقت و کیفیت کارشناسی‌ها و ارزیابی‌ها، تا این اندازه روی توزیع دستمزدهای ناچیز کارشناسی تمرکز شده است. در واقع انتظار می‌رود مسئولان عالی‌رتبه، در مقام دفاع از بیت‌المال و حقوق مسلم و مکتسبه و حقوق حقه و عامه مردم، از خود حساسیت نشان دهند و در برابر دخالت‌های خلاف قانون و شکسته شدن سلسله مراتب قوانین برخورد کنند.



روایت‌های کارشناسی

منصور صفرزاده / اعتراض یک کارشناس به دستمزدی کمتر از هزینه رفت و آمد، قاضی را وادار می‌کند به چیزی بیش از قانون فکر کند. این روایت، تقابل نظم و عدالت است. در ذهن قاضی‌ای که میان چهار نسل گرفتار شده: نظمی که به ارث رسیده، عدالتی که قربانی داده، واقعیتی که قیمت دارد و نسلی که هنوز پاسخ می‌خواهد.

دستمزد واقعیت، واقعیت دستمزد

قاضی با شانه در راست دستگیره گیر کرد و یک باره رها شد. صدای فلزی کوتاهی در اتاق پیچید.

صدایی که ناخودآگاه یادآور فعل زنگ‌زده اتاق پدربزرگ بود. آن اتاق بسته‌ای که سال‌های آخر، هیچ‌کس جرأت نمی‌کرد درش را کامل باز کند.

رادیاتور زیر پنجره نیم‌گرم بود. صدای آرام عبور آب از لوله‌ها، سکوت صبح را می‌شکست.

از کنار میز خالی منشی گذشت. استکان چای نیمه خشک، لکه‌ای قهوه‌ای بر جداره اش جا گذاشته بود.

استکان‌های پدر همیشه همین‌طور بود، روی میز وکالتش. روزهایی که چند روز غیب می‌شد. مادر می‌گفت: «رفته دنبال به پرونده سخت...» همان پرونده‌ای که بعدش تلفن زدند:

تصادف... واژگونی... آمبولانس... و هیچ وقت معلوم نشد اتفاق بود یا... چیزی دیگر.

قاضی آهسته نفسش را بیرون داد و روی صندلی بلندش نشست. فنر صندلی تق تق صدا کرد؛

صدای عمای پدربزرگ، وقتی از اتاقش بیرون می‌آمد. پرونده تصادف پدر، زیر بغلش سنگینی می‌کرد. چند ماه آن را برد و آورد. آخر سر با دست خالی برگشت. چند هفته بعد قلبش ایستاد.

کامپیوتر را روشن کرد. نور مانیتور لرزید. لریزش آبی فرمز چراغ آمبولانس را در مه شیشه آن شب...

قاضی پلک زد. نفس کوتاهی در سینه‌اش گیر کرد و رها شد.

قدم‌های تند در راهرو نزدیک شد. در نیمه باز شد. منشی مقنعه‌اش را با عجله جلو کشید، چند تار موی بیرون مانده را پشت گوش جمع کرد و گفت: «جناب قاضی، صبح بخیر. امروز رادیات درست گرم نمی‌کنه. جای بیارم؟»

- بیارید.

منشی برگشت بیرون. از راهرو صدایش آمد: حاج آقا تشریف آوردن. چای آماده پشه.

قاضی به پرونده‌های تلبار شده سبز و آبی کنار مانیتور نگاه کرد. انگشتش بی اختیار به میز ضربه زد. از مانیتور، صفحه فیش حقوق را باز کرد. عددها همان بودند؛ کوچک، مثل همیشه. صفحه گوشی در کنارش روشن شد؛ پیام نیمه‌کاره دختر:

«بابا... ماشین... اقدام...؟ چیزی شد؟ من تنها دختر خونه م... دانشگاه... خجالت...»

جمله تمام نشده بود. اما ادامه اش را می‌دانست. چیزی در گلویش گیر کرد. فیش را بست.

راهرو شلوغ شده بود، پچ‌پچ و قدم‌ها بالا گرفته بود.

قاضی نگاهش را از مانیتور برداشت، اما گوشش به سمت در چرخید؛ منشی سرش را داخل اتاق آورد: «جناب قاضی، کارشناس از دفتر مدیر اومدن. درباره دستمزد اعتراض دارن.»

قاضی زیر لب گفت: «همیشه همینه.» انگشتش بی اختیار به سمت خودکار رفت، آن را میان دو بند انگشت چرخاند.

سکه پدر هم همین‌طور لای انگشت می‌چرخید. در آن روز دوو، روبه‌روی پدربزرگ گفته بود: «قانونی که حرف مردم رو نشنوه، فقط نظم می‌سازه، نه عدالت.» پدربزرگ آن روز چیزی نگفت. فقط عصارا محکم‌تر بر زمین کوبید.

قاضی نفسش را جمع کرد، سینه را جلو داد، صدایش را کمی محکم‌تر کرد: «دعوت شون کنید بیان داخل.»

در آرام باز شد. مردی وارد شد؛ قاضی بدون نگاه گفت: «بفرمایید.»

کارشناس کنار در ایستاد. همان ایستادن محتاط کسی که هنوز اجازه نشستن نگرفته باشد.

قاضی با لحن خشک و رسمی گفت:

«شما... اعتراض به دستمزد داشتید؟» کارشناس گفت: «بله جناب قاضی. خواستم حضوری توضیح بدم.»

قاضی برید: «توضیح باید تو گزارش باشه. اینجا جای توضیح نیست.»

فنر صندلی اش تق تقی کرد. کمرش را صاف کرد و لحنش شکل «بیانیه» گرفت: «... طبق اصول محاکمات حقوقی ۱۲۹۰ بعدش ق آ د م ۱۳۱۸، و همین ماده ۲۶۴ ق آ د م فعلی...، تشخیص کمیت و کیفیت کار و تعیین دستمزد با دادگاهه. صد ساله، همین‌طور بوده.»

در ذهنش پدربزرگ را دید. پشت میز قدیمی، پرونده تصادف روی میز، عینکی که از روی بینی سر می‌خورد و زیر لب می‌گفت: «قاضی باید خودش فهمه...»

چشمش باید کفایت کنه.»

قاضی پلک زد. صدا خاموش شد.

کارشناس گفت: «فقط می‌خواستم کمی توضیح بدم، همین...»

قاضی نگاه کوتاهی به او انداخت. نه برای شنیدن، برای بستن بحث: «عرض کردم... اینجا جای توضیح نیست.»

چند ثانیه مکث. قاضی روی مانیتور، صفحه «درخواست افزایش» را باز کرد. نام کارشناس بالا آمد و دستش روی ماوس خشک شد: «آبدین داوور»

چیزی در ذهنش عقب کشیده شد و برگشت. پدرش پشت میز وکالت، همان دفتر شلوغ، استکان‌های لکه‌دار... و جمله‌ای که گفته بود: «عدالت... بدون شنیدن، بدون فهمیدن... اسمش داووری نیست. حکم نشنیده فقط نظم می‌سازه، نه عدالت.»

قاضی نفسش را جمع کرد. سرش را بالا آورد. مرد روبه‌رو موهای جوگندمی داشت. کت وشلوار سرمه‌ای، صورت تراشیده، و نگاهی که نه ترس داشت، نه گلایه؛ فقط انتظار.

قاضی با دست به صندلی جلو میز اشاره کرد: «بنشینید.»



می‌رفت محل... بایه نگاه می‌فهمید مشکل از کجاست.»
 کارشناس نرم گفت: «یعنی تشخیص از ظاهر ممکن بود.»
 قاضی نفس بیرون داد، نه از موافقت، از اینکه یادآوری گذشته همیشه چیزی رادر گلویش سفت می‌کرد.
 کارشناس کمی جلو آمد: «اما امروز... جناب قاضی، اگر همین دیوار کج باشه، شما می‌تونید تشخیص بدید اشکال از سازه است؟ از تأسیسات؟ از کدوم آیین‌نامه تخطی شده؟»
 قاضی نگاهش را به پنجره داد. اثر رطوبت، دیشب هنوز در گوشه شیشه موج داشت. کارشناس ادامه داد: «امروز هر ساختمان چندین شاخه برق، ده‌ها آیین‌نامه سازه، چندین تخصص تأسیسات داره، هیچ-کس، هیچ قاضی‌ای، هیچ کارشناسی نمی‌تونه همه این‌ها رو از ظاهر بفهمه.»
 قاضی خودکار را آرام روی میز گذاشت. فکر سراغش آمد.
 چیزی شبیه سنگینی قبض‌ها، شهریه دانشگاه دخترش...، ماشین و اینکه همین ماه، حقوقش یک روز زودتر ته کشیده بود. اما چیزی نگفت.
 کارشناس گفت: «اون موقع قانون «تشخیص» روبه قاضی سپرده بود. چون تشخیص ممکن بود. امروز، تشخیص فقط از مسیر تخصص می‌گذره، از تجربه، از چیزهایی که حتی تو گزارشم کامل دیده نمی‌شن.»

یکی‌شان را منبامی گرفتم، مسیر پرونده عوض می‌شد.»
 قاضی به صندلی تکیه داد.
 کارشناس ادامه داد: «مجبور شدم حفاری بیارم، فقط برای پیدا کردن واقعیت. واقعیتی که روی هیچ نقشه‌ای نبود. مکتی کرد و ادامه داد: «در گزارش فقط نتیجه می‌آد، جناب قاضی. اما پشت نتیجه... سه روز رفت و آمد، باران، تناقض داده‌ها و انتخاب بین چند احتمال غلط بود.»
 قاضی نگاهش را زدردید. به گوشه میز خیره شد. نفس کوتاهی بیرون داد. خودکار را برداشت. کمی مکث کرد. صدایش پایین‌تر آمده بود: «ادامه بدید.»
 کارشناس گفت: «جناب قاضی، اگر اجازه بدید، یک سوال بپرسم؟»
 قاضی سرش را کمی بلند کرد؛ همان نگاه کوتاه و خسته: «مختصر بگید.»
 کارشناس گفت: «اون سال‌هایی که قانون‌های قدیمی نوشته شد، مثلاً ۱۳۹۰ اختلاف‌ها چه جور چیزهایی بود؟»
 قاضی لحظه‌ای بی‌حرکت ماند. بدنش کمی به عقب رفت.
 زمستان، در آستانه خانه پدربزرگ، دیوار نیمه‌کاره... و پدربزرگ می‌گفت: «دیوار کج بایه نگاه معلوم می‌شه.»
 قاضی گفت: «اختلاف‌ها ساده بود. باغدار با باغدار، کشاورز با ماباشر، مسگر با شاگردش... بنا اگر دیوار کج می‌گرفت، مشتری می‌اومد محکمه... قاضی

کارشناس جلو آمد و نشست.
 قاضی دستانش را در هم قلاب کرد، کمی به جلو خم شد. لحنش هنوز سرد بود: «خب... توضیح بدید ببینم موضوع چیه؟»
 سپس خودکار را آهسته روی میز زد: «گزارش شما سه صفحه ست. چند متر برداشت، چند عکس... کار زیادی لازم نداشته.»
 کارشناس لبخند محوی زد، اما صدایش آرام و روشن بود: «اگر قرار بود فقط از روی نقشه کار کنم، بله.»
 قاضی لب‌هایش را فشرده.
 کارشناس ادامه داد: «سه نقشه داشتیم. نقشه بایگانی... خیلی قدیمی، مال قبل از بازسازی، نقشه خواهان و نقشه خوانده.»
 قاضی ابرو بالا آورد: «سه تا؟»
 قاضی انگشت روی میز کشید.
 پدربزرگ، شب‌ها تا دیر وقت، سه گزارش متناقض از پرونده تصادف روی هم گذاشته بود؛ گزارش پلیس، گزارش شاهد، گزارش بیمارستان. هیچ کدام با دیگری جور نمی‌شد. پدربزرگ برای بار چندم می‌گفت: «سه تا روایت، یک مرد مرده... کدومش حقیقت داره؟»
 کارشناس پاسخ داد: «بله جناب قاضی و هیچ کدام شان با واقعیت نمی‌خوند. روز اول فکر کردم نشست زمین داریم، اما لایه دوم را که باز کردم، دیدم مسیر لوله اصلاً آنجا نبود... روز دوم، نقشه‌ها را تطبیق دادم. هر سه تا تناقض داشتند. یعنی اگر

فن کامپیوتر لحظه‌ای صدا کشید، بعد آرام گرفت.

قاضی سرش را کمی خم کرد. از ذهنش گذشت: **پدربزرگ خم شده روی پرونده تصادف، و جمله ای که با خجالت گفته بود: «با این همه سال تجربه نتوانستم بفهمم چی شد.»**

سکوت کوتاهی میان شان افتاد. قاضی دستش را از روی پرونده برداشت. چند ثانیه به نقطه‌ای روی میز خیره ماند. انگار جمله‌ای که باید بگوید، هنوز در ذهنش شکل نگرفته باشد. بعد، بدون اینکه سرش را بالا بیاورد، گفت: «یعنی... شما می‌گید تشخیص ما کافی نیست؟»

کارشناس با همان آرامش گفت: «می‌گم امروز هیچ‌کس به‌تنهایی نمی‌تونه، جناب قاضی.»

قاضی ابروهایش را جمع کرد. صدایش کمی محکم‌تر شد: «اما قانون از اول همین بوده. تشخیص با دادگاهه. با قاضی. اگه این نباشه، نظم می‌ریزه.»

هیچ‌کدام چیزی نگفتند. صدای حرکت آب در لوله رادیاتور آرام در اتاق پخش شد.

کارشناس گفت: «نظم خیلی مهمه. کاملاً. اما نظمی که با زندگی امروز هماهنگ نشه، نتیجه اش اینه که روی کاغذ همه چی مرتبه، اما درد آدم‌ها سرچاش می‌مونه. وقتی روش تشخیص همون صد سال پیشه، اون نظم دیگه عدالت نمی‌سازه.»

قاضی کمی به عقب تکیه داد؛ نفس کوتاهی کشید. در نیمه‌یاز شد. منشی لحظه‌ای آمد و برگشت. صدای منشی بود: «داخل نرین، جلسه‌ست.»

کارشناس مکتی کرد، طوری که صدای سکوت کمی سنگین‌تر شد، بعد آرام گفت: «جناب قاضی... اجازه می‌دید یک مثال ساده بزنم؟»

قاضی سرش را بالا آورد. نگاه خشک، رسمی، همان نگاه همیشگی وقتی می‌خواست اقتدار را حفظ کند. اما انگشت شستش، عادت همیشگی وقتِ دودلی، آهسته روی لبه میز لغزید.

کارشناس گفت: «شما برای این پرونده دستمزدی تعیین کردید که حتی هزینه رفت‌وآمد سه روز من رو هم جبران نمی‌کنه.» انگشت قاضی روی میز از حرکت افتاد. چیزی در قاضی ایستاد.

عده‌های فیش حقوق از ذهنش گذشتند. صدای دخترش: «بابا... تو که خودت اهل عدالتی... چرا واسه من همه چی اینقدر سخته؟»

کارشناس ادامه داد: «من نمی‌گم بیشتر بدید. حتی نمی‌گم دستمزد برای من مهمه، حرفم اینه که وقتی رسیدن به واقعیت، از جیب کسی پرداخت بشه که واقعیت رو پیدا می‌کنه، اون وقت عدالت به نفع کی اجرا شده؟»

صدای پدر در سرش پیچید. آن روزی که جلوی پدربزرگ ایستاد: «نظم... وقتی فقط خودش رو حفظ می‌کنه، رسیدن به عدالت گرون می‌شه، گرونتر از جون آدم...»

قاضی به صدلی تکیه داد. اما انگار چیزی بین شانها و صدلی گیر کرده باشد. تکیه‌اش نیمه‌کاره ماند.

کارشناس گفت: «قانون قدیمی می‌گفت قاضی می‌تونه کمیت و کیفیت کار رو داشت، اما امروز اگر همون جمله بدون تغییر اجرا بشه، یعنی شما باید چیزی رو تشخیص بدید که ذاتاً خارج از توان یک نفره.»

قاضی آهی کشید. آهی شبیه صدای خسته پدربزرگ در روزهای آخر زندگی‌اش. همان روزهایی که پرونده تصادف، مثل سنگی روی قلبش مانده بود. هیچ چیز جلو نمی‌رفت.

نه قانون. نه حقیقت. نه عدالت.

کارشناس ادامه داد: «وقتی دستمزد نامتناسب باشه، سیستم یک پیام پنهان می‌ده: دقیق نشو. زحمت نکش. چون ارزشش پرداخت نمی‌شه.»

قاضی خواست چیزی بگوید اما صدا بیرون نیامد. فقط انگشتانش کمی جمع شدند.

کارشناس گفت: «نتیجه‌اش چی می‌شه؟ گزارش‌های سطحی... واقعیت‌های نصفه، عدالت نیمه‌کاره...»

تصویری تیز و کوتاه در ذهن قاضی جرقه زد: **تصویر پدر، روی تخت بیمارستان، انگشتی که بالا آمد تا جمله‌ای را شروع کند که هرگز تمام نشد.**

کارشناس گفت: «شما حق قانونی دارید که دستمزد رو تعیین کنید. اما اگر این حق به عدالت نرسه، می‌شه یک امضا. نه یک تشخیص.»

قاضی سرش را پایین انداخت. چند لحظه فقط صدای عبور آب در رادیاتور بود. صدایی خسته، سنگین، شبیه نفسی که نمی‌خواهد تمام شود. قاضی آرام گفت: «اگه این نظم به عدالت نرسه... چی ارزش می‌مونه؟»

کارشناس گفت: «اسمش می‌شه ظلم آرام، جناب قاضی، ظلمی که فریاد نمی‌زنه، ولی کار خودش رومی‌کنه.»

چند ثانیه کسی چیزی نگفت. قاضی دستش را از روی میز برداشت؛ حرکتی بی‌وزن، شبیه کسی که بعد از سال‌ها برای اولین بار نفهمد مرحله بعد چه باید باشد. رادیاتور آهسته صدا کرد، صدایی نرم‌تر، مثل لغزش آب در جایی پنهان.

کارشناس هیچ نگفت. فقط نشست بود؛ با همان آرامش ابتدایی.

قاضی به پرونده سبز رنگ نگاه کرد و همان‌جا چیزی در ذهنش باز شد. نه کلمه، نه تصویر کامل، بلکه ترکیبی از صداها و حس‌ها به هم وصل می‌شدند:

پدر، در تخت بیمارستان، با نیم‌نفسی که می‌خواست چیزی بگوید، اما نتوانست. پدربزرگ، پشت میز چوبی، پرونده تصادف در مشت، چشم‌هایی که دیگر حکم نمی‌نوشتند: «قانون... وقتی جوابی برای درد آدم نداشته باشه، می‌شه فقط... قفس.»

صدای دختر، از پشت در اتاق نشیمن: «بابا... تو که با قانون و عدالت کار می‌کنی... پس چرا هیچ چیز تو خونمون... به سامان نیست؟»

سه صدا، در یک لحظه، بی‌هیچ ترتیبی، هم‌زمان در ذهنش نشستند. قاضی نفس عمیقی کشید. اما هوا سنگین‌تر از سینه‌اش بود. گفت: «گزارش تون رویک‌بار دیگه می‌خونم.»

کارشناس سر تکان داد. قاضی با صدای نیمه‌گرفته گفت: «شماره تونو... برای توضیحات تکمیلی بذارید.»

کارشناس برخاست. صدای آرام کشیده شدن صدلی در اتاق پیچید. قاضی سرش را بلند نکرد، اما گوشش کاملاً با او بود.

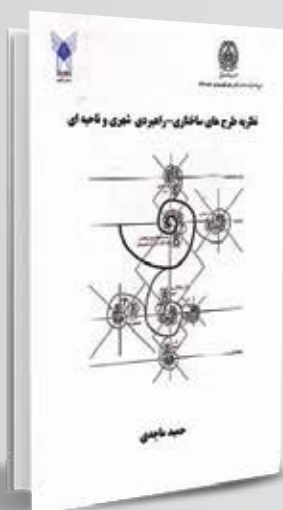
کارشناس گفت: «هر زمان لازم باشه، جناب قاضی.»

در بسته شد. قاضی چشم‌هایش را بست. نه برای فکر کردن؛ برای اینکه صدای پدر، پدربزرگ و دختر همه با هم در یک خط بی‌صدا از کنارش رد شوند و چیزی در او جابه‌جا شود.

چند لحظه بعد قاضی چشم باز کرد. پرونده همان بود. قانون همان بود. نظم همان بود.

اما او نه چندان زیاد، نه چندان کم، دیگر همان قاضی چند دقیقه پیش نبود.

معرفی کتاب



نظریه طرح های ساختاری -
راهبردی شهری و ناحیه ای

- مولف: حمید ماجدی
- ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- چاپ اول ۱۳۹۵



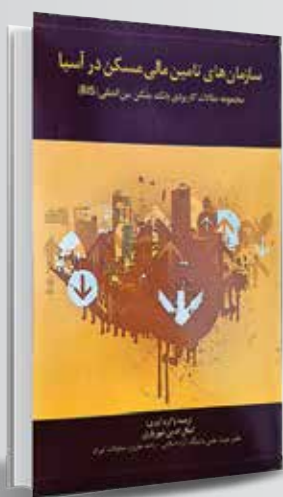
نظام تخلیفات
اداری و انتظامی

- مولف: محسن اصغری
- ناشر: جاودانه، جنگل
- چاپ اول ۱۳۹۷



مدیریت ریسک و ایمنی و
جایگاه آن در ایمن سازی سازمان ها

- مولف: حمید معینی
- ناشر: اکباتان
- چاپ اول ۱۳۹۴



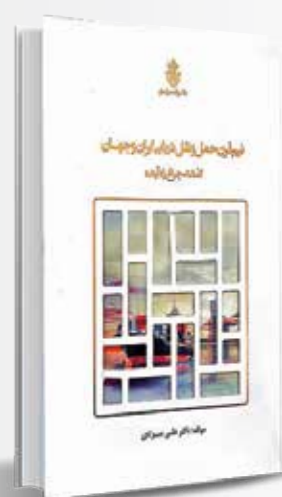
سازمان های تامین مالی مسکن در آسیا

- ترجمه و گردآوری: کمال الدین شهریاری
- ناشر: تضمین دانش
- چاپ اول ۱۳۹۰



تولید، انتقال
و توزیع برق

- مولف: محمدحسین قنبری
- ناشر: توسعه و مدیریت
- چاپ اول ۱۳۹۷



نیم قرن حمل و نقل دریایی
ایران و جهان

- مولف: علی مرادی
- ناشر: سازمان بنادر و دریانوردی
- چاپ اول ۱۳۹۸



ماده ۲۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری

دستمزد کارشناسی رسمی طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد شورای عالی کارشناسان به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید و هر دو سال یک بار قابل تجدیدنظر می‌باشد. قضاات دادگاهها در مورد دستمزد کارشناسی مطابق ماده (۲۶۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ اقدام خواهند کرد.

تبصره - ضوابط تعیین هزینه‌های خدمات کارشناسی به پیشنهاد شورای عالی کارشناسان و تصویب رئیس قوه قضائیه مشخص خواهد شد و پرداخت آن بر عهده متقاضی است.

